



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره‌ی جدید، سال هشتم، شماره‌ی شصت و نهم، مرداد و شهریور ۱۳۹۹

در سالروز بازگشت آزادگان:

رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان



دکتر غلامی: دانشنامه‌ی آزادگان از منابع عظیم و ظرفیت‌های به‌جا مانده از انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌روند

حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد: در تاریخ اسارت، دو روز تلخ برای آزادگان سرفراز کشورمان وجود دارد

مهندس اوحدی: دانشنامه‌ی آزادگان می‌تواند کتاب مرجعی برای انتقال تجربیات آزادگان به نسل جدید باشد

دکتر قبادی: دانشنامه‌ی آزادگان تداوم پیام زینب (س) است

دکتر پاکتچی: هنوز راه‌های نرفته‌ی زیادی در جهت حفظ ذخیره‌های فرهنگی داریم

رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان

به اسناد و مطالب منتشره، نسبت به نگارش و تحویل مقاله اقدام کند. مهم‌ترین مشکل در مسیر نگارش مقالات این دانشنامه، کمبود انباشت علمی و پژوهشی در موضوع اسارت بود. با وجود انتشار آثار متعدد و متنوع در این حوزه، همچنان مباحث این حوزه از لحاظ تاریخی به حد کافی تبیین نشده است، زیرساخت‌های پژوهشی آماده نیست، و فرهنگ‌نامه‌ها و دیگر آثار مرجع در این حوزه آن‌طور که بایسته و شایسته است، منتشر نشده. در این دانشنامه بخش مهمی از اطلاعات از رهگذر مصاحبه با چهره‌های شاخص و حاضر در آن مقطع کسب شده است و تلاش شده تا واقعیات موضوع به صورت کاملاً مستند عرضه شود و اسناد و منابع معتبر آن ذکر شود.

مقالات، پس از دریافت، مورد ارزیابی محتوایی و نگارشی قرار گرفتند در ارزیابی محتوایی، محتوای مقاله از نظر استنادی و مطابقت با حقایق؛ و در ارزیابی نگارشی، تناسب با موضوع مقاله، برخورداری از لحن دانشنامه‌گی، انسجام درونی و توالی منطقی مباحث مد نظر بود. در صورتی که مقالات در این دو مرحله، نیازمند اصلاحات بود، به مؤلف بازگردانده می‌شد تا ظرف مدت زمانی معین به اصلاح آن همت گمارده و آن را بازگرداند. پس از بررسی مجدد و اطمینان از اصلاحات انجام شده، مقاله برای سیر مراحل ویراستاری ادبی و صوری و محتوایی ارسال می‌شد. در نهایت، نسخه‌ی نهایی دانشنامه در اختیار مؤسسه‌ی پیام آزادگان قرار داده شد و مورد بازبینی و اصلاحات نهایی قرار گرفت.

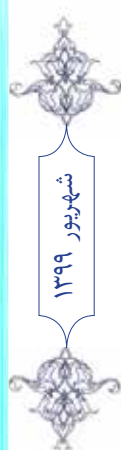
دانشنامه‌ی آزادگان براساس تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (بنیاد دانشنامه‌نگاری سابق) و مؤسسه‌ی فرهنگی پیام آزادگان تألیف شده است. این مرجع ارزشمند با ۱۳۴ (یکصد و سی و چهار) مقاله‌ی دانشنامه‌ای، در ۳۸۰ صفحه تدوین شده و در نگارش آن پنجاه نفر از نویسندگان همکاری کرده‌اند که از کل مقالات، ۲۴ مقاله را آزادگان سرافراز به رشته تحریر در آورده‌اند.

دبیر علمی اثر، دکتر منوچهر اکبری، استاد دانشگاه تهران، دانشنامه را با برگزاری شورای علمی دانشنامه: آقایان بیژن کیانی شاهوندی، حسن بهشتی‌پور، علی محمد احد طجری، محمدرضا کاتینی، قریبرز خوب نژاد، مجید غلات و دکتر رضا ملکی سیاست‌گذاری کرده و پیش پرده‌اند و جلسات مختلفی برای تصویب مداخل، تعیین حجم مداخل، بررسی‌های محتوایی و غیر آن برگزار شده و با استفاده از توان علمی و تجربی اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، مقالات از حیث انطباق با حقایق مربوط به امور آزادگان نیز اعضای محترم شورای علمی، به ویژه آقایان حسن بهشتی‌پور و فریبرز خوب‌نژاد، کارشناسی لازم را انجام داده و در اصلاح خطاهای احتمالی کوشیده‌اند. معیار اصلی در انتخاب مداخل این دانشنامه، ارتباط موضوعی با بحث اسارت و میزان اهمیت آنها بوده است. مداخل انتخابی در مقولات زیر دسته‌بندی شده‌اند:

- * مکان‌های نگاه‌داری اسراء
- * تعدادی از چهره‌های شاخص دوران اسارت؛
- * حوادث شاخصی که در اردوگاه‌ها رخ داده و نقطه عطفی در دوران اسارت قلمداد می‌شوند
- * معرفی برخی از آثار ادبی و هنری اسارت‌مزمین به تقریظ مقام معظم رهبری
- * اشاره به مسائل حقوقی
- * و نیز مسائل فردی و اجتماعی دوران اسارت همچون بهداشت، آموزش، بیماری‌ها، امکانات، ابتکارات و مانند آن

تعداد واژگان هر مداخل، بسته به میزان اهمیت آن، متفاوت است و در این دانشنامه مقالات کوتاه، متوسط، و بلند به چشم می‌خورد.

در نگارش مقالات، هم از آزادگان فرهیخته و اهل قلم بهره برده شد و هم از سایر نویسندگان و دانشنامه‌نگاران. شیوه‌ی کار به این شکل بود که کلیات محتوا و رئوس مطالب هر مداخل در اختیار نویسنده قرار می‌گرفت که در مدت‌زمانی مشخص فرصت داشت تا با مراجعه



دکتر غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در مراسم رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان:

دانشنامه‌ی آزادگان از منابع عظیم و ظرفیت‌های به‌جا مانده از انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌روند



دکتر منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در مراسم رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان که هم‌زمان با سالگرد بازگشت قهرمانانه آزادگان سرفراز دفاع مقدس برگزار شد، گفت: دانشنامه‌ی آزادگان، در نوع خودش اثر ماندگاری است و خواهد بود.

دکتر غلامی در ابتدای سخنانش ضمن تبریک سالروز بازگشت آزادگان سرفراز به کشور گفت: سالروز بازگشت آزادگان هر ساله یادآور حماسه‌های گران‌قدر ۸ سال دفاع مقدس و بعد از آن دوره‌ی انتظار برای بازگشت این عزیزان است؛ دوران سختی که پس از بازگشت آنها مشخص کرد آنچه در آن‌جا رخ داده، یادگار ایثارها و مقاومت‌های این عزیزان در محیط بسته‌ی اسارت بود. لذا دانشنامه‌ی آزادگان بیان تاریخ مقاومت مردم ایران و دستاورد عظیم فرهنگی است. وی در ادامه افزود: به روح و روان آزادگان شهید درود می‌فرستیم. این دوران برهه‌ی ویژه‌ای است برای نشان دادن نگاه اسلامی به دوران اسارت. ما در طی دوران پس از انقلاب اسلامی فصل‌های مهم تاریخی را در کشور داریم که خود پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و دوران ۸ سال دفاع مقدس از آن جمله به شمار می‌روند. وزیر علوم، با اشاره به نقش دانشنامه‌ی آزادگان گفت: متأسفانه تاحدودی در ثبت یادگارها و دستاوردهای انقلاب اسلامی منسجم کار نکرده‌ایم و اکنون این دانشنامه‌ها از منابع عظیم و ظرفیت‌های به‌جا مانده از انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌رود و آنچه در این دانشنامه‌ها ثبت و ضبط شده، قابل‌مقایسه با دنیا نیست؛ زیرا این دانشنامه‌ها حاوی منابع غنی و گران‌قدری از باورهای دینی و روح ایثارگری ملت ایران است که می‌تواند به

عنوان منابع باارزش برای تحقیقات علمی نسل جوان مورد استفاده قرار گیرد. ما چه در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و درگیر شدن در جنگ تحمیلی و چه پس از آن که با توجه به این‌که هیچ‌گاه از معاندین و دشمنان انقلاب رها نشدیم و فرصت نکردیم که با آسایش فکری برای پیشبرد اهداف اصلی انقلاب اسلامی بپردازیم، این دوره هم جزو دوران مقاومت به شمار می‌آید.

دکتر غلامی در پایان با تشکر از مسئولان پژوهشگاه و دست‌اندرکاران تهیه‌ی این دانشنامه، گفت: ان‌شاءالله این زحمات هم به عنوان نمونه‌ای از تلاش برای تبیین دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی باشد و هم زمینه‌ساز تأمین منابع متقن و اصیل برای تحقیقات و تلاش‌های علمی نسل جوان قرار گیرد.



شهریور
۱۳۹۹



حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد در مراسم رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان:

دانشنامه‌ی آزادگان می‌تواند کتاب مرجعی برای انتقال تجربیات آزادگان به نسل جدید باشد

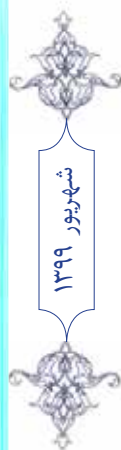


حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی‌فرد نماینده‌ی ولی فقیه در امور آزادگان و امام‌جمعه‌ی موقت تهران در مراسم رونمایی از کتاب دانشنامه‌ی آزادگان (۲۵ مرداد ۹۹) طی سخنانی با تشکر و قدردانی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری در برگزاری این مراسم گفت: در آستانه‌ی سی‌امین سال ورود آزادگان پیروز به کشور عزیزمان هستیم و در این روزها اثری ارزشمند به دست اندیشمندان حوزه‌ی علم و توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشکده دانشنامه‌نگاری شکل گرفته که مایه قدرشناسی است.

وی در ادامه گفت: تاریخ دفاع مقدس زیباترین و ماندگارترین کتاب تاریخ انقلاب اسلامی است و دستاوردهای امروز مرهون کار بزرگ آزادگان و ایثارگران با رهبری امام بزرگوار و خلف صالح ایشان مقام معظم رهبری به سامان رسیده و این کتاب برگ زرین دوران اسارت به شمار می‌رود که همی خطوط آن اثرگذار است. آزادگان در دوران اسارت‌شان از حلقه‌های کلیدی دفاع مقدس بودند که در دوران اسارت دو روز بسیار تلخ داشتند؛ یکی روز ارتحال امام راحل و دیگری روز پذیرفته‌شدن قطعنامه‌ی آتش‌بس، نیروهای بعثی در روز دوم بعد از قطعنامه‌ی ۵۹۸ جشن و پایکوبی می‌کردند و انتظار خوشحالی و پایکوبی اسرا را داشتند اما سرهای آنان بر زانو بود چرا که ایستاده بودند تا دشمن را از پا آورند و از

ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی در اردوگاه‌ها حراست می‌کردند. لذا دغدغه‌ی ثبت خاطرات این عزیزان از دغدغه‌های مهم شمرده می‌شود که می‌تواند مانند کتاب مرجعی برای انتقال تجربیات این عزیزان به نسل جدید استفاده شود.

امام جمعه موقت تهران تأکید کرد: این فرزندان که این‌گونه به اسارت دشمن درآمدند در دوران اسارت خویش یکی از حلقه‌های کلیدی دفاع مقدس بودند؛ هر چند در اردوگاه‌ها حضور داشتند اما در واقع در خط مقدم جنگ و مبارزه بودند و کمترین فشار در طول یک دهه اسارت از سوی آزادگان برای پایان جنگ به مدیران کشور وارد نشد.



دکتر قبادی در مراسم رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان:

دانشنامه‌ی آزادگان تداوم پیام زینب (س) است



روز شنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۹۹، هم‌زمان با سی‌امین سالروز ورود آزادگان سرفراز به کشور، مراسم رونمایی از کتاب دانشنامه‌ی آزادگان در پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با حضور دکتر منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر ابوترابی‌فرد امام جمعه‌ی موقت تهران و نماینده‌ی ولی فقیه در امور آزادگان مهندس سعید اوحدی معاون رییس‌جمهور و رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران؛ جمعی از آزادگان سرفراز و مؤلفان این اثر ارزشمند و ... برگزار شد.

تدوین این کتاب که با همکاری پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری ایران و مؤسسه‌ی پیام آزادگان انجام شده است، شامل تصاویر و اطلاعات اسرای جنگی و آزادگان است که بر اساس اولین اردوگاهی که اسرا در آن نگهداری می‌شدند، طبقه بندی و از اسناد صلیب سرخ نیز در آن استفاده شده است. در ابتدای این مراسم دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تبریک سالروز ورود آزادگان سرفراز به میهن اسلامی‌مان و عرض خیرمقدم به حاضرین در جلسه، سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد:

بسم رب الشهداء

الحمد لله رب العالمین

لا حول و لا قوة الا بالله العلی‌العظیم

«مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا»

پیچیده در شاخ درختان نگاهش، چون گوزنی سر شاخه‌های پیچ در پیچ غرورم
آهنگ آشنای صدای او

مثل عبور نور

مثل صدای آمدن روز است

در نگاهش

ابهام گنگی بود،

خاک، ذره‌بین کوچکی در دست‌های آن آفتاب؛

صبح در پشت در، مانده برجای

نور در می‌زند، چشم بگشای

دکتر قبادی ادامه داد: انجام این پژوهش و به‌ثمر رساندن دانشنامه‌ی آزادگان در آستانه‌ی ماه محرم دوپیام برای ما دارد: اول، آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که از اسارت آمدند کاری زینبی. امروز

در آستانه‌ی ماه محرم اسیران آزاده و سرفراز ما یادآور نهضت زینب کبری (س) هستند. اگر امام حسین (ع) خون خداست، زینب (س) جلوه‌ی حق و پیام خداست و آزادگان ما راه زینب (س) را پوینده‌اند. زینب (س) اسیر عشق حق است و از این‌روی چیزی جز زیبایی ندید و دانشنامه‌ی آزادگان تداوم پیام زینب (س) است. پیام دوم، نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های ارزش‌مدار در مجموعه‌ی آموزش عالی از جمله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. در کنار پژوهش‌هایی در حوزه‌ی اقتصاد مقاومتی، تبیین الگوهای بومی برای توانمندسازی روستاهای مناطق محروم، پژوهش‌ها گوناگون حوزه‌ی تعمیق مطالعات قرآنی و کارگروه ویژه‌ی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در ادبیات دفاع مقدس، همه‌وهمه نشان‌دهنده‌ی مسیر حرکت اسلامی و اصیل پژوهشگاه علوم انسانی در طول سالیان اخیر است.

دکتر قبادی تأکید کرد: با رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان امیدواریم مقدمه‌ی خیر و سرآغازی برای فعالیت هرچه بیشتر دانشگاهیان در عرصه‌ی ادبیات پایداری و دفاع مقدس فراهم شود و این آغاز یک راه بزرگ است. خوشبختانه در این راه سعی شده با روش‌های پیشرفته‌ی علمی اثری نفیس و ماندگار خلق شود که ان‌شاءالله می‌تواند مراجع درسی دانشگاه‌ها نیز باشد و با تحقیق و پژوهش‌هایی که در ادامه صورت خواهد گرفت ما شاهد غنی‌تر شدن رشته‌ی ادبیات پایداری در دانشگاه‌ها باشیم. نثار روح شهدای کربلا و آزادگان شهید صلواتی مرحمت فرمائید.



مهندس اوحدی:

آزادگان الماس‌های درخشان مقاومت و ایثار کشورند



دکتر پاکتچی:

هنوز راه‌های نرفته‌ی زیادی در جهت حفظ ذخیره‌های فرهنگی داریم



دکتر پاکتچی، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه در مراسم رونمایی از کتاب دانشنامه‌ی آزادگان (۲۵ مرداد ۹۹) طی سخنانی گفت: ما در این کشور وظایفی بر عهده داریم و توجه به این وظایف هم خیلی مهم است. در کشور ما افراد زیادی با جانفشانی و ادای دین افتخارات ماندگاری را برای ایران عزیز خلق کردند که با وجود گذشت سده‌ها از این حماسه‌ها، کارهای انجام نشده‌ی زیادی داریم که یکی از این کارها در ارتباط با افتخارآفرینی‌ها و ثبت رشادت‌های آزادگان، شهدا و ایثارگران است. دکتر پاکتچی تأکید کرد: ما موظف هستیم در این راستا گام برداریم و وظیفه‌ی ماست که از منظر علم و دانشگاه به ابعاد گوناگون این حماسه‌ها پردازیم تا پیوند نهاد علم و دانشگاه با دیگر نهادهای جامعه از این منظر نیز رقم بخورد. خوشحالیم که با رونمایی از کتاب دانشنامه‌ی آزادگان، پیوند پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری با مؤسسه‌ی پیام آزادگان رقم خورد و این آغاز راه است که راه‌های نرفته‌ی زیادی برای حفظ و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و اسلامی پیش‌رو داریم. وی افزود: آزادگان عزیز برای ما یک ذخیره‌ی فرهنگی بزرگ به شمار می‌روند و این ذخیره‌های فرهنگی ارزش زیادی دارند. شاید ما در ایران خیلی به حفظ ذخیره‌های فرهنگی عادت نداشتیم اما واقعا ذخیره‌ای که با خون دل و رنج‌ها و دردهای زیادی فراهم شده را نباید فراموش کرد و ابعاد مختلف آن را ساده گرفت. آشنا کردن نسل جوان و جدید جامعه وظیفه‌ی ماست و باید از ارزش‌های دینی و اسلامی مان به‌خوبی حفاظت کنیم.

مهندس سعید اوحدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، نیز در این مراسم با تبریک ۳۰ سالگی ورود آزادگان گران‌قدر به کشور، گفت: از کلمه‌ی اسیر و اسارت دو قرائت می‌توان داشت، یک قرائت که در دنیا متداول است اسیر را انسانی دست و پا بسته، محدود، به آخر خط رسیده و بی‌اختیار معرفی می‌کند که این نوع نگاه ترحمی است و اسیر را فردی معرفی می‌کند که پر از مشکلات روحی و جسمی است. انسانی که نهایت مسیر بن‌بست را لمس کرده است و هیچ اختیاری ندارد. این نگاه، رویکرد قالب دنیا نسبت به اسراست، همین رویکرد در فضای اجتماعی و سیاسی هم دیده می‌شود. اما تعبیر دوم از کلمه‌ی اسیر که به برکت انقلاب اسلامی و هشت‌سال دفاع مقدس و دو سال مقاومت آزادگان در اسارت شکل گرفت، اسیر و دوران اسارت را اوج مقاومت فرد نشان می‌دهد که فرد در صف اول مقاومت قرار دارد و امام راحل نیز اسرا را احرار و آزادگان نامیدند که سرود آزادگی سر دادند. به یاد داریم، سال‌های بعد از جنگ رزمندگان اسلام پس از مذاکرات و تصویب قطع‌نامه از جنگ بازگشتند، اما اسرا همچنان در صف اول مقاومت حضور داشتند. در واقع قرائت دوم از اسرا مربوط به امام راحل است و ایشان در مورد اسرا برای اولین بار عنوان آزادگان را به کار بردند. اوحدی در خاتمه تأکید کرد: مقام معظم رهبری نیز اسرا را گنجینه‌ی عظیم انقلاب و الماس‌های درخشان دانستند که همچون الماس که مقاوم‌ترین و درخشان‌ترین عنصر طبیعت است مظهر مقاومت و ایثار هستند و کار رونمایی از دانشنامه‌ی این عزیزان کار بسیار عظیمی به شمار می‌رود که جا دارد از دست‌اندرکاران این اثر ارزشمند هم تشکر کنیم.



نگاه ما یک نگاه بومی است

۵۵ سال سابقه، توانسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را به عنوان بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در ایران و خاورمیانه معرفی کند. آن‌طور که حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌گوید: «از جمله ویژگی‌های ساختار پژوهشگاه جامعیت همه‌ی رشته‌های علوم انسانی و فعالیت بین‌رشته‌ای و تقاضامحور و کاربردگرا در پرتو نگاه برنامه‌مدار و حرکت در چارچوب برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی مجموعه است». با او در خصوص دستاوردها و مطالعات این پژوهشگاه به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید:



لطفاً در خصوص مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهشگاه توضیح دهید.

مهمترین دستاورد ما در این دوره، ورود به عرصه‌ی مؤسسات پژوهشی نسل چهارم و اثرگذاری در سیاست‌گذاری‌های کشور است که با رویکرد راهبردی و کاربردی برنامه‌مدار حاصل شده است. بینید این پژوهشگاه با ۵۵ سال سابقه، بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در ایران است و قطعاً بزرگترین پژوهشگاه آسیای غربی هم به شمار می‌رود. از جمله ویژگی‌های ساختار پژوهشگاه، جامعیت همه‌ی رشته‌های علوم انسانی و فعالیت بین‌رشته‌ای و تقاضامحور و کاربردگرا هست که همه‌ی این‌ها در پرتو نگاه برنامه‌مدار و حرکت در چارچوب برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه است. خوب منشور ما در برنامه‌ی توسعه، به‌ویژه در برنامه‌ی دوم توسعه که امسال اولین سال آغاز آن است، پژوهشگاه بدون دیوار است. پژوهشگاهی که با رویکرد حل مسئله و مواجهه با چالش‌های اجتماعی پیش می‌رود، بنابراین نگاه ما یک نگاه بومی است. خوب باید گفت که مهمترین مسیر برای انطباق علوم انسانی جدید با ارزش‌های بومی و دینی و معنوی و هویتی ایران اسلامی، آن است که ما علوم انسانی را در مسیر کاربردگرایی قرار دهیم. به‌طورقطع اگر این اتفاق بیفتد خود به خود (باتوجه به بازخوردهای جامعه راه خود را پیدا می‌کند. یعنی اگر جایی عدم انطباق‌ها با ارزش‌ها وجود داشت، خودبه‌خود کنار زده می‌شود. باید گفت که اگر ما به نظام ملی نوآوری (national innovation system) اشراف داشته باشیم این نظریه در این چرخه حرکت می‌کند و در جامعه آزمون می‌شود و در چرخه‌ی نوآوری قرار می‌گیرد. یعنی واکنش‌های اجتماعی می‌تواند در حوزه‌ی علوم انسانی به اصلاح، ترمیم و روزآمدی و تکمیل نظریات بپردازد. بنابراین مسیر بومی‌گرایی و اسلامی‌گرایی در علوم انسانی عمدتاً کاربردی شدن علوم انسانی است و گرنه ما در حوزه‌ی انتزاعیات و نظریات محض باقی می‌مانیم. ما برای این‌که این باور را محقق کنیم، شبکه‌ی نخبگان علوم انسانی را تشکیل دادیم. شبکه‌ای که بیش از دو هزار نفر عضو دارد اخیراً هم در نظام توزیع و فروش مجازی و چاپ مجازی ورود پیدا کرده‌ایم. حتی در منابع کتابخانه‌ها نیز به طرف دیجیتال‌سازی پیش رفتیم. امروز بزرگترین پرتال جامع علوم انسانی فارسی زبان در سطح

جهان را پژوهشگاه علوم انسانی دارد. اخیراً در یک کار ابتکاری هم منابع را موضوع‌بندی کردیم یعنی یک محقق رشته‌ی فلسفه به جای این‌که مقالات کلی فلسفه در اختیارش قرار بگیرد به عنوان مثال می‌تواند فقط منابع مربوط به دیدگاه هگل در فلسفه‌ی معاصر را بازبایی کند در واقع اولویت ما بر اثرگذاری در روابط علمی و فرهنگی بین‌الملل، حوزه‌ی جهان اسلام، بعد جهان شرق و سپس جهان غرب است یعنی مراکز که در اهداف کلان برنامه توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه جامعه هدف ما باشند. از طرفی یکی از وجوه ممتاز پژوهشگاه در سال‌های اخیر، در اختیار قرار دادن نتایج تحقیقاتی برای عموم و عمومی‌سازی با مردمی‌سازی، فراگیرسازی دانش است. ما برای این‌کار اداره‌ی ترویجی‌سازی ایجاد و معاونت فرهنگی را به معاونت کاربردی‌سازی و فرهنگی تبدیل کردیم. به‌رحال پژوهشگاه دارای شخصیت‌های برند جهانی در چند حوزه است. همه‌ی اینها به خاطر سابقه‌ی طولانی و انباشت دانشی است که در این‌جا صورت گرفته است.

با توجه به این‌که در بحث علوم انسانی فعالیت می‌کنید به‌طور کلی چه قدر توانسته‌اید در روزآمدسازی علم در این حوزه موفق باشید؟

به موضوع خوبی اشاره کردید. یکی از شاخص‌های ما برای جذب اعضای هیأت علمی در سال‌های اخیر این بود که افراد به بیش از یک زبان مسلط باشند یا این‌که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ممتاز ایران با جهان باشند. علاوه بر آن و در کنار شاخص‌های عمومی صلاحیت علمی و اعتقادی افراد نیز تأیید شده باشد. |

در زمینه‌ی روزآمد نگه‌داشتن دانش محققان علوم انسانی چه اقداماتی کرده‌اید؟

اقدامات ذیل را انجام داده‌ایم و در این زمینه خود را موفق می‌دانیم به دلایل و پشتوانه‌ی فعالیت‌های زیر:

اول، با گسترش روابط هدفمند، اولویت‌دار و برنامه‌ریزی شده بین‌الملل، سطح تعامل، رفت‌وآمد متقابل با دانشمندان و مراکز علمی خارجی را گسترش دادیم و با برگزاری همایش‌ها، نشست‌های تخصصی مسئله‌مند و قراردادهای تفاهم‌نامه‌های محصول‌محور، نهادینه و مستمر کوشیدیم سطح اطلاعات علمی محققان خود را کاملاً روزآمد نگه‌داریم و آن را تقویت کنیم. با تجهیز و توسعه‌ی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و افزایش پهنای باند اینترنت و سرمایه‌گذاری ویژه در این حوزه و غنی‌سازی پرتال علوم انسانی و موضوع بندی آن کمک فراوانی به حرکت در مرزهای دانش و روزآمدسازی علمی محققان صورت گرفت.

دوم، از طریق حمایت ویژه و تخصیص به‌موقع گرندهای پژوهشی حمایت عملی قابل قبولی برای روزآمد نگه‌داری سطح اطلاعات علمی پژوهشگران انجام دادیم.

سوم، تشویق اعضای هیأت علمی برای رفتن به فرصت مطالعاتی، فراهم آمدن زمینه‌های انتشار مقالات مشترک با محققان سرآمد خارجی یا دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی طراز اول دنیا از دیگر اقدامات در این زمینه بوده است، چنان‌که برای اولین بار برخی از محققان ما به عنوان نمونه در دانشگاه هاروارد هم تدریس کردند، هم پژوهش مشترک انجام دادند. این همکاری با کشورهای آلمان، اتریش، فرانسه، ایتالیا، روسیه، ژاپن، کره جنوبی، چین، ترکیه، قطر و عمده کشورهای آسیای میانه صورت گرفته است.

چهارم، حمایت گسترده و ویژه برای تقویت شبکه‌ی نخبگانی دو هزار نفره‌ی علوم انسانی در امر نقد کتاب‌ها و نظریات جهانی که در این زمینه با رشد بیش از ۲۰ برابری روبه‌رو هستیم و این امر عمیقاً نه تنها به روزآمدی محققان پژوهشگاه مدد رسانده است، بلکه کمک شایانی به تمام استادان علوم انسانی سراسر کشور و نقد و انتقاد و غنی‌سازی منابع درسی دانشگاهی کمک کرده است و از این جهت کار پژوهشگاه علوم انسانی مکمل شورای تحول علوم انسانی بوده است. و اهتمام دیگر ما توجه به جذب هیأت علمی روز آمد و مطلع نسبت به جریان‌های علمی جهانی است

جذب پژوهشگاه بیشتر در چه بخش‌هایی صورت می‌گیرد؟

جذب ما بیشتر در حوزه‌ی فلسفه بوده، البته در بخش اخلاق و تربیت در حوزه‌ی مدیریت هم ما جذب نیرو داشتیم چون در حوزه‌ی مدیریت خیلی تأکید داشتیم که افراد باسواد جذب کنیم چون اصلاً رشته‌ی مدیریت نداشتیم. به‌هر حال پژوهشگاه به این بزرگی اگر بخواهد خدمتی برای جامعه داشته باشد باید تکنیک آن را هم بلد باشد. امیدوارم بتوانیم به سمتی برویم که پژوهشگاه بتواند نقش تبدیل‌سازی خوبی در رابطه با دستاوردهای دانش سایر رشته‌ها و در جهت کاربردی‌سازی علوم انسانی و حل چالش‌های مردم داشته باشد اولویت دیگر ما در جذب، رشته‌های کاربردی‌تر از یک طرف و از طرف دیگر رشته‌هایی بود که ما را به مرزهای دانش نزدیک‌تر کند. خوب این‌ها رشته‌های مفید و کلیدی هستند امیدوارم که مقررات هم به ما اجازه دهد تا جذب در این رشته‌ها بیشتر شود.



در حال حاضر با چه چالش‌هایی مواجه هستید؟

مواجهه با چالش‌های مهمی که مورد توجه پژوهشگاه قرار گرفته عبارتند از: حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه آسیب‌های متوجه نهاد خانواده، مسئله‌ی کودکان کار، تاب‌آوری‌های اجتماعی، درونی‌سازی امنیت با اجتماعی‌سازی آن، مقابله با گسست‌های فرهنگی و تضعیف‌کننده‌ی هویت ایرانی-اسلامی، البته ما بین چالش و مسئله و معضل تمایز قائل هستیم. مثلاً همین کرونا که به یک مسئله‌ی اجتماعی تبدیل شد و چون سیاست ما مواجهه با چالش‌های اجتماعی بود در این راستا از همان روز اول یک پویش اجتماعی با راهبرد امید آفرینی در حوزه‌ی کرونا راه انداختیم و تقویت تاب‌آوری اجتماعی را در کشور دنبال کردیم که خوشبختانه با استقبال وسیع هم مواجه شد حتی پژوهشگاه ۶ سری کتاب از اسفند ماه تاکنون در حوزه‌ی کرونا منتشر کرد. اولویت دیگر ما پرداختن به مسائل مردم مناطق محروم بود و سعی کردیم به حوزه‌ی مناطق روستایی ورود پیدا کنیم که با همکاری سازمان برنامه و بودجه، اولین الگوی ایرانی و بومی توانمندسازی روستاهای محروم و بومی استان سیستان و بلوچستان را انجام دادیم. یکی دیگر از چالش‌های مهمی که وجود دارد و از نظر ما مغفول مانده بود مسائل مربوط به ریزگردها بود. ما معتقدیم که در بحث ریزگردها، منهای یک همکاری دیپلماتیک منطقه‌ای و یک هماهنگی تمام عیار فرهنگ‌سازانه اجتماعی حل نمی‌شود و نباید فقط نگاه سخت‌افزارانه و مهندسانه به این موضوع شود. خب گاهی یک مطالعه‌ی علوم انسانی موجب میلیاردها دلار صرفه‌جویی و امنیت بخشی و تاب‌آوری و هارمونی اجتماعی می‌شود.

در ادامه چه برنامه‌ای را در دستور کار دارید؟

به‌طورقطع برنامه‌ی ما دقیقاً بر مبنای برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی‌مان است یعنی ما در برنامه‌ی توسعه‌ی اکشن پلن داریم که به صورت درون‌زا با رأی و نظر خود اعضای هیأت علمی جوشیده شده است. در برنامه‌ی آینده بخشی متوجه پژوهش‌های بنیادی است که بخش اعظم آن متوجه پژوهش‌های راهبردی و بخش قابل توجهی متوجه پژوهش‌های کاربردی است. معتقدیم که پژوهش‌های کاربردی نباید بدون اتصال به پژوهش‌های بنیادی باشد و گرنه دچار تناقض می‌شود. همین الان ما با شهردار منطقه ۶ در حوزه‌ی سالمندی که به یک معضل تبدیل شده، همکاری می‌کنیم. یکی از کارهای دیگر، بحث فلسفه برای کودکان است یعنی قصد داریم تفکر انتقادی را به نسل آینده‌ای که پایه و مایه‌ی توسعه‌ی آینده کشور است، منتقل کنیم. در این زمینه رابطه‌ی بسیار خوبی با آموزش و پرورش داریم. یکی دیگر از اولویت‌ها و محورهای برنامه‌ی توسعه‌ی ما، توسعه‌ی نقد کتاب با بهره‌گیری از شبکه‌ی نخبگانی است این‌که در بدنه‌ی دانشگاه، این احساس مسئولیت تقویت شود تا به منابعی که در جهان تولید می‌شود، چشم و گوش بسته نگاه نکنیم، بلکه نگاه انتقادی داشته باشیم. یعنی هم در مرزهای دانش حرکت کنیم و هم نگاه انتقادی داشته باشیم، نه تخریبی. بازآفرینی میراث‌های هویتی و فرهنگی ایران یکی دیگر از سیاست‌های ماست که در حال حاضر پژوهشکده‌های غیرکاربردی‌تر ما در این زمینه کار می‌کنند. به‌همین منظور برای اولین بار طرح جامع اعتلای علوم انسانی که بیشترین هدفش بازآفرینی میراث‌های فکری، فرهنگی و تمدنی ماست، طراحی شد.



رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فرهنگت و گویا ایران

نگاه ما یک نگاه بومی است

۱۵ خرداد، هیئت مدیره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با حضور اعضای هیئت مدیره و هیئت مدیره، جلسه‌ی هیئت مدیره برگزار کرد. در این جلسه، رئیس هیئت مدیره، دکتر علی‌اکبر صالحی، گزارشی از عملکرد هیئت مدیره در سال گذشته ارائه داد. در ادامه، اعضای هیئت مدیره با تصویب گزارش عملکرد هیئت مدیره و تصویب گزارش عملکرد هیئت مدیره در سال گذشته، به رئیس هیئت مدیره رأی اعتماد دادند. همچنین، اعضای هیئت مدیره با تصویب گزارش عملکرد هیئت مدیره در سال گذشته، به رئیس هیئت مدیره رأی اعتماد دادند.



برگزیده شدن عضو هیأت علمی پژوهشگاه در جشنواره بین‌المللی فارابی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مفتخر است اعلام کند که یکی دیگر از اعضای هیأت علمی این پژوهشگاه موفق به دریافت جایزه جشنواره بین‌المللی فارابی شد.

دکتر سید محمدعلی طباطبائی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی، با ارائه رساله‌ی دکتری با عنوان «بررسی زمینه‌های تاریخی اعتقاد به تحریف تورات و انجیل در میان مسلمانان نخستین» به عنوان برگزیده‌ی دوم سطح بزرگسال در یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه‌ی تحقیقات علوم انسانی و اسلامی معرفی و مورد تقدیر قرار گرفت.

مراسم تقدیر از ۳۵ برگزیده‌ی داخلی و بین‌المللی این جشنواره با حضور دکتر سورنا ستاری (معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور)؛ دکتر منصور غلامی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری)؛ دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی)؛ دکتر حسین میرزائی (رئیس دبیرخانه‌ی یازدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی)، روز دوشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۹۹، به صورت حضوری و مجازی برگزار شد. در این مراسم که از نویسندگان و صاحبان آثار برگزیده‌ی داخلی و شخصیت‌های برگزیده‌ی خارجی در حوزه‌ی ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی و نیز پیشکسوتان علوم انسانی ایران تقدیر به عمل آمد، دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه، نیز حضور داشتند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن عرض تبریک به دکتر سیدمحمدعلی طباطبائی، سلامتی و موفقیت روزافزون ایشان را از خداوند متعال مسئلت دارد.



دهمین جلسه از دوره‌ی هفتم هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه برگزار شد

دهمین جلسه از دوره‌ی هفتم هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به ریاست دکتر حسینعلی قبادی، در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۵/۰۶ با مشارکت حداکثری اعضای هیأت ممیزه به صورت حضوری و مجازی در سالن اندیشه‌ی پژوهشگاه تشکیل شد.

افرادی که به صورت حضوری در این جلسه مشارکت داشتند عبارت بودند از: دکتر حسینعلی قبادی، دکتر علیرضا ملائی توانی، دکتر محمدسعید تسلیمی، دکتر حمید تنکابنی، دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده، دکتر علی اصغر مصلح، دکتر نعمت‌الله فاضلی، دکتر زهرا پارساپور، دکتر حکیمه دبیران، دکتر ناهید مؤیدحکمت، دکتر عبدالحسین فرزاد، دکتر قدیر نصری و دکتر شهرام یوسفی‌فر. و افرادی هم که به صورت مجازی در جلسه مشارکت داشتند عبارت بودند از: دکتر عبدالحسین خسروپناه، دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد، دکتر سیدمصطفی عاصی، دکتر یحیی مدرس‌تهرانی، دکتر حسین میرزایی و دکتر آریتا افراشی.

از جمله مصوبات این جلسه عبارت بود از: تصویب یک پرونده‌ی ارتقاء از استادیاری به دانشیاری و موافقت با صدور دو گواهی معافیت از کبر سن استخدام. همچنین اعضای حاضر در جلسه با درخواست، احتساب سنوات دوره‌ی پیمانی بیش از ۵ پایه، ۲ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و نیز ارائه‌ی یک پایه‌ی تشویقی به یکی از استادان پژوهشگاه که پیش از این در کمیته‌ی ترفیع مورد تصویب قرار گرفته بود، موافقت کردند.



نشست مشترک پژوهشگاه و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران برگزار شد

نشست مشترک پژوهشگاه و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۹ برگزار شد. دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بازدید از «مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران» و ملاقات با رئیس این مرکز، دکتر محمدحسین بوجانی، به معرفی پژوهشگاه، ظرفیت‌ها و توان علمی این نهاد پژوهشی در حل معضلات جامعه‌ی شهری و کلان‌شهر تهران پرداخت. دکتر مظفری معاون امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرکز، ضمن استقبال از برگزاری این نشست، همکاری مشترک دو مجموعه را سبب هم‌افزایی فعالیت‌های شهرداری تهران دانست. در ادامه دکتر آرام به معرفی تفصیلی این مرکز پرداخت. دکتر قریشی اولویت‌های پژوهشی مرکز را اعلام کرد.

در این نشست که به همت مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی ترتیب داده شده بود، دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی و فرهنگی پژوهشگاه با معرفی کتابخانه‌ی استاد مینوی، ظرفیت‌ها و امکانات فرهنگی این مجموعه و زمینه‌های همکاری با مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران را مورد اشاره قرار داد. دکتر مهربانی تاریخچه، کارنامه‌ی علمی اعضای هیأت علمی، عملکرد پژوهشگاه در کاربردی‌سازی و نگاه مسأله‌مند در پژوهش، آموزش‌های آزاد و انتشارات پژوهشگاه را معرفی کرد و در ادامه، دکتر الهام ابراهیمی، مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی، سابقه‌ی فعالیت مشترک پژوهشگاه با مرکز، ظرفیت‌ها و زمینه‌های تخصصی اعضا و سابقه‌ی طرح‌های کاربردی در پژوهشگاه را تشریح کرد.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، متولی اصلی فرایندهای مطالعاتی شهرداری تهران اعم از تفکر، پژوهش، مطالعه، نوآوری و یافتن راه‌کارهای نوین و اقدامات مناسب برای انجام مأموریت‌ها و وظایف شهرداری تهران و نظارت، ارزیابی و به‌روزرسانی طرح جامع شهر تهران است. دکتر بوجانی ضمن استقبال از همکاری با پژوهشگاه، کمک به مسأله‌یابی، فراخوان‌های این مرکز و جشنواره‌ی پژوهش و نوآوری را از جمله بهترین عرصه‌های مشارکت پژوهشگاه برشمرد.

در پایان این جلسه، دکتر مظفری به نمایندگی از مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و دکتر ابراهیمی به نمایندگی از پژوهشگاه جهت هماهنگی و تنظیم تفاهم‌نامه معرفی شدند.



اثربخشی علم در گفت‌وگو با اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

در رابطه با موضوع: «اثربخشی علم» و طرح سوال در این خصوص، دکتر نعمت‌الله فاضلی و دکتر آیت‌الله میرزایی سوالات و پاسخ‌های خود را به شرح زیر تنظیم و ارسال کرده‌اند که از نظر تان می‌گذرد:

در پاسخ به پرسش‌های زیر:

۱. دانشگاه‌ها چه کمکی به بهبود شرایط زندگی مردم دارند؟
۲. چگونه می‌توان اثربخشی دانشگاه‌ها را در کشور ارزیابی کرد؟
۳. تأثیر دانشگاه‌ها در بهبود فرهنگ عمومی کشور چه بوده است؟
۴. اثر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها در تولید ناخالص ملی چگونه قابل ارزیابی است؟

یافت. اما نتایج این بحث‌ها هیچ‌گاه رضایت‌بخش نبود زیرا هر سال جامعه‌ی ایران با درگیر شدن در تغییرات تازه و ساختاری با چالش‌های تازه‌ای مواجه می‌شود و ضرورت مداخله‌ی دانش و دانشگاه در جامعه افزوده می‌شود. در سال‌های اخیر به‌ویژه در دهه‌ی اخیر مجدداً بحث دانشگاه و جامعه در کانون توجه قرار گرفت. این بار این بحث پیامدهای گسترده‌ای داشته است. از یک سو سیاست‌گذاری و نهادسازی برای گسترش پیوند دانشگاه و جامعه انجام شد؛ و از سوی دیگر گفتمان دانشگاه و جامعه به تولید انبوه گفتار و خلق دانش در این زمینه منجر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی طی سال‌های اخیر اقدامات مهمی برای گسترش پیوند این دانش‌ها با جامعه انجام داده است. این اقدامات شامل:

- ایجاد معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی
- برگزاری جشنواره‌ی انتخاب پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های کاربردی
- اولویت دادن به طرح‌های پژوهشی کاربردی در زمینه‌ی فعالیت‌های موظف اعضای هیأت علمی این پژوهشگاه
- گسترش فعالیت‌های مشاوره‌ای و خدماتی برای سازمان‌ها و نهادهای مدنی و شهروندان
- گسترش آموزش‌های کاربردی از طریق برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها و سخنرانی‌ها
- گسترش عرضه‌ی فعالیت‌ها و دستاوردهای پژوهشی پژوهشگاه از طریق فضاهاى مجازى
- گسترش فعالیت‌های شبکه‌ای و شبکه‌سازی نهادی



دکتر نعمت‌الله فاضلی
استاد پژوهشگاه و مدیر گروه مطالعات توسعه
پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی

این پرسش‌ها را می‌توان ذیل گفتمان دانشگاه و جامعه توضیح داد:

پرسش رابطه‌ی دانشگاه و جامعه‌ی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری نهاد دانشگاه مدرن در ایران یعنی از سال ۱۳۱۳ و تأسیس دانشگاه تهران از بحث‌های مهم جامعه‌ی ایران بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی این بحث ابعاد تازه و گسترده‌تری گسترش





دکتر سید آیت‌الله میرزایی
دانشیار گروه جامعه‌شناسی تاریخی
پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی

در تلاش برای یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های بالا چند نکته را یادآوری می‌کنم؛ نخست، این‌که این پرسش‌ها بسیار کلی و از حیث روش‌شناختی به‌درستی و با دقت طرح نشده‌اند. به‌ویژه پرسش اول و سوم. پرسش دوم و چهارم پاسخ‌ها و شاخص‌های استاندارد و معینی دارد و نیاز به تکرار نیست. فقط باید ساختار دانشگاه‌ها (نظام قواعد و توزیع منابعشان) را استاندارد و شفاف کرد آنگاه فرایند ارزیابی بخشی از خود فرایند علم خواهد بود و همواره در دسترس است. دوم، همه یا بیشتر این پرسش‌ها از زمان تأسیس دانشگاه در ایران به صورت موردی و غیرسازمان‌یافته طرح، و تلاش شده است که بر اساس آنها تصمیم‌گیری و اقدام شود. در واقع تأسیس دانشگاه‌ها یکی از بخش‌های اصلی و عقلانی فرایند مدرنیته در ایران بوده است. تا نیروی نونگر لازم را برای رساندن جامعه‌ی ایران به دنیای مدرن فراهم سازد. اگر چه این موضوع تاکنون توفیق اندکی داشته است. اما جامعه‌ی کنونی ایران به شدت از این نهادهای مدرن یعنی دانشگاه‌ها تأثیر گرفته‌اند. البته شرایط کنونی دانشگاه‌های ایران و کاستی استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و ضعف اجتماع علمی موضوع دیگری است. به‌ویژه این‌که

• گسترش بحث‌های نظری و تولید دانش در زمینه‌ی گفتمان دانشگاه و جامعه
• انتشار کتاب‌ها و مقالات این حوزه
• ترویج مؤثر و گسترده‌ی ایده و فرهنگ پژوهش مسئله‌محور در سطح پژوهشگاه
• تشویق و حمایت از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه در زمینه بحث‌های کاربردی و ترغیب آنها به مشارکت در حوزه‌ی عمومی
• تلاش سازمان‌یافته برای مواجهه جدی و مؤثر پژوهشگاه و اعضای هیأت علمی در زمینه‌ی بحران‌ها و چالش‌های کنونی جامعه مانند بحران کرونا، بحران زیست محیطی، و بحران‌های اقتصادی
برای ارزیابی این‌که دانشگاه (علوم انسانی و اجتماعی) چه کمکی به بهبود شرایط زندگی مردم کرده است؟ می‌توان به کتاب «درآمدی بر کاربردی‌سازی علوم انسانی در ایران» که مجموعه مقالات در همین زمینه است و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۹۷) منتشر کرده است، مراجعه کرد. مقاله‌ی اول آن شرحی از «کارکردهای علوم انسانی و اجتماعی» (فاضلی) ارائه شده است. همچنین در مجله‌ی «اعتلای علوم انسانی» این بحث در تمام شماره‌های آن به نحو دقیق ارزیابی و تحلیل شده است. به‌طور مشخص پیش‌شماره‌ی دوم و سوم ویژه‌ی «جامعه و علوم انسانی» شرح دقیقی از این موضوع را ارائه می‌کند. در صورتی‌که نیاز به تلخیص و بازنویسی این بحث‌ها باشد باید این مقالات را در اختیار محقق قرار داد تا چکیده‌ی بحث‌ها را متناسب با نیاز مطالعه و ارائه کند.
همچنین سایت بردار در سال‌های اخیر ایجاد شده و کار آن ارزیابی و تحلیل جنبه‌های گوناگون کاربرد علوم انسانی و اجتماعی است. این سایت تاکنون هزاران مقاله، گزارش و گفت‌وگو در این زمینه منتشر کرده و برخط و دسترس است. واقعاً هیچ موضوعی نیست که اکنون در این زمینه در این سایت بحث نشده باشد. (<http://bordar-ensani.ir/>)
category) در صورتی‌که وزارت علوم خواهان رسیدن به راهبردهای دقیق برای پرسش‌هایش در این زمینه باشد، می‌تواند به این سایت مراجعه کند. علاوه بر این بحث پیوند دانشگاه و جامعه ذیل مفاهیم دانشگاه کارآفرین و دانشگاه اجتماعی نیز بحث شده است. در این زمینه نیز مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های متعدد وجود دارد. می‌توان با مراجعه به این منابع ایده‌های درخشان و کاربردی را به‌دست آورد.



با مسئله‌ی سیستماتیک «فرار مغزها» یا فرایند مهاجرت نخبگان ایرانی، تأثیر دانشگاه‌های ایرانی دست‌کم از جنبه‌های مثبت بر اقتصاد جهانی یا اقتصاد کشورهای پذیرای ایرانیان مهاجر بوده‌اند بیشتر قابل توجه است. این موضوع به‌طور خاص در چند دهه‌ی اخیر تأثیر خود را بر توسعه‌نیافتگی جامعه‌ی ایران برجای گذاشته و پیش‌بینی آینده را دشوار کرده است. ایران بخش عمده‌ای از بهترین نیروهای متخصص و دارای انگیزه‌ی خود را که با صرف هزینه‌های بسیار آموزش داده است به رایگان و حتی در مواردی همراه با خروج سرمایه‌ی مادی در اختیار کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌دهد. این فرایند از نظر مهاجران اگرچه دردناک است اما عقلانی تلقی می‌شود.

سوم، یافتن تأثیرات دانشگاه‌ها بر زندگی ایرانیان و جامعه‌ی ایران مستلزم مرور گسترده‌ی تاریخ آموزش عالی در ایران و جستجوی تأثیرات آن در سطوح خرد، میانه و کلان است. اما نتایج پژوهش‌های نظام‌یافته و روش‌مند دانشمندان علوم انسانی حکایت از نقش حیاتی و پر اهمیت دانشگاه‌ها در برآمدن دنیای مدرن دارد. در عدم تطابق معارف سنتی با جهان مدرن، دانشگاه‌ها شیوه‌ی شناخت مدرن واقعیت را آموزش دادند و ترویج کردند و دستاوردهای نوینی را برای زیستن در دنیای مدرن پیش روی مردمان نهادند. دانشگاه‌ها با همه‌ی مسائل و مشکلاتی که در جامعه‌ی ما دارند آن‌قدر اعتبار داشتند و دارند که اذهان سنتی نیز علی‌الظاهر و به هر طریقی مایل‌اند از آن اعتبار برخوردار شوند. جذابیت دانشگاه‌ها برای سیاسیون، نظامیان و روحانیون بخشی از همین فرایند اعتباریابی است که البته آثار خود را نیز برجای گذاشته است. هرچند برای این افراد اعتباری به همراه آورده اما از اعتبار دانشگاه‌ها کاسته و اثربخشی دانشگاه‌ها را بر فرایندهای تصمیم‌گیری کاهش داده است. این بیشترین آسیبی است که بر دانشگاه‌های ایران وارد شده است. کسانی بدون طی کردن فرایند جامعه‌پذیری علمی از اعتبار دانشگاه برای رفتن و ماندن در قدرت و کسب ثروت استفاده می‌کنند. از آن‌سو بهترین نیروهای تحصیل‌کرده‌ی ایرانی از بهترین دانشگاه‌های ایران به کشورهای توسعه‌یافته پناه می‌برند.

به گمانم در شرایط کنونی دانشگاه‌ها و اجتماعات علمی در مرحله‌ی نخست باید خودشان را دریابند و اعتبارشان را حفظ کنند. دانشگاه‌ها در ایران برای مشارکت در فرایند توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار ایران در گام نخست بایستی تمرکزشان را بر ابعاد حرفه‌ای و اخلاقی علم متمرکز کنند. با الهام از تقسیم‌بندی «مایکل بوروی» علم و نهادها و اجتماعات علمی (دانشگاه‌ها)

به‌طور خاص بر دو بعد حرفه‌گرایی ناب و انتقادی شان تأکید ورزند و مانع دست‌اندازی‌ها به حریم (هنجارها و استانداردها) علم شوند. حرفه‌گرایی ناب فعالیت‌ی اساسی در هر رشته‌ی دانشگاهی و غالباً جریان اصلی تولید دانش حرفه‌ای است. هرگونه انحراف در این فعالیت به تهی شدن و بی‌اعتباری آن رشته دانشگاهی منجر می‌شود، از این‌رو وظیفه‌ی کنش‌گران حرفه‌ای و وفادار و آموخته‌ی آن رشته است که هنجارها و استانداردهای علم‌ورزی را به صورت مقالات و کتاب‌ها، زمینه‌سازی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و کاربردهای حرفه‌ای و تخصصی را فراهم کنند. در درون رشته و اجتماع علمی حرفه‌گرایی انتقادی کنش‌گران هر علم خاصی زمینه‌ی ارزیابی صحت و سقم مفاهیم، فرضیه‌های هنجاری و توصیفی و کردارهای حرفه‌ای را همواره مورد بررسی قرار می‌دهد. در این بعد (حرفه‌گرایی انتقادی) دو سؤال بسیار مهم مطرح می‌شود: چرا؟ و برای چه کسی؟ به عبارت دیگر این سؤال وجود دارد که حرفه‌ای‌ها به چه دلیل و برای چه کسانی حرفه‌ی خود را در پیش گرفته‌اند.

با تقویت دو حرفه‌گرایی ناب و انتقادی است که اجتماعات و نهادهای علمی (دانشگاه‌ها) علاوه بر رعایت استانداردهای علمی و پویایی درون‌رشته‌ای امکان تأثیرگذاری بیرونی نیز می‌یابند. این تأثیرات آنها نیز دست‌کم دو نوع است یا در قالب سیاست‌گذاری به جامعه یاری می‌رساند یا در قالب هم‌زیستی مستقیم و بلاواسطه با جامعه و حوزه‌ی عمومی. هدف حرفه‌گرایی سیاستی مشارکت در تولید کالایی و یا تولید اطلاعات از طریق کار در بازار (عمدتاً بخش خصوصی) و یا انجام پژوهش و مشاوره‌ی سیاستی با هدف بهبود بخشیدن به کیفیت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی (عمدتاً در بخش عمومی) است. البته بدون فراموش کردن رسالت دانش و در توجه به حفظ استقلال نهاد علم. اما حرفه‌گرایی حوزه‌ی عمومی در تعامل و تبادل با گروه‌های مختلف مردم همچون «ذهن جامعه» و مانند یک دماسنج برای شناخت نوسان‌های اجتماعی عمل می‌کند. از این بعد است که جامعه در تعامل مستقیم با جامعه و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و دستاوردهای علمی را در خدمت جامعه به‌کار می‌گیرد.



همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب بن محیی»

نخستین همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب بن محیی» روز ۲۴ شهریور ماه ۱۳۹۹، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز به کار کرد.



این همایش سه روزه به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همکاری و حمایت برخی مؤسسات آموزشی و پژوهشی به صورت مجازی برگزار شد. مراسم افتتاحیه‌ی این همایش با سخنان دکتر مهدی بنایی، دبیر علمی همایش همراه با گزارشی از روند شناسایی شخصیت ناشناخته عبدالله قطب در مسیر برگزاری این همایش آغاز شد. دکتر مهدی بنایی در بخش نخست سخنان‌شان گفت: در مقام گزارش از فرایند تکوین اندیشه‌ی برگزاری همایش قطب تا تحقق آن، به کوتاهی به دو وجه این همایش توجه می‌کنیم: وجه خلوت و وجه جلوت؛ یا به عبارتی، منطقه‌ی آشکار و ناحیه‌ی پنهان آن. از این دو آن چه مهم‌تر است همان ناحیه‌ی پنهان و وجه خلوت همایش است و اساساً در این اقلیم است که جان و جوهر یک همایش شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد. آنچه به اجمال از این ناحیه می‌توان به زبان آورد و با آن راهی به تأمل در جوهر همایش گشود آن است که پس از گذر سالیان، گویی لطف خدا بر آن تعلق گرفته که بنده‌ای از بندگان گمنام او از حجاب فراموشی تاریخی بیرون آید و محل تذکر و توجه اهالی اندیشه و آمادگان ذکر قرار گیرد. از این‌رو در مسیر آنچه اکنون با این همایش در حال تحقق است، مخالفت مخالفان مانعی جدی ایجاد نخواهد کرد و همراهی همراهان از سر منت نهادن و همراه با ادعا نمی‌تواند و نخواهد بود.

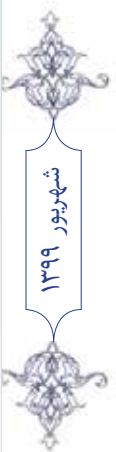
دکتر بنایی در ادامه و با تأکید بر اهمیت توجه به مقام قطب به منظور تذکر به آنچه که قطب خود به آن مبتلاست، افزود: نکته‌ی مهم آن است که مورد توجه قرار گرفتن و به محل تأمل درآمدن قطب، دو امر مهم مربوط و منسوب به او را نیز از غبار فراموشی و بی‌توجهی دیرپای تاریخی بیرون خواهد آورد، و آن دو عبارت است از:

۱- مکاتیب

۲- شهر قطب آباد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در باب پیوند مکاتیب و شهر قطب‌آباد با قطب، گفت: این دو همواره با نام قطب سرنوشت واحدی دارند و با فراموشی و یاد این نام، فراموش می‌شوند و به یاد می‌آیند. امید که همایش قدس آغاز دوران یاد این نام باشد و شروع تازه‌ای برای توجه و عنایت جدی به مکاتیب فراموش شده‌ی قطب و شهر غریب قطب‌آباد.

دکتر بنایی در بخش پایانی سخنرانی خود به وجه ظاهری همایش قطب پرداخت و گفت: در وجه جلوت این همایش، سخن زیاد است و بیان سختی‌های مسیر و فراز و نشیب‌های آن طولانی. پنهان نیست که



برگزاری همایش ملی کاری بس دشوار است و سترگ. حال به این دشواری گمنامی نام محور همایش را نیز اضافه بفرمایید. همایش حافظ و سعدی، معروف همگان است و در مسیر همراهی و مشارکت خیل آشنایان. اما قطب را حتی بسیاری از استادان و متخصصان نمی‌شناسند. این دشواری، کار ما را به درازا کشاند و بر ثقل و سنگینی این گام اول افزود؛ اما حاصل این گام خجسته بود و برای آینده امیدبخش. در این گام توفیق همراهی و همدلی استادانی را یافتیم که قطعاً مسیر توجه به قطب و مکاتیب و شهر منسوب به او را بیش از پیش هموار خواهد کرد.



بعد از گزارش دبیر علمی همایش. دکتر قبادی در ابتدای سخنان خود پس از گرامی‌داشت یاد شهدای کربلا و سالار شهیدان، ابا عبدالله الحسین (ع)، به تلاش و توقیق پژوهشگاه در بزرگ‌داشت میراث‌های معنوی اسلامی و ایرانی اشاره کرد و گفت: برگزاری این همایش و فعالیت‌های مشابه آن در پژوهشگاه، کوششی جهت فراهم آوردن بستری درخور برای انتقال میراث گنجینه‌های ایران اسلامی به نسل‌های امروز و آینده است. وی ضمن قدردانی از رئیس پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی و علم‌پژوهی، دبیر علمی همایش، کمیته‌ی علمی و استادان بزرگواری که با قلم خود بر غنای علمی همایش افزودند، از تمام تلاش‌های علمی و اجرایی در مجموعه‌ی پژوهشگاه و خارج از آن قدردانی کرد.

دکتر قبادی در ادامه‌ی سخنان خود، نقل قولی از استاد همایی ذکر کرد و گفت: بدین مضمون که یک تاریخ و تمدن کهن، اگر قادر نباشد میراث‌آفرینان و بزرگان خود را بشناسد و به زبان روز آنها را معرفی کند، همانند پیرمردی خواهد بود که کودک مانده و عقلش به کمال نرسیده است. با همین نگرش، بزرگداشت طلابه‌داران معنوی ایران اسلامی یک راهبرد بلند مدت در پژوهشگاه است. چنان‌چه در برنامه‌ی توسعه‌ی پژوهشگاه که مطابق با اسناد بالادستی تنظیم شده است، بر معرفی میراث‌ها و تقویت جنبه‌های ملی و دینی هویت ایرانی تأکید شده است. این کار بزرگ و سترگ، با اراده و همت والا و دانش وافی و انگیزه کافی میسر است. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه افزود: با مرور تاریخ معرفت در ایران بزرگ، به‌ویژه دوران اسلامی شاهد آن خواهیم بود که ادبیات و مجموعه‌ی معارف ما، خدمت ویژه‌ای در شکوفایی فرهنگ اسلامی و گسترش آن در پهنه‌ی بزرگ جغرافیایی از فرارودان، آسیای دور، آناتولی و آسیای صغیر و حتی در منطقه بالکان داشته است. حتی در بعضی مناطق بالکان پیش از ورود رسمی دین اسلام، ادبیات فارسی و معرفت اشراقی زمینه‌ساز گسترش و پذیرش بیشتر مردم نسبت به دین اسلام بوده است. از طرف دیگر در منطقه‌ی قفقاز نیز مایه‌ی قوام و اثربخشی معارف، نگاه زیبایی‌شناسانه، نگاه ادبی و خلق آثار ادبی بوده است. با این توجه، می‌توان به ارزش عارفی چون قطب نیز بیشتر پی برد که هم‌زمان با پیدایش آثار حوزه‌ی معرفت دینی، از یک‌سو به خلق آثار ادبی پرداخته است و از سوی دیگر نگاه زیبایی‌شناسانه به دین و معارف دینی دارد. استاد قزوینی نیز در معرفی قطب به سلاست متن و روانی نوشتار و وافی بودن به مقصود در نوشته‌های او اشاره می‌کند. دکتر قبادی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد زیامدار به دین و زیبا دیدن شریعت کار عارفان ما بوده است و آثار ادبی، عرفانی ما در حقیقت عصاره‌ی این نگاه است. این آثار برای ما میراثی ارزنده است. اگر اراده‌ی ما بر این باشد که میان این



میراث ارزشمند و نسل‌های آینده گسست ایجاد نشود و اگر در صدد پیوند میان مفاخر و موارث فرهنگی و سرمایه‌های فرهنگی والای گذشته خود با آیندگان باشیم، باید به این نگاه زیبایی‌شناسانه بیشتر توجه کنیم. شاید بتوان گفت، «عرفان» زیبا دیدن دین و شریعت است، لذا عرفانی بیشتر ماندگار شده است و خواهد شد که دین را با زبان زیبا و توجه به مخاطب بیان کند. دکتر قبادی در پایان سخنان خود بار دیگر تلاش پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی و علم‌پژوهی را ستودند و ابراز امیدواری کردند این راه تداوم پیدا کند.



در ادامه، سخنان دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مورد اهمیت فرهنگی قطب با عنوان «درس وحدت از قطب محیی و فیض کاشانی» به سمع مخاطبان رسید. وی در موضوع تقریب مذاهب و اینکه نامه‌های قطب که تحت عنوان مکاتیب شناخته می‌شود نشان دهنده‌ی انس الفت این عارف با سیره‌ی ائمه معصومین (ع) است، سخنان خود را ادامه داد و اشاره کرد که چگونه در عصر صفوی به‌رغم فضای مخصوص آن دوره، مکاتیب قطب توسط علمای شیعه مورد توجه قرار گرفته و اولین درس وحدت شیعه و سنی را از این تبادل فکری می‌توان گرفت و امروزه برای عالمان شیعه و سنی و پیروان این دو مذهب درس‌آموز و عبرت‌انگیز است.



دکتر دانشگر، عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مصحح کتاب مکاتیب قطب و از محققان برجسته‌ی حوزه‌ی ادبیات عرفانی، سخنان دیگر همایش بود. وی بحثی تخصصی در مورد برخی نامه‌های نویافته از قطب ارائه کرد و تحقیقی مستقل در مورد اصالت و انتساب نامه‌ها به قطب انجام داده بود، دست نوشته‌هایی که نوری جدید بر زندگی کمتر شناخته شده قطب می‌اندازد.

وی در ادامه تأکید کرد: برای شناخت آرا و احوال قطب محیی لازم است نخست تمامی نسخ خطی مکاتیب به نحو فنی و محققانه بازخوانی شود و سپس مجموعه‌ای انتقادی و علمی از این نسخ فراهم شود تا مرجعی باشد برای محققانی که به تحقیق درباره‌ی آرا و احوال این عارف زاهد می‌پردازند.

در انتهای مراسم روز نخست این همایش ملی نیز، دکتر امیر صادقی، دبیر اجرایی همایش گزارشی از نحوه‌ی همکاری مؤسسات آموزشی پژوهشی با همایش ارائه و از استادان خبره‌ای که در برگزاری همایش همراه شورای علمی و دست‌اندرکاران بودند، تشکر و قدردانی کرد.



نشست مشترک مجازی پژوهشگاه علوم انسانی و پایگاه ISC برگزار شد

روز سه شنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۹۹ نشست مشترکی پیرامون بررسی همکاری‌های مشترک و انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری میان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، در سطح هیأت رئیسه‌ی دو طرف به صورت ویدئوکنفرانس برگزار شد.

دکتر محمدجواد دهقانی، ریاست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، دکتر حقیقت، معاون پژوهش و فناوری ISC، دکتر هاجر صفاهیه، سرپرست معاونت پژوهش و فناوری مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری و دکتر محمدرضا فلاحتی قدیمی فومنی، مدیر اداره‌ی روابط عمومی و همکاری‌های علمی بین‌المللی پایگاه از سوی پایگاه و دکتر قبادی، دکتر ملایی توانی، دکتر پارساپور، دکتر ابراهیمی و دکتر حسینی از پژوهشگاه در این نشست حضور داشتند. در ابتدا دکتر دهقانی رئیس پایگاه، ضمن تشکر و قدردانی از مسئولین پژوهشگاه برای حضور در این نشست، به معرفی تاریخچه‌ی تأسیس این پایگاه پرداخت. وی اظهار داشت: تأسیس پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در چهارمین نشست آموزش عالی و تحقیقات علمی کشورهای اسلامی در اکتبر ۲۰۰۸ در باکو پایتخت آذربایجان به تأیید رسید و بر این اساس دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشورهای اسلامی موظف به همکاری با این پایگاه هستند. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام به‌عنوان یک مرکز معتبر بین‌المللی، برای پشتیبانی از سیاست‌گذاری‌های کلان پژوهشی و آموزشی کشورهای اسلامی از طریق تهیه، پردازش و روزآمدسازی اطلاعات پژوهشی با بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص، متعهد و کارآمد و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته و منطبق با استانداردهای جهانی برای سنجش فعالیت‌های علمی و پژوهشی کشورهای جهان اسلام برای کمک به ارتقاء سطح علمی این کشورها فعالیت می‌کند. این پایگاه، به‌عنوان اولین پایگاه استنادی در جهان اسلام، به نمایه‌سازی جامع نشریات علمی معتبر پرداخته و با گستره‌ای از ابزار علم‌سنجی، عملکرد علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، محققان و نشریات کشورهای اسلامی را رتبه‌بندی می‌کند. هر یک از این سامانه‌ها مأموریت ویژه‌ای را دنبال می‌کنند و ابزار قدرتمند و معتبر جستجو و تحلیل مدارک علمی محسوب می‌شوند.

در ادامه دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، شرح مختصری از تاریخچه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه داد و به برخی معضلات در حوزه‌ی علوم انسانی پرداخت و تأکید کرد: این حوزه با حوزه‌های فنی و مهندسی مقایسه می‌شود و شاخص‌های کمی به‌جای شاخص‌های کیفی منبای ارزیابی قرار می‌گیرد در صورتی که علوم انسانی و اجتماعی با تفاوت‌های بنیادینی که با رشته‌های فنی و مهندسی دارد حتماً باید با شاخص‌های مربوط به خود اندازه‌گیری شود. وی در این راستا پیشنهادی به مسئولان پایگاه ارائه داد که پژوهشگاه به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد علوم انسانی در آسیا و همین‌طور جامعیت اکثر رشته‌های علوم انسانی، می‌تواند در شاخص‌گذاری در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به پایگاه کمک کند.

دکتر قبادی سپس به این موضوع اشاره داشت که بسیاری از چهره‌های سرشناس در رشته‌های مختلف علوم انسانی از جمله ادبیات فارسی، بازنشسته شده یا در شرف بازنشستگی هستند و با وجود شناخته‌شدن در جهان هنوز با معیارهای رشته‌های غیرعلوم انسانی و اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرند، در حالی که پایگاه می‌تواند این استادان را که برخی از آنها تاکنون ریشه‌های کهن زبان فارسی و یا زبان‌های منسوخ شده‌ای را که به فراموشی سپرده شده، زنده نگاه داشته‌اند را به همه معرفی کند تا از این طریق بتوان این سرمایه‌های فرهنگی را فعال و زمینه‌ی تربیت شاگردان این استادان را فراهم ساخت.

همچنین دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی و فرهنگی، با اشاره به ظرفیت‌های پرتال جامع علوم انسانی اظهار امیدواری کرد که پژوهشگاه و پایگاه بتوانند از جامعیت این پرتال، در راستای هم‌افزایی دوجانبه استفاده کنند.

دکتر شکوه‌السادات حسینی، مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی پژوهشگاه، در ارتباط با نشست‌ها و فعالیت‌های مشترکی که پژوهشگاه در سطح بین‌المللی انجام داده است نظیر همکاری‌های مشترک ایران و هند و ایران و روسیه توضیحات جامعی ارائه داد.

در ادامه دکتر الهام ابراهیمی، مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی، آماری از طرح‌های پژوهشی تقاضامحور، کاربردی و کارفرمایی که توسط اعضای هیأت علمی پژوهشگاه انجام شده، ارائه داد و به ظرفیت‌های پژوهشگاه در ترویج پژوهش‌ها در قالب آموزش‌های آزاد اشاره و اظهار امیدواری کرد که این حوزه بتواند زمینه‌های همکاری با پایگاه را فراهم سازد. در پایان، هر دو طرف انعقاد تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی پژوهشی بین دو مجموعه را برای ارتقاء سطح کیفی پژوهش‌ها لازم دانستند و مقرر شد، تفاهم‌نامه‌ی همکاری بین دو مجموعه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های طرفین امضا شود.



مدرسه‌ی تابستانی «اخلاق در پژوهش»

برنامه‌ی نخستین روز از مدرسه‌ی تابستانی اخلاق در پژوهش، روز شنبه ۲۲ شهریورماه برگزار شد که دربرگیرنده‌ی دو نشست با سخنرانی دکتر مصطفی مهرآیین با موضوع «تحلیل سامانه‌ی شکل‌گیری آیین‌نامه‌ی ارتقاء و پیامدهای آن برای اخلاق پژوهش» و دکتر احمد پاکتچی با موضوع «چالش‌های اخلاق پژوهش در مواجهه با فناوریهای نوین» بود.



معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

درس گفتار

پنجمین دوره مدرسه تابستانی

اخلاق در پژوهش

برگزاری دوره به صورت آنلاین

<p>اخلاق نظری‌پردازی عملی دکتر محسن جوادی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی</p> 	<p>جایگاه اخلاق پژوهش در آموزش عالی دکتر غلامرضا غفاری معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری</p> 
<p>لحظه‌ها، رویدادها و تجربه‌های اخلاقی در فعالیت پژوهشی دکتر مقصود فراراستخو استاد مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی</p> 	<p>چالش‌های اخلاق پژوهش در مواجهه با فناوری‌های نوین دکتر احمد پاکتچی رئیس پژوهشکده دانش‌سازماندگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</p> 
<p>تحلیل سامانه شکل‌گیری آیین‌نامه ارتقاء و پیامدهای آن برای اخلاق پژوهش دکتر مصطفی مهرآیین استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</p> 	<p>در میانه اخلاق و مهارت: مرور شش تجربه دکتر قدیر نصری دانشیار دانشگاه خوارزمی و رئیس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خوارزمیه</p> 
<p>پیامدهای اخلاقی علوم سیاست زده دکتر آیت‌الله میرزایی استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی</p> 	<p>پروسی نقش آیین‌نامه‌های وزارت علوم در پاسداری از اخلاق پژوهش دکتر رضا اکبری استاد دانشگاه امام صادق (ع)</p> 
<p>فسرورت بازنگری در آیین‌نامه‌های آموزش عالی برای پاسداری از اخلاق پژوهش سیاوش شوهانی کارتشناس حوزه پژوهش</p> 	<p>اخلاق پژوهش اینترنتی دکتر علیرضا نقه اسلامی استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران</p> 

مدیر نشست‌ها: دکتر سلمان صادقی‌زاده (مدیر فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

شرکت در این دوره برای پژوهشگران، دانشجویان و برای تمامی متخصصان و علاقمندان علوم انسانی مفید است

تاریخ: ۲۵ تا ۲۷ شهریور ماه ۱۳۹۹

با ارائه گواهی‌نامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه

برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام: Mata.ihcs.ac.ir
سروش: sapp.ir/tamibci
کانال تلگرام مرکز: @ihcscoe
مشاوره: ۸۸۴۴۴۸۵

تهران - بزرگراه کردستان - نیش خیابان دکتر صادق آینه‌وند (۶۴ غربی)

شرکت برای عموم رایگان است

شهریور ۱۳۹۹



تحلیل سامانه‌ی شکل‌گیری آیین‌نامه‌ی ارتقاء و پیامدهای آن برای اخلاق پژوهش

در نشست نخست دکتر مصطفی مهرآیین، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به بررسی نظام‌های دانایی یا نظام‌های معرفتی علم پرداخت و با بیان اینکه ایستمه‌های گفتمانی چارچوبی خاص از اخلاق را به وجود می‌آورند به بررسی گفتمان‌های علمی در ایران پرداخت. او به‌طور خاص دوره‌ی پیش از انقلاب را دربرگیرنده چهار گفتمان علم به‌مثابه عامل تغییر، علم به‌مثابه ابزار خرافه‌زدایی، علم در پیوند با ارزش‌های شرقی و علم در پیوند با ارزش‌های اسلامی دانست.



وی در ادامه دوره‌ی پس از انقلاب را به دو بخش ایدئولوژیک و فن‌سالار تقسیم کرد و گفت: در دوره‌ی اخیر رویکرد غالب به علم در پیوند با کارآفرینی و ثروت‌آفرینی بوده است و این رویکرد موجب شده تا از توجه به علم به‌مثابه‌ی معرفتی بشری کاسته شود و نگاه ابزارگرایانه به علم گسترش یابد. سامانه‌ی دانش کنونی که با نگاهی کمی‌گرایانه علم را بیش از هر چیز در پیوند با ثروت‌آفرینی و کارآفرینی معنا می‌کند، پیامدهای اخلاقی مخربی دارد و به رقابت غیراخلاقی برخی از دانشجویان و اساتید برای مقاله‌سازی منجر شده است. در پایان دکتر مهرآیین تأکید کرد که آیین‌نامه‌های ارتقاء به‌مثابه‌ی جلوه‌ی مناسبی سامانه‌های دانش، باید از مصادیق به دور از اخلاق ناظر بر تولید علمی فاقد اصالت است، فاصله بگیرند.

چالش‌های اخلاق پژوهش در مواجهه با فن‌آوری‌های نوین

در ادامه دکتر احمد پاکتچی، رئیس پژوهشکده‌ی دانش‌نامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با موضوع «چالش‌های اخلاق پژوهش در مواجهه با فن‌آوری‌های نوین» به سخنرانی پرداخت. وی ضمن پرداختن به موضوع سرعت علمی یا انتقال، آن را یکی از مهمترین آسیب‌ها بر اخلاق علم دانست و گفت: فناوری‌های نوین، امکان‌های نوینی را برای انتقال و جعل به وجود آورده‌اند.

دکتر پاکتچی در بخشی از بحث خود به تمایز فاحش شیوه‌ی پژوهش در چند دهه‌ی گذشته با دوره‌ی اخیر پرداخت و با اشاره به دشوار بودن در اختیار داشتن منابع علمی در گذشته، بر سهولت دسترسی به منابع در دوره‌ی جدید تأکید کرد و گفت: یا وجود این، سهولت یادشده خالی از اشکال نیست، به‌ویژه آن‌که در بسیاری از موارد محققان به مراجعه به فضای مجازی بسنده می‌کنند و برای نمونه فایل اسکن شده منبعی معتبر را منبع مطالعه و تحقیق خود قرار می‌دهند، درحالی‌که فایل اسکن شده به تنهایی فاقد اعتبار لازم است. وی موارد متعددی از اسکن‌ها را ذکر کرد که در آنها بخشی از منبع اصلی مغفول‌گذارده شده است. بنابراین، محققان به منظور اصالت‌سنجی منابع لازم است تا اصل کتاب را مورد توجه قرار دهند. ایشان با تمایز گذاردن میان منابع born-digital و digitalized، تنها استثنای این امر را در مورد گزارش‌هایی دانست که از ابتدا در فضای مجازی تهیه می‌شوند؛ مانند گزارش ابلاغ قوانین جدید در تارنمای ریاست جمهوری و مواردی از این دست. دکتر پاکتچی همچنین نکاتی در رابطه با شیوه‌ی ارجاع‌دهی علمی طرح



کرد که رعایت آنها تضمین‌کننده‌ی اخلاق پژوهشی خواهد بود.

دومین روز از مدرسه‌ی تابستانی اخلاق در پژوهش روز یکشنبه ۲۳ شهریورماه برگزار شد که دربرگیرنده‌ی سه نشست با سخنرانی دکتر رضا اکبری با موضوع «بررسی نقش آیین‌نامه‌های وزارت علوم در پاسداری از اخلاق پژوهش»، سیاوش شوهانی با موضوع «ضرورت بازنگری در آیین‌نامه‌های آموزش عالی برای پاسداری از اخلاق پژوهش» و دکتر محسن جوادی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با «موضوع اخلاق نظرپردازی عملی» بود. در ادامه گزارشی از سه نشست یادشده ارائه می‌شود.

بررسی نقش آیین‌نامه‌های وزارت علوم در پاسداری از اخلاق پژوهش



دکتر رضا اکبری، استاد دانشگاه امام صادق (ع)، با پرداختن به آسیب‌های اخلاقی در پژوهش به مسئله‌ی تخلف‌های علمی اشاره کرد و گفت: تخلف در یک ساختار شکل می‌گیرد که این ساختار یا شخص را به سمت دزدی سوق می‌دهد یا نقش بازدارنده دارد.

وی ادامه داد: علاوه بر این، مشکلات ساختاری افراد نیز نقش مهمی در شکل‌گیری تخلفات دارند. داشتن روحیاتی مانند خودتنه‌پنداری، سوءاستفاده از قدرت و مسئولیت‌پذیر نبودن در تخلف کردن مؤثر است. اکبری با بیان این‌که باید به آیین‌نامه‌ها نگاه شبکه‌ای داشت، اظهار کرد: باید تمام آیین‌نامه‌ها از جمله آیین‌نامه‌ی جذب و ارتقاء اعضای هیأت‌علمی، تخلفات و انتشار آثار علمی را در کنار هم دید اما در عین حال نباید از ابعاد دیگر ساختاری غافل شد.

وی افزود: رشد کمی دانشگاه‌ها بدون توجه به جنبه‌های کیفی، دسترسی نداشتن برخی مناطق به امکانات علمی دانشگاه‌ها، آگاهی نداشتن دانشجویان به کارهایی که باید برای پایان‌نامه و مقالات انجام دهند، آشنا نبودن با اخلاق کاربردی، استفاده از پژوهش به عنوان منبع درآمد و تسامح غیراخلاقی از جمله موارد دیگر است که موجب بروز تخلف می‌شود. عضو هیأت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع) با اشاره به کمی بودن آیین‌نامه‌ی ارتقاء اساتید گفت: در آیین‌نامه یکی از بندها تعداد مقالات است. این موضوع باعث می‌شود فردی که توانمندی ندارد به سمت بهره‌کشی از دانشجو برود یا کارهای قبلی خود را با تغییرات جزئی منتشر کند. همچنین داشتن مقاله ISI افراد را به سمت مجلات تقلبی سوق می‌دهد.

اکبری با بیان اینکه استقبال از نظارت اجتماعی راهبرد دیگری برای جلوگیری از تخلف است، افزود: این موضوع باعث می‌شود افرادی که روحیه‌ی خودگرایانه دارند محدود شوند. در بسیاری از مواقع نظارت اجتماعی اثرگذاری بیشتری نسبت به آیین‌نامه‌ها و جریمه‌ها دارد. وی با مفید دانستن آیین‌نامه‌ها ادامه داد: این موضوع نشان می‌دهد سازمان نسبت به تخلف دغدغه دارد اما باید توجه کرد که در آیین‌نامه نمی‌توان تمام موارد اخلاق و تخلف در پژوهش را ذکر کرد. تخلف در هر رشته و هر روش تحقیق به یک شکل است. آیین‌نامه تنها موارد کلی را ذکر می‌کند که در فضای علمی کشور بیشتر صورت می‌گیرد. آیین‌نامه‌ها باید به دانشجویان و اساتید آموزش داده شوند. بسیاری از تخلفات از سر نداشتن اتفاق می‌افتند زیرا قوانین در حال تغییر است. وی با بیان اینکه در مقابله با تخلفات باید وحدت رویه وجود داشته باشد، ادامه داد: در حقوق در پرونده‌هایی که قانون مشخصی وجود ندارد، با رجوع به احکام پرونده‌های مشابه از آن‌ها استفاده کرده و حکم صادر می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود در تخلفات مشابه بی‌عدالتی صورت نگرفته و حکم‌ها همانند باشد. این موضوع باید در پرونده‌های علمی نیز لحاظ شود. وی با اشاره به الگوهای اخلاقی افزود: یک الگو الگوی غایت‌گرا یا پیامدگراست که می‌گوید اگر می‌خواهید اخلاقی بودن یک عمل را بررسی کنید پیامدهای آن را بسنجید. الگوی دیگر الگوی فضیلت‌گراست که طبق آن باید ویژگی‌های اخلاقی باید در فرد نهادینه شود. از آن‌جا که امکان دور زدن قانون و آیین‌نامه از سمت افراد وجود دارد، پیش از هرچیز نیازمند افراد فضیلت‌مند هستیم.

ضرورت بازنگری در آیین‌نامه‌های آموزش عالی به منظور پاسداری از اخلاق پژوهش

در نشست دوم، سیاوش شوهانی، کارشناس حوزه‌ی پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی، مبحث خود را با بیان پیشینه‌ی شکل‌گیری مجلات علمی - پژوهشی در کشور در دهه‌ی هفتاد آغاز کرد و با ارائه‌ی آمار از روند صعودی رشد این دست مجلات، پیامدهای آن را بررسی کرد. وی با اشاره به تورم آموزش عالی و با اشاره به نقدهای مرحوم دکتر قانع‌راد و دکتر رضا داوری اردکانی، به مسائلی چون افسون‌گرایی، فساد پژوهشی (سرقت علمی و خرید و فروش مقالات)، رشد مصنوعی علم، توهم توسعه‌ی علمی و نظایر آن و





عدم اثربخشی این مقالات در سطح سیاست‌گذاری عمومی و کاربردی و عدم استقبال اجتماع علمی از آنها پرداخت و دلیل انتشار و رشد این مقالات را در سازوکارهای آئین‌نامه ارتقاء مرتبه‌ی اعضای هیأت علمی و اکاوی کرد.

شوهانی در ادامه به پدیده‌ی مقالات مشترک استاد و دانشجو و نسبت آن با شبکه‌ای از آئین‌نامه‌های آموزش عالی از جمله آئین‌نامه‌ی ارتقاء، آئین‌نامه‌های آموزشی و قوانین نشریات علمی کشور پرداخت، وی تألیف مقالات مشترک را محصول چرخه‌ی بیمار سازوکارهای آموزشی دانشگاه‌ها یعنی «نیاز دانشجویان به مجوز لازم برای دفاع از رساله‌ی دکتری یا کسب نمره‌ی کامل پایان‌نامه کارشناسی ارشد و به دست آوردن رزومه‌ی پژوهشی مناسب برای آزمون مصاحبه‌ی دکتری و جذب هیأت علمی» از یک‌سو، آئین‌نامه‌های کمیسیون نشریات علمی کشور و قوانین

نوشته نشریات علمی - پژوهشی یعنی عدم انتشار مقالات انفرادی دانشجویان (کارشناسی ارشد و دکتری) در نشریات علمی - پژوهشی از دیگر سو و در نهایت سازوکارهای ارتقاء اعضای هیأت علمی یعنی «نیاز استادان به چاپ تعداد معینی از مقالات علمی - پژوهشی در هر سال برای کسب امتیازات لازم جهت ترفیع و ارتقاء و تبدیل وضعیت در نظام دانشگاهی و فرار از رکود علمی» از سوی دیگر دانست.

همچنین رشد مقالات علمی - پژوهشی بر اساس سازوکارهای مقالات مشترک استاد-دانشجویی را دارای پیامدهایی چون رسمیت بخشیدن به رانت نهادینه شده، کم‌مایگی در محتوای مقالات علمی، عدم تمحّض اساتید در حوزه‌های تخصصی، پدیده‌ی «زورگیری دانشگاهی» و «ارتقاء زودرس و استادی نارس» و بی‌اعتمادی به نظام دانشگاهی دانست که همگی آنها محصول درکی معطوف به تولید کمی از علم و نه دانشی معطوف به مسئله و احیانا حل آن بوده است. او در پایان ضمن تأکید بر ضرورت بازنگری در مسائل فنی آئین‌نامه‌ها از جمله تغییر در تفاوت مقاله‌ی مستقل اعضای هیأت علمی در آئین‌نامه‌ی ارتقاء و تفکیک منافع اعضای هیأت علمی با ضرورت‌های آئین‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، مهمترین عنصر برای اصلاح وضع موجود را تغییر دیدگاه در «ایده‌ی دانشگاه» خواند و بدین منظور تغییر ایده‌ی دانشگاه از نهادی برای تولید کارخانه‌ی مقاله برای رسیدن به جایگاه نخست منطقه بر اساس درکی کمی به اسناد بالادستی به نهادی برای پاسداری از نظام حقیقت و حل مسائل مبتلابه ایران ضروری دانست.

اخلاق نظرپردازی عملی



دکتر محسن جوادی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بحث خود را بر تولید دانش اخلاقی متمرکز کرد و گفت: هنگام تولید دانش اخلاقی یا دانش سیاسی باید بخش نظر آن محک زده شود و صحت و سقم آن بررسی شود. تصمیم اخلاقی باید مبتنی بر علم باشد و گرنه فرو می‌پاشد. در بحث اخلاق ایجاد تغییر از محورهای اساسی به شمار می‌رود و دانش‌ها براساس تغییر مثبت یا خیری که به بشر می‌رسانند رتبه‌بندی می‌شوند. دانش عملی موجب تغییر خود یا جامعه می‌شود و چرخه‌ی طبیعی زیست جهانی و اکوسیستم را برهم می‌زند. باید زنجیره‌ی رخداد و تأثیر دانش علم را تا جایی که می‌شود پیش‌بینی کرد مثل برنامه‌ریزی‌های بلندمدت جهت حفظ محیط زیست برای آیندگان.

دکتر جوادی در ادامه‌ی بحث خود با تفکیک میان حوزه‌ی خرد عملی و خرد نظری بیان کردند که خرد نظری به حوزه‌هایی مربوط می‌شود که در آنها انسانی نظاره‌گر طبیعت است و تنها می‌تواند آن را وصف کند اما در خرد

عملی انسان در مقام سازنده‌ی هستی ظاهر می‌شود. خرد نظری به ایستمه و سوفیا مربوط می‌شود و کاملاً انتزاعی است. در مقابل خرد عملی مشتمل بر دو بخش فرونیسیس و تخنه است. تخنه مربوط به تکنیک‌های عملی است اما فرونیسیس دقیقاً ناظر بر جوهره‌ی خرد عملی است. اخلاق نیز در دایره‌ی فرونیسیس قرار می‌گیرد. وی با توجه به مقوله‌ی اخلاق گفت: امر اخلاقی یکی از مهمترین بایسته‌های خرد علمی است و تخنه نمی‌تواند جای آن را پر کند. مثال این امر محیط زیست است؛ جایی که انسان تلاش می‌کند با استفاده از تکنیک‌ها جلوی گازهای گلخانه‌ای را بگیرد اما در نهایت همین تکنیک آسیب‌های دیگری به همراه دارد. در نتیجه تنها راه بازگشت به اساس خرد عملی یعنی اخلاق است.

سومین روز از مدرسه‌ی تابستانی اخلاق در پژوهش دوشنبه ۲۴ شهریورماه برگزار شد که دربرگیرنده‌ی سه نشست با سخنرانی دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی با موضوع «اخلاق پژوهش اینترنتی»، دکتر مقصود فراستخواه با موضوع «لحظه‌ها، رویدادها و تجربه‌های اخلاقی در فعالیت پژوهشی» و دکتر غلامرضا غفاری معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با موضوع «جایگاه اخلاق پژوهش در آموزش عالی» بود. همچنین دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پیش از ارائه‌ی سخنان دکتر غفاری ضمن خیرمقدم به ایشان مطالبی را پیرامون ضرورت بسترسازی به منظور تمهید اخلاق در پژوهش بیان کرد. در ادامه گزارشی از نشست‌ها ارائه می‌شود.

اخلاق پژوهش اینترنتی



دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی، استادیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ارائه‌ی خود را با تعریف مفاهیم بنیادین آغاز کرد. وی پژوهش اینترنتی یا پژوهش در فضای مجازی را عبارت دانست از پژوهش‌ها و فرآیندهای پژوهشی که در آن از اینترنت و فضای مجازی به عنوان ابزار یا محیط پژوهش برای گردآوری داده‌ها، مجموعه‌ی داده‌ها، پایگاه داده‌ها یا دیگر منابع آنلاین به‌منظور انجام فعالیت‌های پژوهشی استفاده می‌شود. ثقه‌الاسلامی اخلاق پژوهش اینترنتی را به معنای اخلاق پژوهش در فضای مجازی دانست و گفت: در این حوزه‌ی مطالعاتی، به تجزیه و تحلیل مسائل اخلاقی و به‌کارگیری اصول و رهنمودهای اخلاق پژوهش در فعالیت‌هایی پژوهشی پرداخته می‌شود که مبتنی بر فضای مجازی بوده و در ساحت فضای مجازی انجام می‌شود. بنابراین می‌توان از منشور اخلاق پژوهش اینترنتی یا منشور اخلاق پژوهش در فضای مجازی سخن گفت که عبارت است

از مجموعه‌ی اصول و رهنمودهای اخلاقی که توجه و به‌کارگیری آنها در مواجهه با مسائل و چالش‌های اخلاق پژوهش در فضای مجازی، موجب بهبود موقعیت و ارتقای سلامت اخلاقی در تحقق فعالیت‌های پژوهشی می‌شود.

دکتر ثقه‌الاسلامی در ادامه گفت: با رشد و گسترش پژوهش‌های اینترنتی، یکی از موضوعات و مسائلی که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، سرقت داده‌های علمی (data plagiarism) یا سرقت علمی است. این پدیده را گاهی ذیل مسئله‌ی حق مالکیت و مالکیت داده‌ها بررسی می‌کنند. به‌طور کلی سرقت داده‌های علمی بدین معناست که عقاید، افکار، تصاویر، نظریه‌ها، سروده‌ها، و نوشته‌های فردی، با مالکیت شخص دیگری عرضه شود. امروزه، وقتی از آثار نوشتاری دیگران وام گرفته می‌شود، قوانین و استانداردهای قابل‌قبولی برای استناد و اذعان به آثار مورد استفاده وجود دارد؛ اما در مورد آثار غیرنوشتاری (همچون تصاویر، نمودارها، فایل‌های صوتی و تصویری و ...)، استانداردها چندان روشن نیست و وظیفه‌ی پژوهشگران فرونی می‌یابد. وی در پایان راه‌کارهایی را برای مقابله با سرقت علمی در فضای مجازی برشمرد.



لحظه‌ها، رویدادها و تجربه‌های اخلاقی در فعالیت پژوهشی



دکتر مقصود فراستخواه، استاد مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، سخن خود را با بررسی جایگاه اخلاقی آگاهی آغاز کرد و گفت: آگاهی آغاز رنج است زیرا انسان زمانی که اراده به آگاهی را انتخاب و تلاش می‌کند تا از جهل به سوی علم حرکت کند، ناراستی‌های زیادی بر او مکشوف می‌شود و همین امر به نوعی سرآغاز رنج است اما این رنج برای بلوغ ضروری است. پژوهش راهی به سوی حقیقت است و این مسیر را نمی‌توان بدون پذیرش نقد یافت. بدون نقد نمی‌توان یکدیگر را درک کرد و راه دیگری وجود ندارد. در واقع، قضاوت منصفانه درباره‌ی دیگران داشتن بخش مهمی از حقیقت‌یابی است.

دکتر فراستخواه افزود: حفظ حیات پژوهش اخلاقی روش‌های خاصی دارد و در این مسیر نوع نگاه ما به تحقیق اهمیت بسیاری دارد. باید از مناسک‌گرایی در تحقیق علمی پرهیز شود و نگاه پیمان‌کارانه به تحقیق کنار گذاشته شود. اگر علم عمل را معطوف به رهائی بدانیم باید مفروضات‌مان دقیق انتخاب شود و نوع نگاه ما ابزاری نباشد.

دکتر فراستخواه همچنین به این نکته اشاره کرد که انواع و اقسام گفتمان در رابطه با پژوهش وجود دارد و در این زمینه باید از گفتمان‌های مردانه در ساختار علم بر حذر بود زیرا کافی نیست و جهان از نگاه زنان را بازتاب نمی‌دهد. وی اخلاقی بودن پژوهش را درگروی رسالتی دانستن از سوی پژوهشگر دانست؛ پژوهشگری که به‌راستی با دغدغه‌ای مشخص در پی کشف پاره‌ای از حقیقت است. ناب‌ترین لحظه‌ی اخلاقی پژوهش را می‌توان لحظه‌ای دانست که فراستخواه آن را لحظه «آهان» نامید؛ یعنی لحظه‌ای که حقیقتی بر پژوهشگر آشکار می‌شود. البته پژوهشگر باید شجاعت پذیرش اشتباه خود را نیز داشته باشد و در هیچ مقطعی تصلب بر آرای خود نرزد.

ضرورت بسترسازی لازم به منظور تمهید اخلاق در پژوهش

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با بیان اینکه اخلاقی بودن برای پژوهش، صفت عارضی و جنبی نیست بلکه در جوهره‌ی آن نهفته است، گفت: براساس سند راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، اخلاق پژوهش به عنوان سرمایه و پشتوانه‌ی تضمین کیفیت برای پژوهشگاه اهمیتی به‌سزایی دارد. او در ادامه به بررسی معانی و دلالت‌های نظری واژه «سلطان» در قرآن کریم پرداخت و آن‌را در پیوند با امر علم‌آموزی و اخلاق‌ورزی دانست. به‌ویژه آن‌که در قرآن کریم علم عاملی برای کشف حقایق پشت پرده و تأمین سعادت انسانی به‌شمار می‌رود. دکتر قبادی در ادامه ضمن اشاره به برنامه‌ی مدرسه‌ی تابستانی آن‌را ناظر بر رخدادهایی ستودنی دانست و خاطرنشان کرد: اگر به ترکیب سخنرانان دقت کنیم در می‌یابیم که نگاه فرارشته‌ای وجود دارد و از جوانب و زوایای گوناگونی موضوع اخلاق در پژوهش بررسی می‌شود. در واقع شاهد حضور طیف‌های مختلف فکری (از جمله موافقان و مخالفان ساختارها و رویه‌های موجود درباره‌ی اخلاق در پژوهش هستیم).



در پایان دکتر قبادی ضمن تأکید بر ضرورت بهره‌برداری از یافته‌های مدرسه‌ی تابستانی اخلاق در پژوهش، از دکتر غفاری خواستند دستاوردهای آن در شورای معاونین وزارت عتف طرح شود و از گزارش‌های مستخرج از ارائه‌ها و همچنین تجارب ارزنده‌ی استادان حاضر در نشست‌ها به منظور اصلاح آیین‌نامه‌های نظام آموزش عالی بهره کافی برده شود.

جایگاه اخلاق پژوهش در آموزش عالی



دکتر غلامرضا غفاری، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با اشاره به اینکه تجربه‌ی زیسته‌ی ما در عرصه‌ی آموزش و در عرصه‌ی پژوهش در چارچوب میدان گسترده‌ای تعریف می‌شود، خاطرنشان کرد که این میدان نظامات خاص خود را دارد؛ این نظام مرادفات و تعاملات در تمامی سطوح ناظر بر امری اخلاق است. اخلاق اساساً بیانگر وجود امری جمعی است و طرح آن در شئون مختلف قابل دریایی است؛ از اخلاق حرفه‌ای گرفته تا اخلاق صنفی، علمی و پژوهشی که تمامی آنها در یک بستر جمعی معنا می‌شوند.

در ادامه، دکتر غفاری امر اخلاقی را در سطح کلان، سطح میانی و سطح کنش‌گری مورد بررسی قرار داد و گفت: سطح کلان ناظر بر سیاست‌های کلان و جامع است که چنانچه آنها را در نظر نگیریم اخلاقی عمل نکرده‌ایم. سطح میانی، ناظر بر نظام تعاملات است که در آن نیز بالطبع امر اخلاق مطرح می‌شود. این نظام تعاملات نوعی فرایند است که در خلال آن پژوهشگر با مسائل و موضعات

محیطی خودش ارتباط برقرار می‌کند. سطح سوم که ناظر بر مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای فرد است نشان‌گر نقش کنش‌گری است. دکتر غفاری با تأکید بر نقش کنش‌گری سوزده‌های انسانی در پاسداری از اخلاق پژوهش آن را یکی از بایسته‌های مهم در ارتقای سطح اخلاق در فرایندهای پژوهشی دانست.

چهارمین روز از مدرسه‌ی تابستانی اخلاق در پژوهش سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه برگزار شد که دربرگیرنده‌ی دو نشست با سخنرانی دکتر آیت‌الله میرزایی با موضوع «پیامدهای اخلاقی علم سیاست‌زده» و دکتر نصیری با موضوع «در میانه‌ی اخلاق و مهارت: مرور شش تجربه» بود. در ادامه گزارشی از این نشست ارائه می‌شود.

در میانه‌ی اخلاق و مهارت: مرور شش تجربه

دکتر قدیر نصری، دانشیار دانشگاه خوارزمی و رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات استراتژیک خاورمیانه، در سخنرانی خود با عنوان «در میانه‌ی اخلاق و مهارت: مرور شش تجربه‌ی مانا» به بررسی الگوهای پژوهشی برجسته در حوزه‌ی علوم انسانی پرداخت.

دکتر قدیر نصری به سیاق همیشگی از منظری متمایز به موضوع «اخلاق در پژوهش» پرداخت چرا که به‌زعم وی متأسفانه در بسیاری موارد از جمله در مبحث اخلاق، علم و پژوهش دچار ابتذال مفاهیم شده‌ایم یعنی بسیاری مفاهیم زیبا از فرط استفاده نابه‌جا، طراوت معنایی خود را از دست داده‌اند. از همین رو، این دانشیار اندیشه‌ی سیاسی کاربردی در دانشگاه خوارزمی، عنوان بحث خود را «در میانه‌ی اخلاق و مهارت: مرور شش تجربه‌ی متفاوت» نهاد و در ابتدای بحث این مسأله را طرح نمود که دلایل اساسی و حرفه‌ای افول اخلاق علمی کدامند و آیا هیچ تجربه ارزشمندی در این زمینه وجود ندارد تا آلام این همه زخم و یأس را مهار کند؟ نصری از دریچه‌ی امید و با نگاهی مثبت وارد بحث

شد تا با برجسته‌سازی معدود عالمان با اخلاق این روزگار، این امید را احیا کند که چراغ اخلاق در عمارت دانش روشن است.



وی در ادامه گفت: اخلاق علمی در بعضی شهرها، بعضی دانشگاه‌ها و نزد بعضی استادان مراعات می‌شود و این نقطه‌ی عزیمت خوبی است تا کشف کنیم چه چیزی در آنجا وجود دارد که اینجا نیست. به‌زعم نصری، در کنار عوامل کلانی مانند استیلای سوداگری و سودسالاری و نیز ناکارآمدی بروکراتیک دستگاه‌های مسئول، می‌توان از عنصر اساسی‌تری به نام زوال بلوغ مدنی نزد بسیاری استادان سخن گفت. این مبحث یعنی زوال بلوغ مدنی، مرکز ثقل بحث قدیر نصری بود. وی در تشریح ماهیت و اجزای این مولفه خاطر نشان نمود که نمی‌توان گفت ساختار پژوهش و عدم کنترل آن از جانب وزارت علوم، دلیل اصلی انتهای و امثالهم هست. اتفاقاً ساختار تا حد زیادی درست است و این ما هستیم که ساختار را تفسیر به رأی می‌کنیم. وقتی استادی در راهنمایی یا در داوری و مخصوصاً در تخصیص امتیاز به دانشجو، ده‌ها ملاحظه را دخیل می‌کند آنگاه نمی‌توان ساختار مالی یا اداری را مقصر دید. حداقل تجربه‌زیسته‌ی بنده نشان می‌دهد که ملاحظه‌کاری بین همکاران، بی‌شهامتی و عدم استقلال رأی که من اسم آن را عدم بلوغ مدنی نهاده‌ام سبب‌ساز انواع آفات در پژوهش در روزگار کنونی‌اند.

نصری بحث خود را درباره‌ی بلوغ یا نابالغی ملهم از بحث معروف کانت در مقاله‌ی «روشن‌نگری چیست؟» دانست. مقاله‌ای که در آن کانت روشن‌نگری را به عبور از صغارت و توانایی اراده کردن برای کاربست فهم خویش معنا می‌کند.

قدیر نصری در واپسین بخش از سخنان خود از بارقه‌های امید هم سخن گفت و تصریح نمود که خوشبختانه امروز، هستند استادان سرشناسی که به‌رغم موج غالب، فاضل مانده و مؤلفه‌های اخلاق پژوهش را پاسداری می‌کنند و نماد اخلاق‌مداری در تولید و نشر دانش هستند. مثلاً اگر یک مؤلفه‌ی اساسی اخلاق علمی، مراعات اصل ارجاع و امانت‌داری است می‌توان به آثار دکتر فرهنگ رجایی رجوع کرد که پارسایانه، در کارهای خود، هر منبع الهام‌گیری‌اش را ذکر و علم خود را محصول تلاش دیگرانی معرفی می‌کند که به نحو مستقیم و غیرمستقیم در تولید ایده‌ی وی نقش داشته‌اند. انصاف و بی‌طرفی، دومین شاخص در علم‌ورزی است که یکی از سرآمدان این مولفه در فرهنگ معاصر ما ایرانیان، داریوش شایگان است. آثار داریوش شایگان مشحون از تساهل‌ورزی و جدی شمردن نقش دانش در فرهنگ‌های گونه‌گون است. رعایت حقوق مخاطب اثر یعنی خوانندگان، سومین مؤلفه در اخلاق علمی است که نماد سرشناس این مؤلفه در ایران، بهالدین خرمشاهی است. خرمشاهی، خواننده را در برابر متنی مبهم و سراسر تردید نمی‌نشانند بلکه به هر طریقی که شده است، راه را روشن و مخاطب را از وادی آوارگی می‌رهاند. در زمینه‌ی احترام به حقوق و سهم سایر همکاران در تولید اثر، دکتر محمود سریع‌القلم یک اسوه است که همه‌ی یافته‌ها را حاصل تفحص فقط یک نفر نمی‌نامد بلکه نقش نخبگان و دانشجویان را پاس می‌دارد. پنجمین مؤلفه‌ی اخلاق پژوهش، خطاپذیری و استقبال از نقد است که نماد و سرمشق راستین آن مصطفی ملکیان است. ملکیان، ناقد خود را به معنای واقعی کلمه تکریم می‌کند و به روایت خودش، هرگز خود را ضمیمه نظرش نمی‌نماید. بالاخره باید به شهادت در اظهار یافته‌ها و گفتن آنچه دیگران نیافته و یا جرأت گفتنش را ندارند اشاره نمود. در این زمینه، اظهارات حاتم قادری از آنچه یافته است و فهمیده است، ارزنده است. جواد طباطبایی نیز به وضوح تشریح و اعلان می‌نماید که در کجا ایستاده است. طباطبایی، به وفق مراد روز سخن نمی‌گوید و از برای استحکام‌بخشی به ایده و ادعایش، سخت می‌کوشد و به زبان صریح ابراز می‌دارد که قصد دفاع از چه چیزی را دارد.



پیامدهای اخلاقی علم سیاست زده



دکتر آیت‌الله میرزایی، دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ابتدا گفت: مسأله‌ی «اخلاق علم» یا به تعبیر دقیق‌تر «اخلاق حرفه‌ای علم» در ایران کنونی را نمی‌توان به سادگی و با برداشت‌های صرفاً روانشناختی یا فلسفی تبیین کرد و با تجویزهایی در سطح فردی انتظار حل و یا حتی بهبود آن را داشت. مسأله‌ی اخلاق علم در ایران به باور من مسأله‌ای کاملاً اجتماعی است و از یک خاستگاه و بازه‌ی زمانی تاریخی خاصی برخوردار است. از این رو ضمن تأیید و تأکید بر مسئولیت فردی کنشگران علم، بایستی در تحلیل به نقش عوامل ساختاری (قواعد و منابع) در تشدید این مسأله توجه جدی داشت و با رویکردی تعاملی و چندسطحی موضوع را واقع‌گرایانه واکاوی نمود. اگرچه همواره مواردی از نقض اخلاق علم وجود داشته است اما مطالعات پیشین ما نشان می‌دهد از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۸۰ به این سو، شدت و دامنه‌ی هنجارگریزی اخلاقی در فضای علمی ایران گسترش یافته است. به باور من

بخش عمده‌ای از این مسأله محصول ساخت سیاسی علم در ایران کنونی است. سیاست‌گذاری‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در ایران به شدت تابع جهت‌گیری‌های نظام سیاسی است. تأثیر این جهت‌گیری سیاسی بالا به پایین را می‌توان در سراسر فعالیت‌های علمی مشاهده کرد. ساخت متمرکز علم در ایران با جهت‌گیری ارزش خاص خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نه تنها فرایند فعالیت‌های علمی را مشخص می‌کند بلکه حتی محتوا و ماهیت آن را نیز تعیین می‌کند.

وی با بیان اینکه این تمرکزگرایی سیاسی نخست استقلال علم و نهادهای علمی را از بین برده است و سپس تأثیر اصلی خود را بر کیفیت‌زدایی از علم برجا گذاشته است، گفت: این مسأله به معنای حاکم شدن نوع خاصی از اخلاق حرفه‌ای بر علم است که مشوق و زمینه‌ساز هنجارگریزی است. همین نظام قواعد متمرکز با جهت‌گیری ارزشی نیز چگونگی توزیع منابع و امتیازات را مشخص می‌کند. کنشگران نیز برای کسب و حفظ موقعیت‌شان در چنین ساختاری از استراتژی‌های درون و برون‌ساختاری خاصی استفاده می‌کنند. به‌طور مثال حاصل تأثیرپذیری علم از ساخت سیاسی را می‌توان در تنوع کنشگران در دانشگاه‌های ایران مشاهده کرد که با وابستگی‌های سیاسی، عقیدتی، نظامی یا ترکیبی از آنها حضور دارند. در کنار آنها گروه کوچکی از کنشگران حرفه‌ای علم نیز مشغول هستند. در این فضای کنش، پاداش‌ها عموماً به صورت ساختاری نصیب کسانی می‌شوند که بیشترین همسویی را هم در صورت (کمیت) و هم در محتوا (کیفیت) با جهت‌گیری‌های ارزشی حاکم داشته باشند. توزیع ساختاری پاداش‌ها برحسب کمیت به تورم علم و جهت‌دهی ساختاری علم به تهي شدن نظام دانشگاهی ایران از محتوای علم منجر شده است. پاداش ساختاری بیشتر برای کمیت بیشتر آثار بی‌کیفیت تنها یکی از نتایج این فرایند مغایر با اخلاق علم است. پیامد این فرایند باخودبیبگانگی گسترده و خودسانسوری خودانگیخته و در نهایت خود ویرانگری نهادی در نظام دانشگاهی ایران است.

میرزایی همزمانی و همسویی میان افزایش «تولید علم» با کاهش کیفیت علم را، نه فقط نشان از فقدان اخلاق حرفه‌ای علم، بلکه دامن زدن سیستماتیک به هنجارگریزی در علم دانست و گفت: تبعات این هنجارگریزی سیستماتیک و ساختاری را می‌توان در عدم شکل‌گیری پیوند ارگانیک میان نظام علم با سیاست، اقتصاد و محیط زیست مشاهده کرد. بدون یک نظام علمی مستقل امکان مواجهه واقع بینانه با مسائل محیطی وجود ندارد و توسعه‌ی علمی ممکن نیست. از آنجایی که علم در ایران عموماً از منطق علم تبعیت نمی‌کند حتی امکان یافتن راه‌چاره‌ای برای بهبود مسائل درون ساختاری خود هم ندارد. راه چاره برای توسعه و ارتقای علم در ایران عموماً سیاسی است و همین جهت‌دهی ساختاری سیاسی علم می‌تواند به تخلیه‌ی نظام دانشگاهی ایران از علم منجر شود. بازخورد اخلاقی این بحران ساختاری علم را می‌توان در محیط پیرامون از جمله تشدید بحران‌های، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی در ایران مشاهده کرد. به باور من «جدایی علم از سیاست» راه رهایی علم در ایران است.



انتشار کتاب دکتر میرجلیلی، دانشیار اقتصاد پژوهشگاه به هشت زبان در خارج از کشور

کتاب «رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها» (Inclusive Growth in Iran's Provinces: Policies and Indicators) تألیف دکتر سیدحسین میرجلیلی (دانشیار اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و امید صفری به زبان انگلیسی که در سال ۲۰۱۹ توسط انتشارات دانشگاهی لامبرت (LAMBERT Academic Publishing)



منتشر شده بود به دلیل استقبال خوب مخاطبان، در سال ۲۰۲۰ با سرمایه‌گذاری گروه انتشاراتی OmniScriptum به هفت زبان دیگر: فرانسوی، آلمانی، اسپانیولی، هلندی، لهستانی، ایتالیایی و پرتغالی ترجمه و منتشر شد.

در حال حاضر این کتاب به هشت زبان در سامانه‌ی اینترنتی فروش کتاب آمازون ارائه شده است.

کتاب «رشد فراگیر در استان‌های ایران: سیاست‌ها و شاخص‌ها» در پنج فصل ارائه شده است که در نوع خود جالب است. در فصل اول و مقدمه‌ی این کتاب به ارائه‌ی طرح تحقیق از جمله بیان مسئله در زمینه‌ی وضعیت رشد اقتصادی، فقر و نابرابری در اقتصاد ایران طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ پرداخته است. سوال اصلی

پژوهش این است که فراگیری رشد اقتصادی در استان‌های ایران طی این دوره چگونه بوده و چه تأثیری در کاهش فقر و نابرابری در استان‌های ایران داشته است؟

فصل دوم با عنوان «ادبیات موضوع»، پیدایش و تطور مفهوم رشد اقتصادی از رشد نئوکلاسیک تا رشد فقر زدا، ارزیابی رشد فقرزدا، تعریف، مفهوم و عناصر رشد فراگیر، بعد توزیعی رشد اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری و زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی تبیین شده است. بخش دوم این فصل به مرور پیشینه‌ی تحقیقات تجربی در این زمینه در سایر کشورها اختصاص دارد. سپس رشد فراگیر در ایران و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (OIC) طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ تحلیل شده است. در فصل سوم با عنوان «تحلیل داده‌ها» وضعیت شاخص‌های فقر چندبعدی و اندازه‌گیری رشد فراگیر در استان‌های ایران طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۵ ارائه شده است. رابطه‌ی میان سیاست‌های اقتصاد کلان و متغیرهای توضیحی (رشد اقتصادی، افزایش نابرابری و مشارکت نیروی کار فعال) با رشد فراگیر استان‌ها ابتدا در مدل پانل ایستا و سپس در مدل پانل پویا، تخمین زده شده و تفسیر نتایج مدل ارائه شده است. نتیجه‌ی تحلیل داده‌ها آن است که اجرای سیاست‌های اقتصادی، رشد فراگیر در استان‌های ایران ایجاد کرده. اما از آنجا که رشد اقتصادی بی‌ثبات بوده نتوانسته است فقر و نابرابری را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد. از یافته‌های تحقیق آن است که عامل تعیین‌کننده‌ی رشد فراگیر و کاهش فقر چند بعدی در استان‌های ایران، میزان مشارکت نیروی کار فعال در استان‌هاست.

در فصل چهارم با عنوان «رشد اقتصادی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» ۳۵ سیاست برای دستیابی به رشد فراگیر و سطح درآمد بالا در ایران ارائه شده است. سپس شاخص‌های پایش رشد فراگیر در ایران در بخش‌های زیر ارائه شده است.

الف) شاخص‌های پایش رشد اقتصادی، اشتغال مولد و زیرساخت‌ها

ب) شاخص‌های پایش فقر درآمدی، فقر چندبعدی و نابرابری

ج) شاخص‌های پایش توانمندسازی زنان

د) شاخص‌های توان بخشی و بهزیستی

ه) شاخص‌های پایش امنیت اجتماعی

سرانجام در فصل پنجم «نتایج و توصیه‌های سیاستی» ارائه شده است.



دکتر قبادی در مراسم گرامی داشت روز کارمند:

باید به عنوان پژوهشگاه‌های نسل چهارم

در عرصه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی اثرگذار باشیم

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت گرامی‌داشت روز کارمند با حضور در سالن حکمت ضمن عرض تسلیت به مناسبت فرا رسیدن ایام سوگواری اباعبدالله الحسین و یاران باوفایش، روز کارمند و هفته‌ی دولت را به همکاران حاضر در سالن و مخاطبان مجازی این نشست تبریک گفت و یاد و نام شهید رجایی و شهید باهنر را گرامی داشت.

در این مراسم که روز سه‌شنبه، ۴ شهریورماه ۱۳۹۹، برگزار شد، دکتر قبادی با اشاره به شرایط خاص و کرونایی کشور، فشار تحریم‌ها و شرایط بودجه‌ی پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در سال جاری، گفت: با وجود برخی مشکلات، تمام تلاش مسئولان پژوهشگاه در این جهت است که به معیشت کارکنان لطمه‌ای وارد نشود و سلامت همکاران در اولویت تمامی موضوعات قرار گیرد. در کنار این، پژوهشگاه تلاش کرده است در سایه‌ی سیاست‌های دولت تدبیر و امید به متنوع‌سازی منابع درآمدی خود پردازد که خوشبختانه پژوهشگاه در حوزه‌ی طرح‌های کاربردی و کارفرمایی توفیقات بسیار خوبی داشته است.

دکتر قبادی تأکید کرد: در راستای این

نگرش تعاملات ما با تمام دستگاه‌های اجرایی و قوای مقننه و قضائیه گسترش یافته و امیدواریم به‌زودی شاهد عقد قراردادهای بزرگتری باشیم. تلاش برای متنوع‌سازی منابع درآمدی پژوهشگاه به‌صورت طبیعی ما را به سمتی سوق داد که محصولات پژوهشی‌مان را متنوع کنیم، یعنی گزارش‌های راهبردی، توصیه‌های سیاستی، گزارش‌های ملی و علمی استاندارد استخراج کنیم که بتواند مرجعیت علمی و پژوهشی پژوهشگاه را تضمین کند که این موضوع نشان می‌دهد، پژوهشگاه

فقط مؤسسه‌ی علمی کلاسیک نسل اول یا دوم (آموزشی و پژوهشی) نیست و با قصد کارآفرینی فعالیت می‌کند و می‌خواهد مثل پژوهشگاه‌های نسل چهارم در عرصه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی اثرگذار باشد. گفتنی است در ابتدای این مراسم دکتر زهرا پارساپور، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی، ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری ماه محرم و تبریک روز کارمند، از زحمات مدیریت‌های مختلف پژوهشگاه و کارمندان آنان قدردانی کرد. دکتر



پارساپور ضمن تشکر از زحمات پرسنل محترم خدمات و انتظامات، نقش و تأثیر «کارمند» در ایفای وظایف پژوهشگاه را شایسته و قابل اهمیت توصیف کرد و یادآور شد: انشاءالله در تلاشند تا زمان برگزاری مراسم هفته‌ی پژوهش امسال، شاخص‌ها و ضوابط معرفی کارمندان نمونه مشخص و اعلام شود. در ادامه‌ی جلسه، دکتر عبدالله قنبرلو ضمن یادآوری ایام سوگواری ماه محرم و تبریک روز کارمند، از زحمات تمام کارمندان در بخش‌های مختلف پژوهشگاه تشکر کرد. معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه گزارشی از امور اداری اعضای محترم پژوهشگاه و پرداختی‌های ماهانه و رفاهی ارائه کرد و یادآور شد که در شرایط موجود نیز، تلاش‌شان بر بهبود شرایط رفاهی همکاران بوده است. وی یادآور شد که موضوع تبدیل وضعیت نیروی انسانی را از مجاری رسمی ذی‌ربط پیگیر هستند و ابراز امیدواری کرد که این تلاش‌ها به نتیجه‌ی مطلوب برسند.



کتاب

«کارکرد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
از منظر مدیریت دانش و تجربه»

منتشر شد

علوم انسانی با رویکرد اعتلاء نقد در چرخه‌ی یادگیری از تجربه» و فصل دوم، به «روش‌شناسی تحقیق و تدوین» پرداخته است. تبیین و تشریح دیدگاه‌های روسای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در فصل سوم و وضعیت موجود و آینده‌ی گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون از منظر رؤسای گروه‌های شورا بررسی متون در فصل چهارم مورد بحث قرار گرفته است. در فصل پنجم نیز «بررسی و تحلیل کلی مسائل و جهت‌گیری شورای بررسی متون و گروه‌های تخصصی مبتنی بر دانش و تجربه» تبیین شده است.

مقدمه‌ی این اثر به قلم دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نگاشته شده است. مقدمه‌ی کتاب به صورت نمودارهای آماری و در پنج بخش به کمیت فعالیت‌ها و برگزاری جلسات هدفمند، دستاوردها و ارتقاء کیفیت، نمونه‌هایی از ارتقاء کیفیت و اصل قرار دادن خروجی‌های عالمانه، تنوع‌بخشی به دستاوردهای کیفی و ارتقاء کیفی و افزایش ترویج دانش در شورای بررسی متون پرداخته است.

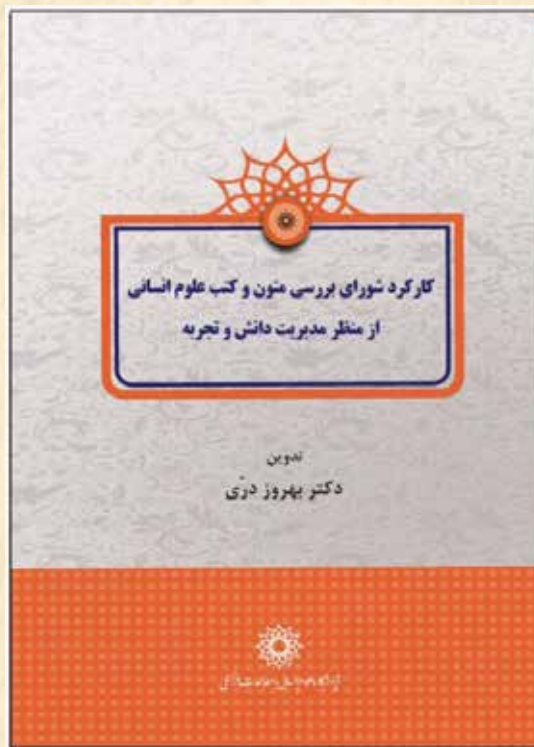
علاقه‌مندان می‌توانند در این اثر اطلاعات گوناگونی را درباره‌ی فعالیت، تاریخچه و اثربخشی شورای بررسی متون مطالعه بفرمایند و با رؤسای ادوار شورای بررسی متون و مدیران گروه‌های تخصصی شورا را در کنار گزارش عملکرد شورا مورد مطالعه قرار دهند.

کتاب «کارکرد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از منظر مدیریت دانش و تجربه» توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد.

این اثر در پنج فصل به قلم بهروز دُری، مدیر گروه مدیریت شورای بررسی متون تدوین شده است. مؤلف در پیش‌گفتار کتاب، هدف از انتشار این اثر را تدوین تاریخچه‌ی دانشی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی عنوان کرده است. تلاش اصلی این اثر، تبدیل دانش ضمنی و به عبارتی حافظه‌ی مسئولین و دست‌اندرکاران شورای بررسی متون و تبدیل تاریخ شفاهی به دانش صریح یعنی مکتوبات و مستندات شورای بررسی متون است.

حسینعلی قبادی، رئیس شورای بررسی متون در خصوص رویکرد این کتاب گفته است: این اثر از جنس گزارش‌های معمول و متعارف نیست؛ بلکه بر پایه‌ی اصول مدیریت دانش و متکی بر دستاوردهای علمی این حوزه با نگاهی تخصصی و با هدف ارتقاء بهره‌وری سازمان، تصویر عالمانه و انباشت علم و مستندسازی تجربه‌ها و آغازیدن حرکت بهتر و اثربخش‌تر است و امید می‌رود با تکیه بر الطاف الهی با مطالعه این اثر و اظهارنظرهای سازنده و انتقادی راه‌های روشن‌تری پیش روی شبکه‌ی نخبگانی علوم انسانی شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گشوده شود.

فصل اول این اثر به «مبانی نظری و چارچوب مفهومی مأموریت‌ها و وظایف شورای بررسی متون و کتب



معرفی برگزیدگان مسابقه‌ی سه دقیقه‌ای پایان‌نامه‌های دانشجویی پژوهشگاه



به همت مدیریت فرهنگی پژوهشگاه، مسابقه‌ی دفاع ۳ دقیقه‌ای پایان‌نامه‌های دانشجویی با هدف تشویق و کمک به تقویت و پرورش مهارت‌های ارتباطی، ایده‌پردازی، فن بیان و خلاقیت‌های دانشجویی، کمک به تکمیل چرخه‌ی تولید علم و فناوری و تبدیل آن به محصول و ثروت و برقراری ارتباط بین پژوهشگاه و بازاریابی ایده‌های دانشجویی در بازه‌ی زمانی تیرماه تا مردادماه سال جاری برگزار شد.

هیأت داوران پس از بررسی و ارزیابی آثار دریافت شده فارغ‌التحصیلان پژوهشگاه، سه نفر را به‌عنوان نفرات برگزیده به جشنواره‌ی ملی مسابقات ۳ دقیقه‌ای پایان‌نامه‌های دانشجویی معرفی کردند و در جلسه‌ی هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه مورخ؛ ۱۶ شهریورماه ۱۳۹۹، با حضور دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، از آنان تجلیل به عمل آمد.

اسامی برگزیدگان بدین شرح است:

طیبه شیخ‌ویسی

محمد یزدانی

علی کاووسی رحیم

انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری

با پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی

روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۹، نشست مشترک هیأت رئیسه‌ی پژوهشگاه با مسئولان و دست‌اندرکاران پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی در دانشگاه عالی دفاع ملی با حضور سردار سرلشکر پاسدار دکتر سید یحیی صفوی (رئیس پژوهشگاه)، سردار دکتر علی شمشیری (معاون هماهنگ‌کننده‌ی پژوهشگاه)، دکتر الهامی (مدیر طرح و توسعه پژوهشی پژوهشگاه)، دکتر سید حسین بتولی (رئیس پژوهشکده‌ی امنیت داخلی)، دکتر قنبری جهرمی (رئیس پژوهشکده‌ی جنگ‌های نامنظم و توسعه‌ی پدافند داخلی)، دکتر قاسم حسینی (رئیس مرکز دائره‌المعارف دفاعی امنیتی انقلاب اسلامی)، دکتر ابوالحسن کبیری (رئیس پژوهشکده‌ی دفاع مقدس) و دکتر سعداله زارعی (رئیس پژوهشکده‌ی جبهه مقاومت) از پژوهشگاه دفاع مقدس و دکتر قبادی (رئیس پژوهشگاه)، دکتر قنبرلو (معاون اداری، مالی و مدیریت منابع)، دکتر پاکتچی (رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری)، دکتر پارساپور (معاون کاربردی‌سازی و فرهنگی)، دکتر ابراهیمی (مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی) و دکتر موحدی (عضو شورای متون) از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدا سردار صفوی ضمن پاسداشت ایام ماه محرم، تلاقی آن را با برگزاری این جلسه به فال نیک گرفت و گفت: این ماه، ماه جهاد است. اگرچه ماه عزاداری است ولی شروع خوبی برای همه‌ی ماست. ما به دنبال علم نافع هستیم؛ علمی که تولید ثروت کند و کاربردی باشد.

دکتر قبادی نیز با درود بر سالار شهیدان، یادآور شد: امام حسین (ع) را باید از عرفات و به معنای اعرف شناخت. وی با درود بر شهدای انقلاب اسلامی، دکتر صفوی را فردی دانشمند و عالم دانست و اشاره کرد: دغدغه‌های مقام معظم رهبری در راستای فرهنگ دفاع مقدس با حضور ایشان پوشش داده می‌شود. وی در ادامه کلیتی درباره‌ی اعضای هیأت علمی، شبکه‌ی نخبگانی، پژوهشکده‌ها، مراکز و انتشارات پژوهشگاه و بحث پژوهشگاه بدون دیوار به‌عنوان شعار عملیاتی و سرلوحه‌ی برنامه‌ی راهبردی پژوهشگاه را مطرح کرد. همچنین با اشاره به رونمایی از دانشنامه‌ی آزادگان در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، آن را دستمایه‌ی ادبیات پایداری دانست.

دکتر پاکتچی، رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، در ادامه‌ی صحبت‌های دکتر قبادی گفت: ما باید بیندیشیم چگونه تجربیات نسل‌های قبل را به نسل‌های آینده منتقل کنیم. وی به دانشنامه‌های مختلفی که در پژوهشکده‌ی یادداشت‌نگاری به زبان فارسی و اخیراً به زبان روسی تألیف شده‌اند، اشاره کرد و دانشنامه‌ی امنیت را یکی از این دانشنامه‌ها برشمرد.

دکتر پارساپور، معاون کاربردی‌سازی و فرهنگی، نیز در مورد معاونت متبوع توضیحاتی داد و در مورد کارفرمایی و کاربردی شدن طرح‌های پژوهشی توضیح داد: در چند سال اخیر پژوهشگاه به‌ویژه مدیریت کاربردی‌سازی علوم



انسانی سعی بر این داشته که طرح‌های اعضای هیأت علمی را به سوی کاربردی شدن و ذی‌نفع‌محوری سوق دهد و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز در این زمینه داشته است. وی همچنین پیشنهاد انتشار ویژه‌نامه‌ای تحت عنوان «ادبیات دفاع مقدس» را در مجله‌ی ادبیات معاصر پژوهشگاه ارائه کرد.

دکتر بتولی رئیس پژوهشکده‌ی امنیت داخلی، ضمن اشاره به این‌که امنیت، یکی از مهم‌ترین کارهای ویژه‌ی انقلاب اسلامی است، به لزوم مدنظر قرار دادن آسیب‌های اجتماعی پرداخت و تأکید کرد: مفاهیم جدیدی نظیر دوقطبی‌گرایی سنی و جنسیتی که از آن تعبیر امنیتی می‌شود، می‌بایست عمیقاً مورد واکاوی و پژوهش قرار گیرد. در ادامه دکتر قنبری جهرمی، رئیس پژوهشکده‌ی جنگ‌های نامنظم و توسعه‌ی پدافند داخلی، تأکید کرد: با توجه به بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی و بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر دستاورد نظام جمهوری اسلامی در حوزه‌ی امنیت، می‌توان از تجارب انقلاب برای پیش‌بینی آینده استفاده کرد و پژوهشگاه در حوزه‌ی علوم انسانی می‌تواند به این مهم دست یابد و از این طریق می‌تواند الگوسازی کند تا آینده‌ی دور بر این اساس شکل گیرد.

دکتر سعداله زارعی، رئیس پژوهشکده‌ی جبهه‌ی مقاومت، اشاره‌ای به ارتباط مؤثر و کارهای مشترک با محققان خارج از کشور مانند دانشگاه بغداد و دمشق داشت و این نکته را یادآور شد که این مستندات باید به یک متن در چارچوب مشخص تبدیل شود. وی اظهار داشت: ما باید از تمدن انقلاب اسلامی و ژئوپولیتیک آن تعریف صحیحی داشته باشیم و فرهنگ مقاومت در محیط ملی را تدوین و شناسایی کنیم.

دکتر حسنی، رئیس مرکز دایره‌المعارف دفاعی امنیتی انقلاب اسلامی، نیز در ابتدای صحبت‌های خود به بیانات رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۷۸/۰۸/۲۸ اشاره کرد که در این سخنرانی فرمودند: «ما دایره‌المعارف جنگ نداریم. آن را تعقیب کنید. دایره‌المعارفی که قوی، محکم، مستند و بی‌تعارف باشد». تاکنون فرمایش ایشان تحقق نیافته و بر همین اساس درصدد تألیف دایره‌المعارف دفاعی، امنیتی هستیم که شامل سه حوزه‌ی دفاع مقدس، امنیت و جبهه مقاومت است. مداخل این دانشنامه باید دستاوردهای ارزشمند را احصا کند. از آنجایی که امنیت کلیدواژه‌ی عدالت است، باید الگویی برگرفته از اسلام ناب باشد. در حوزه‌ی جبهه‌ی مقاومت هم شهید قاسم سلیمانی، مکتب مقاومت را برپا کرده است. ما می‌خواهیم این دایره‌المعارف را با همکاری پژوهشگاه و با ویژگی‌های مذکور تألیف کنیم. دکتر الهامی، مدیر طرح و توسعه‌ی پژوهشی، نیز در ادامه‌ی صحبت‌های همکاران خود گفت: با هم‌افزایی دو مجموعه می‌توانیم در رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده، گام‌های مؤثرتری برداریم.

دکتر صفوی نیز در ادامه بیان کرد: امیدوارم این جلسه منشأ خیر و برکت و همکاری‌های مشترک شود. ما آرمان‌محور، واقع‌بین و عمل‌گرا هستیم. در سطح راهبردی جنگ هیچ کتابی منتشر نشده و این حوزه‌ای است که باید روی آن کار کرد. یکی از زمینه‌های همکاری‌های مشترک، برگزاری نشست‌های تخصصی در حوزه‌ی امنیت است. در حال حاضر در این حوزه می‌توان به ناامنی که از نوع ترکیبی و هیبریدی است اشاره کرد. در این برهه‌ی حساس با تهدیدهای فضای مجازی و شوک‌های وارده اقتصادی مواجه هستیم و می‌توان این موضوعات را برای انجام پروژه‌های مشترک، مدنظر قرار داد.

در پایان جلسه، متن تفاهم‌نامه‌ی همکاری بین دو پژوهشگاه توسط رؤسای دو مجموعه امضاء شد.



دکتر قبادی در مصاحبه با خبرگزاری ایبنا:

کتابخانه‌ی دیجیتال پژوهشگاه تأسیس می‌شود

حسینعلی قبادی از آخرین فعالیت‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌گوید: حسینعلی قبادی می‌گوید: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با کمک کتابخانه‌ی ملی درصدد دیجیتال‌سازی کتابخانه و تأسیس کتابخانه‌ی دیجیتال است. به گفته‌ی او، رشد تولید خالص سرانه‌ی علم در این مرکز علمی ناشی از ارتقاء سطح کاربردی و عمق‌یابی و ارتقاء علمی و پژوهشی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سازمانی دولتی و وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران است. این سازمان مرکزی پژوهشی است که به مطالعه و تحقیق در حوزه‌ی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می‌پردازد و متشکل از پژوهشکده‌های تخصصی در حوزه‌های اقتصاد، مدیریت، روانشناسی، علوم سیاسی، تاریخ، ادبیات، فلسفه، زبانشناسی، جامعه‌شناسی، اخلاق، ارتباطات و غیره است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی قدیمی‌ترین و بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در کشور ایران است و هم‌اکنون ریاست این مرکز را دکتر حسینعلی قبادی بر عهده دارد. با ریاست این سازمان آخرین فعالیت‌ها و اخبار این مرکز علمی را به گفت‌وگو گذاشته‌ایم.

* همواره از تأکیدات شما در نشر کتب و مقالات این مرکز علمی مسئله‌مندی و کاربردی بودن آثار است. به چه میزان توانسته‌اید به این هدف نزدیک شوید؟

انتشارات پژوهشگاه با توجه به رویکردهای کاربرد محور و تقاضامحور تحولاتی پیدا کرده است؛ اول، از لحاظ موضوع، کتاب‌ها با توجه به نیازهای اجتماعی و مشکلات گوناگون جامعه کاربردی‌تر و مسئله‌مندتر شدند، دوم، کوشش شده است که کیفیت کتاب‌ها بالا برود. اگر یک ارزیابی بخواهیم براساس سنجش کیفیت کتاب‌ها داشته باشیم باید بگویم تولید سرانه‌ی علم در سال‌های اخیر در پژوهشگاه بیش از ۲۰۰ درصد رشد داشته است. این میزان رشد تولید خالص سرانه‌ی علم هم ناشی از ارتقاء سطح کاربردی و عمق‌یابی از یک طرف و ارتقاء علمی و پژوهشی از طرف دیگر است. برای این‌که هم‌زمان با این اتفاق، تولید مقالات علمی - پژوهشی ما از حدود هشت دهم در سال ۹۲، از یک و شش دهم هم بالاتر رفته و بعضی از اعضای هیأت علمی ما مخصوصاً از میان اعضای هیأت علمی که در سال‌های اخیر جذب شده‌اند، در زمینه‌ی تولید مقاله در سال از هفت یا هشت هم بالاتر شده‌اند.

این هم نشان‌دهنده‌ی روزآمدی و مسئله‌مندی کتاب‌هاست و هم این‌که همه‌ی کتاب‌ها حداقل در سال‌های اخیر آثاری هستند که دست‌کم یک یا دو مقاله از آنها مستخرج شده است. از طرف دیگر بسیاری از کتاب‌های ما متوجه مسائل روز جامعه هستند به عنوان نمونه از شیوع گسترده کرونا در جامعه یعنی از اسفندماه تا الان حدود پنج جلد کتاب درباره‌ی کرونا منتشر کرده‌ایم. در اواخر مردادماه هم جلد دوم علوم انسانی و کرونا تحت عنوان «معرفت و محنت» منتشر شد. این مسیر را داریم ادامه می‌دهیم و به زودی شاید جامع‌ترین بررسی‌ها را درباره‌ی کرونا از منظر علوم انسانی داشته باشیم که حاصل سفارش مقالات ما به اصحاب علوم انسانی از فلسفه گرفته تا تاریخ با یک نگاه بین‌رشته‌ای است. همچنین همایش جامع و بزرگی که به صورت مجازی برگزار کردیم را به زودی منتشر می‌کنیم که با بررسی ابعاد فرهنگی - اجتماعی و انسانی کرونا به صورت بین‌رشته‌ای اثر بسیار ممتازی است. از سوی دیگر در کنار انتشار کتاب‌ها، مقالات علمی - پژوهشی، جستارهای فراوانی در نشریات و جرائد و مطبوعات کشور و انواع مشهورات منتشر می‌شود که به سطح معرفت عمومی جامعه و سواد رسانه کمک می‌کند.

* یکی از اقدامات مهم پژوهشگاه می‌تواند پدیده‌ی عمومی‌سازی و ترویجی‌سازی علم باشد در این باره چه کارهایی صورت گرفته است؟

در برنامه‌ی دوم توسعه‌ی پژوهشگاه‌ها شعار «پژوهشگاه بدون دیوار و در خدمت مردم» را مطرح کردیم و هم‌زمان با طراحی انواع نشست‌ها، کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی، جستارها، سخنرانی‌ها و نقد و مناظره‌هایی که در پژوهشگاه برگزار می‌شود و عموماً در سایت پژوهشگاه هم قابل دسترس‌اند سعی در اجرای این شعار داشتیم. با توجه به شرایط کرونایی سعی کردیم که حداکثر بهره‌گیری را از حوزه‌ی انتشارات و نشر دستاوردهای علمی در فضای مجازی بکنیم. حتی آمار نشان می‌دهد که بیشتر از قبل کرونا در این زمینه‌ها عمل کرده‌ایم و با استقبال



گسترده‌ای هم مواجه شده است. بعضی از این سخنرانی‌ها گاهی تا هزار شنونده، بازدید کننده و خواننده دارد. این نشان دهنده اثرگذاری اجتماعی و عمومی پژوهشگاه در عرصه‌ی جامعه و معرفت‌اندیشی جامعه است. درباره‌ی عمومی کردن دانش که اشاره کردید، یکی از مسائلی که مورد توجه است میزان دسترسی به تولیدات علمی است. کتاب‌های منتشرشده‌ی پژوهشگاه برخلاف این‌که آثار خوبی هستند اما دسترسی به آنها خیلی سخت است و بعضاً توزیع خوبی ندارند و حتی برخی از پژوهشگران هم کمتر می‌توانند به آنها دسترسی داشته باشند.

*** شما از سال قبل قول داده بودید که این مشکل و فرایند تسهیل شود و توزیع بهتری صورت بگیرد. ماحصل کار چه شد؟**

اولاً ما در جریان‌های فروش مجازی کتاب، عمیقاً وارد شده‌ایم و در سایت‌های مختلف آثار ما در دسترس است. از سوی دیگر با کمک کتابخانه‌ی ملی در صدد دیجیتال‌سازی کتابخانه و تأسیس کتابخانه‌ی دیجیتال هستیم که ان‌شاءالله این مسئله به زودی حل می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بزرگترین پرتال را در زبان فارسی دارد. ثانیاً ما تنها مرکزی هستیم که مجانی و رایگان سرویس علمی می‌دهیم. کار ارزشمند علمی دیگری که در این چند سال کرده‌ایم این است که، تمام منابع موجود در پرتال را موضوع‌بندی کردیم چون طبقه‌بندی دانش گام بسیار مهمی در توسعه‌ی دانش است. ما این کار را برای محققان کردیم، مثلاً اگر محققى در حوزه‌ی جامعه‌شناسی می‌خواست انرژی زیادی برای جستجو بگذارد، الان این منابع برای او آماده است. مباحث بسیاری به صورت کلیدی، آسان و راحت در اختیار محققان است. یعنی به‌جای این‌که محقق بخواهد ۷۰ منبع را ببیند تا موضوع مورد نظرش را بیابد، الان می‌تواند مستقیماً به مسئله‌ی اصلی خودش دست یابد. این کار بسیار دقیق و لازم در حوزه‌ی عمومی‌سازی دانش و تعمیق بهره‌برداری از دانش و میراث دانش است.

*** در شورای تدوین متون و کتب درسی چه تحولاتی صورت گرفته و اکنون وضعیت بومی‌سازی درس‌ها و تغییرات سرفصل‌ها چگونه است؟**

به‌تازگی جزوه‌ی عملکرد این شورا منتشر شده و در آن مشاهده می‌کنید که چقدر تحول صورت گرفته است. در طول پنج سال گذشته، ۲۲۸ جلد کتاب در این شورا منتشر کردیم، اگر با هجده سال قبل مقایسه کنید می‌بینید که در مجموع در آن هجده سال کمتر از پنجاه جلد کتاب بوده است، ثانیاً نشریه‌ی علمی پژوهشی را که دوفصل‌نامه بود به فصل‌نامه تبدیل کردیم، ثالثاً این مقالات و حجمی که آثار داوری می‌شود موجب شده که مجله به درجه A+ رشد پیدا کرده و از میان مجلات برتر هم در جشنواره‌ی فارابی اول شده است. سه هزار نفر از استادان سراسر کشور که ما آن را به یک شبکه‌ی نخبگانی تبدیل کرده‌ایم از مهمترین تحولات است یعنی یک شبکه‌ی نخبگانی سه هزار نفره در پژوهشگاه کمک محققان ما هستند و به تولید علم اثرگذار و ناظر بر مسائل اجتماعی و مسائل آموزش و دانشگاه‌ها و ... می‌پردازند. رابعاً از حیث برگزاری نشست‌ها و ترویجی‌سازی دانش در ایران با رشد بیش از پنج برابری روبه‌رو هستید.

*** اگر بخواهید ارزیابی از فعالیت‌ها در این یک سال اخیر داشته باشید فکر می‌کنید تولید محتوا و تألیفات و آثاری که پژوهشگاه در حوزه‌ی مکتوب منتشر می‌کند در چه رشته‌هایی قوی‌تر بوده و در چه رشته‌هایی احساس خلأ می‌کنید که باید در آنها بیشتر کار صورت بگیرد؟**

ما در رشته‌هایی که پژوهشگاه‌های قوی‌تری داریم و شخصیت‌هایی با برند علمی در آنها حضور دارند، قوی‌تر عمل کردیم. مثلاً پژوهشگاه‌هایی که دیرتر تأسیس شده‌اند طبیعی است نسبت به پژوهشگاه‌های که چهل یا پنجاه سال قبل تأسیس شده، ضعیف‌تر باشند.



در مصاحبه با دکتر شکوه السادات حسینی:

مسئولیت اصلی ما ایجاد ارتباط میان اعضای هیأت علمی پژوهشگاهها و پژوهشگران مختلف جهان است

در این شماره از خبرنامه، با دکتر شکوه السادات حسینی، مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، درباره‌ی فعالیت‌های این دفتر، مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که در ادامه از نظرتان می‌گذرد:



دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی در چه سالی و با چه اهدافی تأسیس شد؟

این دفتر از سال ۱۳۸۸ به عنوان یکی از مدیریت‌های زیرمجموعه‌ی ریاست پژوهشگاه شروع به کار کرده و بدیهی است که مسئولیت آن، فراهم کردن بستر مناسب برای بین‌المللی شدن فعالیت‌های پژوهشگاه در زمینه‌ی همکاری با دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی جهان در حوزه‌ی علوم انسانی است که مشروح آن در صفحه دفتر در سایت پژوهشگاه آمده است.

از چه زمانی سرکار عالی مدیریت این دفتر را برعهده دارید؟

من عضو گروه مطالعات زنان، از گروه‌های پژوهشگه‌ی مطالعات اجتماعی هستم و از بهمن ۱۳۹۷ مسئولیت این دفتر را رسماً برعهده گرفته‌ام.

در این مدت چه اهدافی را برای فعالیت‌های دفتر در نظر گرفته و دنبال می‌کنید؟

همان‌طور که اشاره کردم، این دفتر زیرمجموعه‌ی حوزه‌ی ریاست است و در واقع یکی از مدیریت‌های ستادی پژوهشگاه محسوب می‌شود و مسئولیت اصلی آن ارتباط دادن اعضای هیأت علمی پژوهشگاهها با پژوهشگران حوزه‌ی علوم انسانی در سطح دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های جهان است. یکی از فعالیت‌های اصلی ما انعقاد تفاهم‌نامه با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های خارجی یا مؤسسات علمی و فرهنگی ایرانی فعال در خارج از کشور و یا سازمان‌ها و نهادهای علمی داخل کشور است که فعالیت بین‌المللی دارند، مانند: معاونت گسترش زبان و ادبیات فارسی وزارت عتف، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز استنادی جهان اسلام. خوشبختانه در این مدت تفاهم‌نامه‌هایی به امضا رسیده که عمدتاً مستظهر به فعالیت‌های مشترک پژوهشگاه علوم انسانی با مواردی بوده که به آن اشاره کردم.



اما عمده‌ی فعالیت‌های ما در دو شاخه‌ی کلی خلاصه می‌شود: یکی فعالیت‌های پژوهشگرانه و مراکز پژوهشگاه که به نوعی جنبه‌ی بین‌المللی دارد، اعم از ارتباط دادن اعضای هیأت علمی با پژوهشگران خارج از کشور برای انجام طرح‌های مشترک پژوهشی یا برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های علمی که پژوهشگاه متولی آن است و میهمانانی از خارج برای شرکت در آن دعوت می‌شوند یا متقاضی شرکت در آن هستند و یا برگزاری کارگاه‌هایی که مدرسان آنها استادان خارجی هستند که برای تدریس یک دوره‌ی مشخص به ایران دعوت شده‌اند.

نوع دوم فعالیت‌ها، اقداماتی است که خود ما در دفتر بین‌الملل طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنیم که آن هم شامل نشست، گفت‌وگوهای علمی، سمینار و کنفرانس و نیز برگزاری کارگاه‌های آموزشی است که عمدتاً مربوط به حوزه‌ی ایران‌شناسی می‌شود و مدرسان یا مخاطبان یا هر دو خارجی یا از ایرانیان مقیم خارج از کشور هستند. مدرسان یا سخنرانان ایرانی هم از شخصیت‌های برجسته‌ی داخل یا خارج از پژوهشگاه هستند. خوشبختانه در تمامی مواردی که ذکر شد، در این مدت فعالیت‌های چشمگیری داشته‌ایم که با فعال شدن صفحه‌ی فارسی و انگلیسی دفتر در سایت پژوهشگاه گزارش تمامی آنها قابل دسترس است.

وضعیت موجود ناشی از شیوع بیماری کرونا چه تأثیری بر فعالیت‌های شما داشته است؟

باید اعتراف کنم که به‌رغم گرفتاری‌های عظیمی که این ویروس در سطح جهانی ایجاد کرده است، به نظر من به لحاظ ارتباط بین‌المللی برای ما دستاوردهای خوبی هم داشته است. این را از آن لحاظ عرض می‌کنم که در روابط بین‌المللی برخی عوامل نقش حیاتی دارند. پروسه‌ی دعوت از میهمان و فراهم کردن مقدمات آن، اقداماتی که در زمان حضور میهمان باید انجام شود، هزینه‌های مادی و انسانی همگی مواردی هستند که ممکن است همیشه شرایط برای فراهم کردن آنها مهیا نباشد. اما شرایط فعلی باعث شد تمامی نهادها و سازمان‌ها در هر حوزه‌ای که فعالیت می‌کنند، به فکر آن بیفتند که از فضای مجازی بیشترین استفاده را بکنند. خوشبختانه با ایجاد و تقویت این زیرساخت‌ها در پژوهشگاه نیز امکان ارتباط سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و گسترده‌تر با خارج از کشور فراهم شده است.

برای نمونه در مهر ماه سال گذشته، ما یک دوره‌ی ایران‌شناسی طراحی کردیم که با همکاری بنیاد مطالعات ابن سینا در مسکو، تعدادی از استادان جوان روسی را به ایران دعوت کردیم که در طول ده روز، ۶۰ ساعت در زمینه‌ی ادبیات، فلسفه، عرفان و هنر ایران نزد استادانی از داخل و خارج از پژوهشگاه آموزش دیدند. پس از شروع همه‌گیری کرونا تا به حال ما توانسته‌ایم چندین نشست و درس‌گفتار را به همین ترتیب ولی به صورت مجازی با مخاطب بیشتر و هزینه‌های بسیار کمتر برنامه‌ریزی کنیم که برخی از آنها برگزار شده و برخی نیز در دست انجام است.

به هر حال، به نظر من بهترین کار این است که همگام با جامعه‌ی جهانی ما نیز نوع فعالیت‌هایمان را به‌روز کنیم و ارتباط نزدیک‌تری با آکادمی‌های علمی در سطح جهان داشته باشیم.

آیا نکته‌ای هست که بخواهید در پایان به آن اشاره کنید؟

اولاً از فرصتی که به دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی داده شد تا همکاران ارجمند آشنایی بیشتری با فعالیت‌های آن پیدا کنند، تشکر می‌کنم و هم‌چنین به این نکته اشاره کنم که فعالیت‌های ما در واقع، نسبتی ثانوی با فعالیت‌های همکارانمان دارد. منظورم این است که هر عضو هیأت علمی یا گروه پژوهشی بر حوزه‌ی تخصصی خود در سطح بین‌الملل اشراف بیشتری دارد و می‌تواند راه‌های دقیق‌تری را برای ارتباطات بین‌المللی پیشنهاد دهد تا با پیگیری ما، سطح روابط بین‌المللی پژوهشگاه ارتقا یابد.



در گفت‌وگو با دکتر رضایی:

برنامه‌ی راهبردی موجب جلوگیری از پراکنده‌کاری در پژوهش‌ها می‌شود

مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سال ۱۳۹۲، زیر نظر مستقیم رئیس پژوهشگاه در راستای تحقق آئین‌نامه‌ی تشکیل دفاتر نظارت و ارزیابی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب (۷۷/۷/۱) و اساسنامه مصوب پژوهشگاه ۱۳۹۱/۸/۲۹ تشکیل شد و فعالیت خود را در راستای انجام وظایف محوله آغاز کرد. هم‌اکنون این واحد با مدیریت دکتر مسعود رضایی در چارت سازمانی پژوهشگاه فعالیت خود را انجام می‌دهد که هدف از تشکیل این واحد، پایش مستمر و نظام‌مند عملکرد پژوهشگاه و میزان پیشرفت و تحقق برنامه‌های راهبردی و عملیاتی به منظور شناسایی وضعیت موجود، ارائه راهکار و ایجاد زمینه‌ی لازم برای ارتقاء و تضمین کیفیت در پژوهشگاه است. در این شماره از خبرنامه‌ی پژوهشگاه مصاحبه‌ای با دکتر مسعود رضایی، مدیر مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت، انجام دادیم که از نظرتان می‌گذرد:

به‌عنوان اولین سؤال، درباره‌ی مزایای برنامه‌ی راهبردی برای پژوهشگاه توضیح بفرمایید؟



مزایای برنامه‌ی راهبردی برای پژوهشگاه از جنبه‌های مختلف قابل تأمل است: برنامه‌ی راهبردی این امکان را به پژوهشگاه می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و در برابر آینده منفعل نباشد و آینده را تحت کنترل خود درآورد. همین‌طور مدیران و کارکنان پژوهشگاه با درگیر شدن در برنامه‌ی راهبردی، خود را متعهد به حمایت از پژوهشگاه می‌دانند. برنامه‌ی راهبردی زمینه‌ی برنامه‌ریزی غیرمتمرکز برای پژوهشگاه را نیز فراهم می‌کند و باعث می‌شود برنامه‌ریزی با مشارکت همه‌ی اعضای پژوهشگاه از جمله اعضای هیأت علمی، کارکنان و مدیران سطوح پایین‌تر (همان‌طور که در پژوهشگاه اتفاق افتاد) صورت گیرد و صرفاً یک برنامه‌ی متمرکز و از بالا به پایین نباشد. بدیهی‌ست که هر قدر مشارکت اعضا در تدوین برنامه بیشتر باشد، ضمانت اجرای آن نیز بیشتر خواهد بود. برنامه‌ی راهبردی باعث می‌شود هم اعضای هیأت علمی و هم پژوهشگاه به صورت تخصصی فعالیت کنند و بر حوزه‌های مشخصی متمرکز شوند و از پراکنده‌کاری در پژوهش‌ها جلوگیری شود. ما در برنامه‌ی راهبردی می‌توانیم پژوهشگاه را به سمت حوزه‌های پژوهشی مشخص و معین هدایت کنیم که حاصل آن برداشتن پژوهشگاه در قلمروهای پژوهشی خاص است. مزیت دیگر برنامه‌ی راهبردی نظم و نسق دادن به کارها و فعالیت‌های پژوهشگاه است. طبیعی است که برنامه باعث می‌شود برای تمام فعالیت‌ها آغاز و پایانی وجود داشته باشد، گام‌ها و تعهدات افراد و واحدها مشخص باشد، انتظاراتی که از هر فعالیت وجود دارد معین باشد و هم سازمان و هم افراد تکلیف خود را بدانند و بر مبنای آن عمل کنند. برنامه‌ی راهبردی فعالیت ارکان و بخش‌های مختلف پژوهشگاه را



حول محور یا محورهای مشخص متمرکز می‌کند و همگرایی مدیران، سازمان و کارکنان را بیشتر می‌کند و باعث می‌شود که اهالی پژوهشگاه با همدلی بیشتری کارهای پژوهشگاه را پیش ببرند. مزیت دیگر برنامه‌ی راهبردی شناخت بیشتر از محیط داخلی و خارجی و انطباق و سازگاری با تغییرات محیطی است که ممکن است در عملکرد پژوهشگاه تأثیرگذار باشند.

برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه دارای چه مؤلفه‌هایی است؟

بدیهی است که برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه مانند هر برنامه‌ی راهبردی دیگر دارای منشور برنامه، بیانیه‌ی چشم‌انداز، بیانیه‌ی مأموریت، بیانیه‌ی ارزش‌ها، اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌هاست و از روش‌های متعارف در تدوین برنامه‌ی راهبردی مانند تحلیل سؤالات و غیره نیز برای تدوین آن استفاده شده است. این برنامه دارای ۶ راهبرد و ۳۲ سیاست است که این راهبردها و سیاست‌ها بیشتر با هدف‌گیری واحدهای ستادی پژوهشگاه و حتی تا حدودی به تفکیک معاونت‌های مختلف پژوهشگاه تدوین شده‌اند و بیشتر ماهیت بسترسازی برای فعالیت‌های پژوهشی واحدهای صفی را دارند. ما در تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم تلاش کردیم فعالیت‌های مختلف پژوهشگاه را از زوایای متفاوت مورد بررسی و تأمل قراردهیم و راهبردها و سیاست‌هایی را تدوین کنیم که متناسب با شرایط پژوهشگاه باشند اما وجه تمایز برنامه‌ی دوم پژوهشگاه با برنامه‌های راهبردی دیگر، داشتن اولویت‌های پژوهشی است. ما برای واحدهای صفی یا درواقع پژوهشکده‌ها و مراکز که نقطه‌ی ثقل پژوهشگاه و محل انجام طرح‌های پژوهشی هستند، طی یک فرایند مشخص، اولویت‌های پژوهشی را مشخص کردیم. در تدوین این اولویت‌ها هم بدیهی بود که نمی‌توانستیم تمام پژوهشکده‌ها و مراکز را پوشش دهیم، چون در این صورت به انبوهی از محورها و اولویت‌ها برمی‌خوریم که طبیعتاً دیگر اولویت نبودند. به‌طور مثال عرض کنم که پژوهشکده‌ای برای ما پنج اولویت ارسال کرده بود که در ذیل هر اولویت سه، چهار طرح پژوهشی قرار می‌گرفت و دو یا سه عضو هیأت علمی هم قرار بود این طرح‌ها را انجام دهند. خوب ما چطور می‌توانستیم با وجود قریب به ۱۴۵ عضو هیأت علمی این اولویت‌ها را اولویت‌های پژوهشگاه قرار دهیم و بگوییم در فلان اولویت دو عضو هیأت علمی کار پژوهشی انجام می‌دهند؟

ما در تدوین اولویت‌ها باید دوجنبه‌ی متضاد را کنار هم قرار می‌دادیم: (۱) اولویت به گونه‌ای باشد که پژوهشگاه بتواند در یک حوزه‌ی پژوهشی خاص مطرح و شناخته شود و (۲) در ذیل اولویت تعداد طرح‌های پژوهشی و طبیعتاً تعداد اعضای هیأت علمی بیشتری قرار گیرند. انتظار از ما این بود که در برنامه بین این دو، جنبه‌ی تعادلی برقرار کنیم که با توجه به تنوع و تکثر تخصص‌های موجود در پژوهشگاه کار بسیار سختی بود. در هر صورت ما تلاش کردیم با استفاده از معیارهای مشخص نظیر مسائل پژوهشی پژوهشکده‌ها و مراکز که توسط خود آنها مشخص شده بود، بررسی چالش‌های کشور در حوزه‌ی علوم انسانی و اجتماعی و اسناد مرتبط با مسائل اولویت‌دار پژوهشی حوزه‌ی علوم انسانی و ... شش اولویت پژوهشی را برای برنامه‌ی راهبردی دوم مشخص کنیم که هم پاسخ‌گوی مسائل مبتلا به جامعه در حوزه‌ی علوم انسانی-اجتماعی باشیم، هم پژوهشگاه را در حوزه‌های خاص به برند تبدیل کنیم و هم حداکثر بهره را از توان و تخصص اعضای هیأت علمی در حوزه‌های تخصصی گوناگون ببریم.

آیا در تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم از اسناد بالادستی نیز استفاده شده است؟

بله، طبیعی است که ما از اسناد بالادستی نیز باید در تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه استفاده می‌کردیم. نقشه‌ی جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری، سیاست‌های کلی و قانون برنامه‌ی ششم توسعه، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و سیاست‌های کلی نظام اداری اسنادی بودند که در برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه از آنها استفاده و در نهایت ۳۲ مفهوم استخراج شد که در تدوین ارکان جهت‌ساز برنامه‌ی راهبردی نقش ایفاء کردند. در کنار این اسناد برنامه‌ی راهبردی برخی از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور از جمله دانشگاه‌های: تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، شیراز و پژوهشگاه‌های مواد و انرژی، علوم و فناوری اطلاعات، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی و ... نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

فرایند اجرایی تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم به چه صورت بوده است؟

فرایند اجرایی تدوین برنامه‌ی راهبردی در مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت با تشکیل کارگروه‌های مختلف از جمله کارگروه تخصصی نظارت، ارزیابی و پیشبرد برنامه، کارگروهی متشکل از نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز و کارگروه مشورتی با حضور اعضای هیأت رئیسه آغاز و تلاش شد تدوین برنامه با مشارکت مستقیم اعضای پژوهشگاه در سطوح مختلف پیش برده شود. در گام اول، به منظور آگاهی از وضعیت برنامه‌ی اول توسعه و نتایج آن،



این برنامه به صورت جامع و دقیق ارزیابی شد تا میزان دستیابی به راهبردها و سیاستها در برنامه‌ی اول مشخص و پیوند برنامه‌ی دوم با آن حفظ شود. در گام دوم و به منظور انطباق برنامه‌ی دوم با اسناد بالادستی، همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم این اسناد بررسی شدند. در گام سوم، جلسات کارگروه تخصصی به صورت مستمر و چند جلسه در هفته برگزار شد. این کارگروه مسئولیت اصلی تهیه‌ی پیش‌نویس اولیه‌ی برنامه‌ی دوم را برعهده داشت و حاصل این جلسات تهیه‌ی پیش‌نویس چشم‌انداز، مأموریت، ارزش‌ها، راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ی دوم بود. ما به موازات برگزاری جلسات کارگروه تخصصی، به منظور آگاهی از دیدگاه‌های ارزشمند اعضای محترم هیأت علمی و کارشناسان محترم پژوهشکده‌ها، افزایش مشارکت واحدها در تهیه‌ی برنامه و تدوین برنامه‌ی واقع‌بینانه و مبتنی بر شرایط و مقدرات پژوهشگاه، جلساتی را با پژوهشکده‌ها و مراکز برگزار کردیم که به شناخت نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای پژوهشگاه کمک قابل ملاحظه‌ای کرد. در گام چهارم، جلسات کارگروه نمایندگان محترم پژوهشکده‌ها برگزار شد و پیش‌نویس چشم‌انداز، مأموریت، ارزش‌ها، راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ی دوم با حضور آنان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، به منظور بررسی ضریب اهمیت و وضعیت موجود عوامل داخلی و خارجی در پژوهشگاه، معاونان، مدیران کل، رؤسا و نمایندگان محترم پژوهشکده‌ها، در جلسات جداگانه‌ای پرسش‌نامه‌ی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها را تکمیل کردند. در گام پنجم پس از تحلیل و جمع‌بندی نظرات توسط اعضای کارگروه تخصصی، پیش‌نویس ارکان برنامه در سه جلسه‌ی مشورتی با حضور اعضای هیأت رئیسه به بحث گذاشته و اصلاحات مورد نظر انجام شد. در گام ششم، مؤلفه‌های دومین برنامه‌ی راهبردی در جلسات شورای راهبردی پژوهشگاه ارائه و پس از بحث و بررسی و انجام اصلاحات لازم به تصویب رسید و در نهایت هم برنامه در کمیسیون دائمی هیأت امناء و خود هیأت امناء بررسی و مصوب شد. فرایند تدوین اولویت‌های پژوهشی هم مسیر مشابهی را طی کرد که قبلاً هم به آن اشاره شد.

به نظر شما ویژگی‌های بارز برنامه‌ی راهبردی دوم چیست؟

به عقیده‌ی من برنامه‌ی راهبردی دوم ویژگی‌های زیادی داشت. اولین ویژگی برنامه‌ی راهبردی دوم مانند برنامه‌ی اول، درون‌زا بودن آن و مشارکت همه اعضای هیأت علمی پژوهشگاه و تمام واحدهای اجرایی در تدوین برنامه است. برنامه‌های عملیاتی واحدهای صنفی در واقع توسط خود اعضای هیأت علمی نوشته شده‌اند و پیش‌بینی خروجی‌ها، نوع خروجی‌ها، تعداد خروجی‌ها و... نیز توسط آنان انجام شده است. همه‌ی اعضای هیأت علمی برنامه‌های عملیاتی مربوط به خود را تدوین کرده‌اند که حاصل آنها برنامه‌های عملیاتی پژوهشکده‌ها و مراکز را شکل داده‌اند که در نهایت برنامه‌های عملیاتی پژوهشگاه شکل گرفته است. در واحدهای ستادی و برای فعالیت‌های اجرایی پژوهشکده‌ها و مراکز نیز فرایند مشابهی طی شده است و برنامه‌های عملیاتی با مشارکت مدیران و کارکنان بخش‌های مختلف تدوین شده‌اند. ویژگی دوم برنامه‌ی راهبردی، پیوند و ارتباط آن با برنامه‌ی اول پژوهشگاه است. تلاش شده است در جاهایی که مطابق با داده‌ها، آمار و اسناد، بنابه ضرورت، راهبردها و سیاست‌های برنامه‌ی اول به گونه‌ای در برنامه‌ی دوم نیز تداوم یابند، این تداوم حفظ شود. به عنوان مثال دو راهبرد برنامه‌ی اول در برنامه‌ی دوم نیز حضور دارند. همچنین ۱۸ سیاست برنامه‌ی اول به شکل‌های مختلف در راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی برنامه‌ی دوم بروز یافته‌اند و ۱۱۴ طرح پژوهشی برنامه‌ی اول در قالب ۱۳۱ طرح پژوهشی در برنامه‌ی دوم ادامه یافته‌اند. ویژگی بارز سوم برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه، انطباق و سازگاری آن با موضوعات راهبردی و سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. به عنوان مثال؛ تدوین و ارائه‌ی طرح جامع عمرانی (طرح جامع فضای کالبدی)، توسعه‌ی استفاده از فناوری اطلاعات در نظام اداری و پایش از راه دور، برنامه‌ریزی برای بالندگی و توانمندسازی اعضای هیأت علمی، توسعه‌ی بانک‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های مجازی و اصلاح ساختار تشکیلاتی، سازماندهی و چابک‌سازی دانشگاه و کاهش تعداد پست‌های سازمانی برخی از موضوعات راهبردی و سیاست‌های مورد انتظار وزارتخانه از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها هستند که هر یک از این‌ها در برنامه‌ی راهبردی دوم دارای ما به ازاء است. ویژگی بارز چهارم این برنامه، تخصص‌گرایی خود پژوهشگاه علاوه بر تخصص‌گرایی اعضای هیأت علمی است. یعنی با تدوین اولویت‌های پژوهشی انتظار می‌رود در پایان برنامه‌ی پژوهشگاه در قلمروهای پژوهشی خاص حرف برای گفتن داشته باشد و در این حوزه‌ها متخصص شود. ویژگی دیگر برنامه‌ی راهبردی دوم همگامی و انطباق آن با چارت جدید پژوهشگاه و بسیاری از آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی است که اخیراً در پژوهشگاه تدوین شده‌اند. به عنوان مثال؛ تغییرات واحدهای ستادی پژوهشگاه در برنامه منعکس شده‌اند. همین‌طور ارتباط ارگانیک بین نظام‌نامه پژوهشی و سایر آئین‌نامه‌ها با برنامه‌ی راهبردی دوم وجود دارد.



برنامه‌ی راهبردی دوم تا چه حد متأثر از برنامه‌ی راهبردی اول پژوهشگاه بوده است؟

همان‌طور که قبلاً عرض کردم، ارتباط بین دو برنامه حفظ شده است، اما نکته‌ی مهمی که وجود دارد این است که در هر صورت ما باید یک ارزیابی از برنامه‌ی اول می‌داشتیم تا بتوانیم وضعیت پژوهشگاه در برنامه‌ی اول را مشخص کنیم و سپس گام‌های بعدی به سوی برنامه‌ی دوم را برداریم. خوشبختانه این ارزیابی در طول سال‌های مختلف انجام شده بود و ما توانستیم از نتایج این ارزیابی‌ها در تدوین برنامه‌ی دوم استفاده کنیم. نکته‌ی دیگر حضور برخی از اعضای مؤثر در تدوین برنامه‌ی اول پژوهشگاه، در کمیته‌های تدوین برنامه‌ی دوم بود که این امر هم فرصت مغتنمی برای ما ایجاد کرد تا هم بتوانیم با روح برنامه‌ی اول پیوند برقرار کنیم و هم از تجربه‌های برنامه‌ی اول در برنامه‌ی دوم استفاده کنیم. به‌طور خلاصه می‌توانم بگویم که برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه نه عین برنامه‌ی راهبردی اول است و نه به‌طور کلی چیزی جدای از آن است.

مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت چه مدت زمان درگیر تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه بوده و تعداد اعضای تدوین برنامه‌ی دوم چند نفر بودند و چند جلسه زمان برده است؟

تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم نزدیک به ۲۰ ماه به طول انجامید و حدود ۴۸ نفر به صورت مستقیم در تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم مشارکت داشته‌اند و در مجموع قریب به ۷۰ جلسه در سطوح مختلف برای تهیه‌ی برنامه‌ی راهبردی دوم پژوهشگاه برگزار شده است.

با توجه به رخدادهای اخیر نظیر کرونا و... آیا برنامه از انعطاف لازم در این زمینه برخوردار است؟

باید عرض کنم، گرچه مؤلفه‌های اصلی برنامه‌ی راهبردی دوم در هیأت امنای پژوهشگاه تصویب شده است و تغییر آنها نیازمند طرح مجدد در هیأت امنای است، اما اختیار تصویب برنامه‌های عملیاتی که طرح‌های پژوهشی هم جزء آنها هستند، به شورای راهبردی و نظارت پژوهشگاه داده شده است. این موضوع بدین معناست که برنامه از انعطاف لازم برخوردار است و هر کدام از اعضای هیأت علمی که مایل باشند درباره‌ی مسائل و رخدادهای ناگهانی نظیر کرونا به پژوهش بپردازند، می‌توانند از مجرای شورای راهبردی و نظارت اقدام و طرح‌های پژوهشی مرتبط با مسائل روز را جایگزین طرح‌های قبلی کنند. بدیهی‌ست که لازمه‌ی این کار، طی فرایند اجرایی و تصویب عناوین طرح‌های پیشنهادی در شورای راهبردی و نظارت است.

نحوه‌ی پایش برنامه‌ی راهبردی دوم به چه صورت خواهد بود؟

برنامه‌ی راهبردی دوم هم مانند برنامه‌ی اول دارای برنامه‌های عملیاتی مشخصی است. این برنامه‌ها جمع‌آوری شده و رفته‌رفته در جلسات شورای راهبردی و نظارت بررسی و تصویب خواهند شد. پایش برنامه‌ی دوم بیشتر مبتنی بر این برنامه‌های عملیاتی است. شاخص‌های مشخصی متناسب با این برنامه‌ها تدوین خواهند شد و براساس آنها برنامه به صورت دوره‌ای ارزیابی خواهد شد. البته با توجه به ماهیت فعالیت‌ها هم شاخص‌های کمی و هم شاخص‌های کیفی خواهیم داشت و تلاش خواهد شد برنامه به صورت جامع مورد ارزیابی قرار گیرد.

در پایان اگر توضیح دیگری دارید، بفرمایید؟

همان‌طور که قبلاً هم عرض کردم جمع‌کنندگی از اهالی پژوهشگاه در تدوین برنامه‌ی راهبردی دوم مشارکت داشته‌اند که در این‌جا لازم می‌دانم از همه‌ی این بزرگواران تشکر کنم. از ریاست و معاونان پژوهشگاه که همیشه ما را در طول تدوین برنامه‌ی دوم حمایت کردند، از رؤسا و نمایندگان پژوهشگاه‌ها و مراکز که گام‌به‌گام در تدوین برنامه همراه ما بودند، از اعضای هیأت علمی پژوهشگاه که در واقع بخش زیادی از برنامه توسط خود این بزرگواران نگاشته شده است، از همه‌ی مدیران و کارکنان پژوهشگاه که نقشی بی‌بدیل در برنامه‌ی دوم داشته‌اند و به ویژه از اعضای کارگروه تخصصی برنامه‌ی دوم و کارشناسان مدیریت نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت که کلیت برنامه، حاصل زحمات و تلاش‌های آنان است قدردانی می‌کنم و امیدوارم این مساعدت‌ها و کوشش‌ها در اجرای برنامه نیز همچنان تداوم داشته باشد تا پژوهشگاه به قله‌های رفیع علم و دانش دست یابد.



دکتر رفیعی، مدیر نشر آثار علمی پژوهشگاه:

هماهنگی و آماده‌سازی این حجم از آثار استادان در پژوهشگاه سابقه نداشته است

واحد انتشارات و مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه یکی از واحدهایی است که می‌تواند خروجی و تولیدات علمی پژوهشگران و اعضای هیأت علمی پژوهشگاه را بیش از پیش به مخاطبان بشناساند. دکتر یدالله رفیعی پس از انتصاب به عنوان مدیر نشر آثار علمی پژوهشگاه تلاش کرد در این راستا گام‌های مؤثرتری بردارد و اتفاقاً پژوهشگاه توانست در سال ۹۹ آثار ارزشمند زیادی نیز منتشر کند. در همین رابطه و در خصوص نقطه ضعف و قوت واحد انتشارات و مشکلات و موانع پیش‌روی این واحد با دکتر رفیعی مصاحبه‌ای انجام دادیم که از نظرتان می‌گذرد:



* ارزیابی شما از فعالیت‌ها و روند پیشرفت کار واحد انتشارات پژوهشگاه چیست؟

از اواخر سال ۱۳۹۷ در چند مرحله به تهیه‌ی شیوه‌نامه و دستورالعمل‌های جدید بر اساس رویکردهای جدید و کارآمد برای مدیریت، پروسه‌ی نشر کتاب، مجلات و همچنین برنامه‌ریزی و نظارت بر فروش کتاب اقدام شد. بر این اساس اقدامات گسترده‌ای برای سامان‌دهی و تهیه‌ی روال مناسب برای شورای انتشارات انجام شد. با معرفی اعضای جدید شورای انتشارات جلسات شورا، منظم و مستمر برای چاپ آثار انتشارات برقرار شد. به طوری که تمام کارهای معوق و جاری پس از گذشت یک‌سال و نیم به‌روز شده است و اکنون در شرایط مناسبی قرار داریم. شورای انتشارات برای هر اثر دو داور و در صورت لزوم برای برخی آثار سه داور مشخص و نظرات آنها به نویسنده یا نویسندگان ابلاغ و در صورت موافقت داوران، کتاب‌ها اصلاح و فایل نهایی به انتشارات ارسال می‌شود. در واقع شورای انتشارات با ریاست مستقیم ریاست پژوهشگاه و حضور معاونت پژوهشی اداره می‌شود و مدیر انتشارات سمت دبیری این شورا را بر عهده دارد. تقریباً از هر پژوهشکده یک نماینده در این شورا حضور دارند تا در موضوعات لازم نظر کارشناسانه خود را ارائه دهند. در دیگر سو انتشارات با همکاری صمیمانه‌ی مدیریت محترم دفتر حقوقی حقوقی و مدیریت محترم امور مالی، روال واحدی برای اجرای قراردادها تنظیم کرد. بر این اساس شش نوع قرارداد تیپ تنظیم و تصویب شد. تدوین و ابلاغ شرح وظایف همکاران مدیریت نشر آثار علمی و سامان‌دهی نیروها کار بسیار مهم و اثرگذار برای حرکت در مسیر جدید پیش‌بینی شده این واحد بود که به صورت مطلوب انجام شد. با یاری خداوند متعال و تلاش بی‌وقفه همکاران، اقدامات فراوان دیگری در انتشارات پژوهشگاه انجام شده که برخی از آنها به اختصار بیان می‌شود:

ساماندهی مدیریت انبار و کتاب‌فروشی و تهیه‌ی شرح وظایف جدید پرسنل بر اساس رویکردهای نوین. حرکت به سوی ساماندهی توزیع کتاب از طریق همکاری با مراکز توزیع و پخش کتاب. تهیه‌ی دستورالعمل و شیوه‌نامه‌ی بخش کتاب‌فروشی و ابلاغ آن.



سامان‌دهی فیزیکی انبار گلفام از طریق نصب آسانسور و چیدمان کتاب. تهیه فهرست آثار قدیمی و کم فروش و مکاتبه برای تعیین تکلیف نسخه‌های قدیمی موجود در انبار. تهیه و تدوین آیین‌نامه نشریات و ارسال آن به معاونت پژوهشی برای تصمیم‌گیری. تهیه و تدوین پایگاه اطلاعاتی قراردادهای و امور مالی. تهیه و تدوین پایگاه اطلاعاتی شورای انتشارات. تهیه و تنظیم بروشور آثار ۱۰ ساله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که به زودی منتشر می‌شود. اعلام وصول آثار پژوهشگاه که در وزارت ارشاد و کتابخانه ملی از سال‌های گذشته انجام نگرفته بودند. مجموع این فعالیت‌ها، انتشارات را از حیث کاری در شرایط تقریباً مناسبی قرار داده است. اگرچه کارهای بسیاری همچنان بر زمین مانده است که فرصت و هزینه لازم برای ورود به این کارها هنوز فراهم نشده و زیر ساخت‌های لازم و زمینه‌های ضروری برای ورود به برخی حوزه‌ها را نداریم.

* واحد انتشارات چه اقداماتی برای تسهیل چاپ آثار استادان و پژوهشگران ایجاد کرده است؟

همه اقدامات صورت گرفته در مدیریت نشر آثار علمی از اواخر سال ۱۳۹۷ تاکنون در جهت تسهیل فرایندها، نظم‌پذیری، افزایش سرعت در بررسی و چاپ آثار، البته با رعایت صرفه و صلاح پژوهشگاه، صورت گرفته و می‌پذیرد. برای این ریل‌گذاری چندین شیوه‌نامه و دستورالعمل تهیه، تدوین و تصویب شد. با افزایش اعضای هیأت علمی در دو، سه ساله گذشته مسلماً حجم بسیار بیشتری از آثار ارزشمند استادان جوان و تازه‌نفس در کنار آثار استادان با تجربه و دانشمند پژوهشگاه به واحد انتشارات ارسال می‌شود که هماهنگی و آماده‌سازی این حجم از آثار که تاکنون در پژوهشگاه سابقه نداشته، کار بسیار پر حجم و دشواری است. به طوری که برخی از اعضای هیأت علمی، در حال حاضر، هم‌زمان سه عنوان اثر در مراحل مختلف کار انتشارات همچون شورای انتشارات، قرارداد و چاپخانه دارند. همه این موارد در حالی است که از تعداد پرسنل مدیریت انتشارات در مقایسه با ابتدای سال ۱۳۹۷ کاسته شده است و نسبت به آن‌زمان، چهار نیرو کمتر داریم که این امر به دشواری‌های کار در انتشارات می‌افزاید.

* نظر شما درباره‌ی دیجیتالی شدن نشر چیست؟

فروش آثار در عرصه‌ی فضای مجازی مدت‌ها است شکل گرفته و بازار مناسبی هم یافته است. حضور سایت‌های حرفه‌ای که با سرمایه‌گذاری شخصی آماده‌ی ارائه خدمت هستند، مورد اقبال ناشران قرار گرفته است. این سایت‌ها با تجمیع کل محصولات ناشران در قالب چندصد هزار عنوان کتاب با موضوعات متنوع برای عموم مخاطبان؛ همچون رمان و داستان و شعر و ... تا تخصصی و دانشگاهی توانسته‌اند هزینه‌های بالای خود را به سوددهی برسانند. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز مدت‌هاست وارد تعامل و سهم‌بری از این بازار شده است که طی عقد قرارداد با چند سایت همچون طاقچه و فراکتاب توانسته است بخشی از کتاب‌ها را به صورت دیجیتالی به فروش برساند که در آمد حاصل از آن به صورت ماهانه به حساب اختصاصی پژوهشگاه واریز می‌شود. اما شنیده می‌شود برخی بر این عقیده‌اند که پژوهشگاه خود اقدام به فروش دیجیتالی کتاب کند که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری و به کارگیری نیروهای متخصص برای تهیه زیر ساخت‌های لازم است. این امر تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مراحل زیر با مساعدت همه بخش‌های پژوهشگاه صورت پذیرد.

مرحله اول: محصول

تعداد فایل‌های موجود در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی که مربوط به سال ۱۳۹۰ به بعد می‌شود ۵۳۶ فایل کتاب است. از این تعداد بخشی مربوط به چاپ نقدنامه‌های شورای بررسی متون است که قابلیت عرضه‌ی دیجیتال ندارد و تعدادی هم از آثار کم‌فروش و کم‌کیفیت است که ارزش سرمایه‌گذاری برای دیجیتالی‌سازی ندارد. حدود ۳۵۰ عنوان اثر قابلیت کار دارد اما برخی از این تعداد آثار به نام مؤلف است که پژوهشگاه در قبال هر نوبت چاپ کاغذی به مؤلفان، طی عقد قرارداد، حق‌التألیف می‌دهد. بنابراین اخذ مجوز و موافقت این تعداد مؤلف لازم است. بدیهی‌ست رضایت ایشان در گرو تهیه‌ی قراردادی است که پرداخت حق‌التألیف آن‌ها



در چاپ دیجیتال را تضمین کند. این خود نیاز به شناسایی آثار حق‌التألیفی انتشارات و دستیابی به پرونده‌ی کتاب‌ها و استعلام از مطلعین امر است. بدیهی‌ست ۳۵۰ محصول انتشارات که قابل عرضه هستند برای انجام فرایند دیجیتال‌سازی و تهیه‌ی زیرساخت‌های پرهزینه آن تعداد قابل دفاعی نیست به‌ویژه این‌که، این آثار بازار عمومی و مخاطب عام نداشته و ندارند و مخصوص استادان، دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند است که تعدادشان محدود است. بنابراین برای جبران این کم بودن تعداد محصول، باید اقداماتی جهت اضافه کردن دیگر آثار قدیمی پژوهشگاه که فایل‌شان در انتشارات موجود نیست، صورت پذیرد.

متأسفانه فایل هیچ‌یک از آثار چاپی دهه‌های قبل از ۹۰ در انتشارات وجود ندارد. در واقع گنجینه‌ی اصلی آثار پژوهشگاه در اختیار انتشارات نیست. برای این بخش باید برنامه‌ریزی طولانی‌مدتی داشت تا این آثار در گام نخست شناسایی شوند. تجربه‌ی شناسایی آثار دهه‌ی ۹۰ و تهیه‌ی شناسنامه آثار و تهیه پایگاه اطلاعاتی از آن که در سال گذشته توسط واحد انتشارات انجام گرفت، نشان می‌دهد کار بسیار زمان‌بر و دشواری است. این‌که انتشارات چه تعداد آثاری را در طی این مدت چاپ کرده است بدون وجود اطلاعاتی در این خصوص خود کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد اما پیش‌بینی می‌شود حدود ۵۰۰-۷۰۰ عنوان کتاب شناسایی شوند.

در گام بعدی یعنی پس از شناسایی آثار این دوره باید بر اساس یک شیوه‌نامه به تهیه‌ی یک نسخه از کتاب‌ها و سپردن آنها برای آماده‌سازی چاپ اقدام کرد. درست مانند یک کتاب تازه‌ای که قرار است چاپ شود. هزینه‌ی آماده‌سازی این تعداد کتاب بسیار سنگین خواهد بود.

مرحله‌ی دوم: دیجیتالی‌سازی فایل‌های آثار

ابتدا باید این مرحله با کمک و راهبری مدیریت محترم واحد اطلاعات و فناوری (مهندس جواد صالحی) صورت پذیرد. پس از انجام موفقیت‌آمیز مرحله اول، ما حدود فایل ۹۰۰ اثر ارزشمندمان را در اختیار خواهیم داشت که می‌توان زیرساخت‌های مربوط به آن را برنامه‌ریزی کرد. خرید ادمین سایت، طراحی سایت، نرم‌افزار کدگذاری فایل‌ها و تبدیل فرمت فایل‌ها به شیوه‌ی فروش الکترونیک، اجرای نرم‌افزار و پشتیبانی سایت و اضافه کردن قابلیت‌های دیگر از جمله اقداماتی است که باید در این مرحله صورت پذیرد که البته واحد اطلاعات و فناوری بسیار روشن‌تر و شفاف‌تر می‌توانند این مرحله فنی را توضیح و برآورد مالی آن را اعلام فرمایند. تمامی این مراحل باید در کارگروهی متشکل از واحدهای انتشارات، اطلاعات و فناوری و مدیریت امور مالی، مورد بررسی قرار گیرد.

مرحله‌ی سوم: راه اندازی سایت فروش آثار دیجیتالی

واحد انتشارات برای ساماندهی، تست و راه‌اندازی سایت فروش، پی‌گیری، ثبت سفارش با ارسال کد کاربری، سامانه‌ی پرداخت آنلاین و گزارش‌گیری و ارسال فایل به خریدار و نظایر این موارد نیاز به استفاده از دو نیروی ثابت در این بخش دارد. بدیهی‌ست این بخش باید با بخش مالی متصل باشد و گزارش‌های مالی فروش آنلاین دیده شود.

* از نظر شما حضور در فضای مجازی چه معایب یا محاسنی دارند؟

پرواضح است که حضور در فضای مجازی سرشار از محاسن است ولی تحقق این امر تنها با کمک واحد آی‌تی و واحد روابط عمومی پژوهشگاه امکان دارد تا آثار منتشر شده‌ی پژوهشگاه در فضای مجازی دیده شود. البته این امر مستلزم آن است که پژوهشکده‌ها نیز هر کتابی که از اعضای هیأت علمی آنها چاپ می‌شود جلسه معرفی، رونمایی و نقد آن را برگزار کنند. انعکاس این جلسات در فضای مجازی کمک مؤثری به معرفی کتاب خواهد کرد.

لازم به توضیح است که مجلات پرتعداد پژوهشگاه علوم انسانی سال‌هاست به صورت دیجیتالی در فضای مجازی منتشر و مورد استقبال فراوان علاقه‌مندان، پژوهشگران، استادان و دانشجویان قرار گرفته است. حدود ۱۶ هزار صفحه مقاله‌ی علمی توسط واحد نشریات انتشارات به صورت سالانه منتشر می‌شود که بخش عمده‌ای از بازدیدکنندگان سایت پژوهشگاه (پرتال جامع علوم انسانی) مخاطبان این مقالات هستند.



* چه چشم‌اندازی از وضعیت فعلی پیش آمده برای انتشارات متصور هستید؟

اگر مشکلات و موانع موجود بر طرف و زیرساخت‌های لازم انجام شود، واحد انتشارات، برنامه‌های درازمدت زیادی دارد که برای تحقق آنها راه زیادی مانده است و می‌توان گفت که ما اکنون در ابتدای راه هستیم.

* برنامه‌های شما در صورت تداوم وضعیت خاص ایجاد شده به دلیل بیماری خطرناک کرونا چیست؟

واحد انتشارات در تمامی این چند ماه حضور کرونا شیفت‌بندی و دورکاری پژوهشگاه با مدیریت پرسنل خود در خانه و اداره توانست کارها را به شیوه‌ی مناسبی برنامه‌ریزی و به ثمر برساند. به‌طوری‌که با تحقق شعار هر هفته یک کتاب توانست در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۹ با وجود تعطیلی عید و دورکاری پرسنل، هفده عنوان کتاب را روانه‌ی بازار نشر کند و رکوردی تاریخی در این شرایط خاص و کرونایی کشور برای واحد انتشارات پژوهشگاه ثبت شود.

* مشکلات یا موانع واحد انتشارات از نظر شما چه مواردی هستند؟

انتشارات پژوهشگاه به عنوان یک نهاد دولتی چابکی لازم برای حضور در همه‌ی عرصه‌های نشر را فعلاً ندارد و مقایسه‌ی آن با ناشران خصوصی قیاسی مع‌الفارق است. چرا که برای اخذ یک تصمیم و اجرای یک حرکت جدید نیاز به رایزنی‌ها و مجوزها و معطلی بسیار برای اخذ نظرات و تأمین مالی و همراهی بخش‌های دیگر وجود دارد که این پروسه برای بخش خصوصی بدین شکل وجود ندارد.

انتشارات همواره در تأمین مالی، آماده‌سازی و چاپ آثار مشکلات جدی دارد به‌طوری‌که در پاره‌ای از زمان به‌ناچار منجر به توقف چاپ آثار می‌شود. این وضعیت پرداخت مالی همواره سرعت چاپ و آماده‌سازی کتاب‌ها را کند و از سرعت حرکت انتشارات به شدت می‌کاهد.

با عنایت به چند برابری شدن شرح وظایف انتشارات که بر اساس شیوه‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و رویکردهای جدید طراحی و برنامه‌ریزی گردید نیاز به نیروهای متخصص و متناسب با عملکردهای جدید است. این در حالی است که انتشارات از نظر تعداد چهار نیرو کمتر از اوایل سال ۱۳۹۷ در اختیار دارد و این امر به نیروهای حاضر در انتشارات فشار مضاعفی وارد می‌کند که با عدالت اداری هم‌خوانی ندارد.

هرچند نگاه مسئولان محترم پژوهشگاه بر آن است که انتشارات، در اولویت امور پژوهشگاه قرار گیرد ولی تاکنون این امر تحقق نیافته است. اگر چه مشکلات فعلی زیاد است اما باید برای انتشارات جایگاه ویژه‌ای قرار داد. انتشارات ویرین محصولات پژوهشگاه است و باید برای عرضه‌ی خوب این محصولات ارزش ویژه‌ای قائل شد.

* گویا آمار انتشارات پژوهشگاه در سال جدید رشد خوبی داشته است، چه کار باید کرد تا

به‌همین روند و تسریع چاپ کتب و ... ادامه دهیم؟

حمایت مالی، همکاری مداوم و اثربخش با انتشارات، تزریق نیروی متخصص به واحد انتشارات، اولویت‌دهی به بخش چاپ آثار در تصمیم‌گیری‌ها به‌ویژه در پرداخت‌های مالی و در رفع موانع کاری و تهیه‌ی زیرساخت‌های لازم برای معرفی آثار پژوهشگاه.

* حرف یا نکاتی که تمایل دارید در خبرنامه مطرح شوند بفرمائید؟

شایان ذکر است موفقیت‌های به دست آمده، در سایه‌ی لطف و عنایت پرودگار متعال، همکاری سایر بخش‌های پژوهشگاه و تلاش شبانه‌روزی معاون انتشارات و دیگر همکاران پرتلاش بخش کتاب و نشریات به سرانجام رسیده است و امیدوارم با تداوم لطف خداوند بزرگ، انجام کارهای جاری و برنامه‌های آینده توسط کارکنان صدیق بخش انتشارات با موفقیت هرچه بیشتر همراه باشد.



رئیس پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات:

این پژوهشکده خود را به‌عنوان بازوی پژوهشی رشته‌ی ارتباطات در کشور در نظر گرفته است

پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات یکی از پژوهشکده‌هایی است که مسائل روز عالم رسانه و ارتباطات را دنبال می‌کند و با نگاه خاصی مسائل این عرصه را زیر نظر دارد. در این شماره از خبرنامه با دکتر سیده‌زهرا اجاق سرپرست این پژوهشکده مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که از نظرتان می‌گذرد:



* به عنوان اولین سؤال از سوابق پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات بفرمائید؟

پژوهشکده‌ی علوم ارتباطی و توسعه یکی از دوازده مؤسسه‌ای بود که در سال ۱۳۶۰ با تصویب هیأت‌دولت به‌هم پیوسته و پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی را تشکیل دادند. اما در حقیقت قدمت این پژوهشکده به سال ۱۳۵۵ می‌رسد. با این حال با توجه به مهاجرت و بازنشستگی اعضای آن در طول سال‌های مدید و پس از ادغام مؤسسات عملاً تا سال ۱۳۹۰ غیرفعال بود. که در این سال تصمیم به فعالیت مجدد آن گرفته شد و با سرعت گرفتن کارها از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۷ هشت عضو هیأت‌علمی برای این پژوهشکده جذب شدند و اکنون یکی از پژوهشکده‌های فعال و در حال توسعه‌ی پژوهشگاه است.

* چه جایگاهی را می‌توان برای این پژوهشکده در حوزه‌ی علم کشور متصور شد؟

برای پاسخ به این سؤال باید از دو جنبه به موضوع نگاه کرد: اول این‌که، رشته‌ی ارتباطات و مطالعات رسانه در کل، رشته‌ی نسبتاً جدیدی است و نسبت به رشته‌های دیگر علوم‌انسانی و اجتماعی، جوان‌تر است. به‌همین دلیل در جریان توسعه‌ی این علم در کشور، دانشگاه‌های مهمی چون تهران و علامه طباطبایی و بعدها دانشگاه امام صادق(ع) و صدا - سیما در سطح آموزشی این رشته را تأسیس کردند. در حال حاضر هم برخی از دانشگاه‌های کشور درصدد هستند تا این رشته را راه‌اندازی کنند. اما در سطح پژوهش، مؤسسه یا پژوهشکده‌ای که متمرکز بر ارتباطات و رسانه‌ها به تحقیق بپردازد وجود نداشته است و تنها اخیراً چند مؤسسه‌ی پژوهشی گروه‌هایی را در این موضوع تأسیس کرده‌اند. این درحالی است که ضرورت و اهمیت توجه به ارتباطات در



توسعه و پیشرفت کشور به اندازه‌ای بوده که در زمان پیش از انقلاب، مؤسسه‌ی پژوهشی مطالعات ارتباطات و توسعه با پژوهشگران مهمی چون مجید تهرانیان، علی اسدی و هرمز مهاد فعال بوده است که انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در علوم ارتباطی و توسعه‌ی ملی و گسترش، نقش پشتیبانی اطلاعات و ارتباطات در توسعه‌ی فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی کشور را برعهده داشته است. این خلأ پس از انقلاب آن‌طور که شایسته‌ی حکومت اسلامی و شعارهای انقلاب اسلامی در دستیابی به استقلال و آزادی باشد، تحقق نیافته است. در نتیجه همان‌گونه که گفتیم، با فهم اهمیت و ضرورت این موضوع، در دهه‌ی اخیر پژوهشکده‌ی ارتباطات در پژوهشگاه با جذب اعضای هیأت‌علمی جوان شکوفا شد تا بتواند با پر کردن این خلأ نقش مهمی در توسعه و پیشرفت کشور ایفا کند.

دوم این‌که، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جایگاه مهمی در پژوهش‌های علوم انسانی دارد و بزرگترین مؤسسه‌ی پژوهشی علوم انسانی در کشور است. چنین پژوهشگاهی برای حفظ جایگاه راهبردی خودش در علوم انسانی نمی‌تواند به رشته‌ی ارتباطات بی‌توجه باشد. از این‌رو، با توجه به نقش مهم و فراینده‌ی رسانه‌ها در دنیا و فضای جهانی‌شده‌ی امروزی، گسترش فعالیت‌های این پژوهشکده در دستور کار قرار گرفت تا مأموریت توسعه و تعمیق مطالعات و تحقیقات در حوزه‌ی ارتباطات، فرهنگ و رسانه را تحقق بخشد.

*** با توجه به جوان بودن اعضای هیأت‌علمی این پژوهشکده و اهداف بلندی که برایش در نظر گرفته‌اید؛ چه سیاست‌هایی برای دستیابی به این اهداف اتخاذ شده است؟**

اول این‌که، تلاش شده افرادی که به‌عنوان عضو هیأت‌علمی در این پژوهشکده جذب شده‌اند، اشخاصی باشند که از نظر علمی و توان پژوهشی بالا بوده و از دانشگاه‌های درجه‌ی یک فارغ‌التحصیل شده باشند. طی این سال‌ها براساس ضوابط قانونی و زیر نظر وزارت محترم علوم روند جذب اعضای هیأت‌علمی در جریان بوده است و تاکنون هفت عضو هیأت‌علمی در این پژوهشکده جذب و همگی مشغول به کار شده‌اند. دوم این‌که، این پژوهشکده خود را به‌عنوان بازوی پژوهشی رشته‌ی ارتباطات در کشور در نظر گرفته و تعاملات نزدیکی با دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی دارد. همچنین در پیوند با نهادهای مهم فرهنگی کشور، این پژوهشکده همکار اصلی کرسی ارتباطات علم یونسکو است و با انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، موزه‌ی ملی علوم و فناوری و غیره تفاهم‌نامه مشترک دارد. علاوه بر این سعی کرده‌ایم تا با مرکز تحقیقات استراتژیک و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات رابطه‌ی مفیدی داشته باشیم. خوشبختانه این پژوهشکده مجوز برگزاری دو رشته در مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌های «مدیریت رسانه» و «دین و رسانه» را هم دارد که به واسطه‌ی پایان‌نامه‌های خوب و هدفمندی که در آنجا تعریف شده، تلاش شده است! بر کمبود نیروی انسانی متخصص در این حوزه که بتواند در اجرای مأموریت و دستیابی به اهداف ملی تلاش کنند، غلبه کنیم. ان‌شاءالله در ادامه‌ی راه هم با جذب اعضای هیأت‌علمی بیشتر و تأسیس رشته در مقطع دکتری این مسیر ادامه می‌یابد.

*** دستاوردهای علمی این پژوهشکده تاکنون چه بوده است؟**

به نسبت سابقه‌ی این پژوهشکده، عملکرد خوبی را از آنها شاهد بوده‌ایم. انتشار چند مجلد کتاب تألیفی و ترجمه‌ای، نگارش فصول مختلف تخصصی در کتاب‌های فارسی و انگلیسی، نشر ده‌ها مقاله‌ی علمی-ترویجی و علمی-پژوهشی توسط اعضای هیأت‌علمی این پژوهشکده و چند مقاله‌ی بین‌المللی نشان می‌دهد که فعالیت‌های علمی این پژوهشکده شایان توجه است.

اخیراً یکی از اعضاء این پژوهشکده برنده‌ی جایزه‌ی بین‌المللی علم اطلاعات و دانش‌شناسی شد. علاوه بر این، مشارکت موزه‌ی ملی علوم کشور همایش علمی «میراث علم و جامعه» را برگزار کرده‌ایم و در برگزاری چند همایش دیگر در داخل یا خارج پژوهشگاه نیز همکاری داشته‌ایم. یکی از همکاران اصلی در برگزاری همایش ارتباطات علم جایزه‌ی مصطفی (ص) بوده است. اعضای هیأت‌علمی آن در کنفرانس‌های بین‌المللی مختلف مانند public communication of Science and Technology و کنفرانس‌های انجمن بین‌المللی ارتباطات، کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌های راهبردی آموزه‌های اسلام در تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز به‌صورت حضوری یا ارسال مقاله شرکت داشته‌اند. تعداد نشست‌هایی که این پژوهشکده برگزار کرده نیز در این سال‌ها سیر صعودی داشته به‌طوری که از یک نشست در سال ۹۵ به ۳۰ نشست در سال ۹۸ رسید.

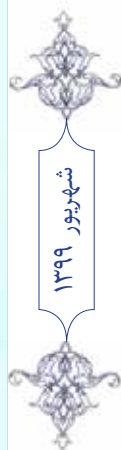
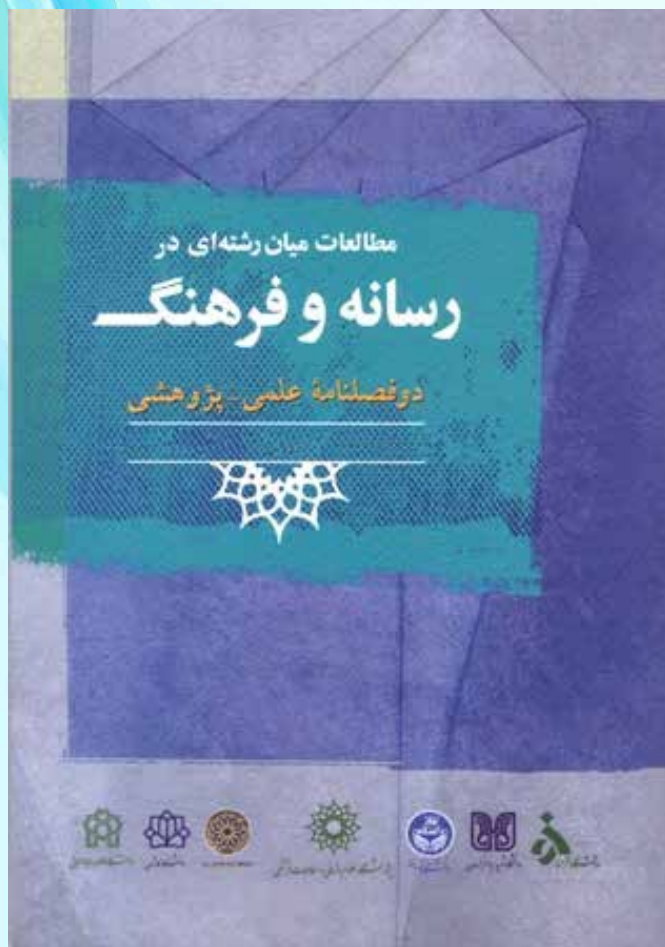


کارگاه‌های خوبی در حوزه‌ی روش تحقیق، نرم‌افزارهای مختلف، ارتباطات علم و روزنامه‌نگاری سلامت برگزار شده که مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفته است. با هدف ترویج دانش و جهت‌گیری آن برای رفع مسائل و مشکلات جامعه، اعضاء این پژوهشکده طرح‌نامه‌های کارفرمایی متنوع و مختلفی را نوشته‌اند که خوشبختانه چند مورد از آنها به تصویب نهایی رسیده یا در حال نهایی شدن هستند. که این نشان می‌دهد پژوهشکده و پژوهشگران آن تا چه اندازه نسبت به شرایط جامعه و مشارکت مؤثر در فرایند حل مسائل آن حساس و فعال هستند. این پژوهشکده از سال ۱۳۹۳ دانشجو جذب کرده و تاکنون حدود ۲۵ پایان‌نامه دفاع شده است (جدول ۵). تعداد طرح‌های پژوهشی موظف و غیرموظف اعضای هیأت‌علمی‌شان هم حدود ۱۵ عنوان است که حدود ۱۰ مورد نهایی شده‌اند. علاوه‌بر این‌ها، در شرایط همه‌گیری ناشی از ویروس کرونا، اعضاء هیأت‌علمی هم طرح‌نامه‌هایی برای پژوهش در این حوزه ارائه کرده‌اند و هم سخنرانی‌هایی در این باره داشته‌اند.

*** موضوعات محوری طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌های دانشجویی در این پژوهشکده چه بوده است؟**
گفت‌وگو و ارتباطات میان فردی، سواد رسانه‌ای و ارتباطات علم و سلامت موضوعات اصلی مورد توجه اعضای هیأت‌علمی در این پژوهشکده هستند اما در حوزه‌ی ارتباطات سیاسی و نشانه‌شناسی برنامه‌های دینی هم پژوهش‌هایی انجام شده یا در دست انجام هستند. پایان‌نامه‌های دانشجویان هم با محوریت موضوعات سواد رسانه‌ای، ارتباطات علم و سلامت، اقتصاد رسانه، مطالعات تطبیقی مدیریت رسانه انجام شده‌اند.

*** این پژوهشکده مجله‌ای هم منتشر می‌کند؟**

بله، فصلنامه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ توسط این پژوهشکده منتشر می‌شود که تاکنون بدون تأخیر انتشار یافته و در زمره‌ی مجلات Q2 وزارت علوم است. مقاله‌های منتشر شده هم بنیادی - فلسفی، اخلاقی و هم کاربردی - تجربی بوده‌اند. مقاله‌ها به رسانه‌های نوین و رسانه‌های قدیمی و ارتباطات انسانی هم پرداخته‌اند و مقالات روش‌شناسی هم در این مجله منتشر شده است. در شماره‌های اخیر به موضوع ارتباطات بحران هم توجه شده است. شرایط جهانی شدن و توسعه‌ی رسانه‌های نوین هم از جمله مواردی است که موضوع مقاله‌های منتشر شده در این فصلنامه بوده است.



پیش‌نویس آیین‌نامه‌ی جذب محققان پسادکتری در پژوهشگاه‌ها تدوین شد

معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با تأکید بر ضرورت استفاده‌ی حداکثری از ظرفیت پژوهشگاه‌ها و جذب محققان پسادکتری ابراز امیدواری کرد که با همکاری امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه، از اعتبارات سالیانه، برنامه‌ی فعالیتی ذیل ردیف بودجه‌ی مؤسسات پژوهشی جهت جذب محققان پسادکتری منظور شود.

به گزارش اداره‌ی کل روابط عمومی وزارت علوم به نقل از دبیرخانه‌ی مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور، دکتر غلامحسین رحیمی روز سه‌شنبه ۴ شهریورماه ۱۳۹۹، در دهمین نشست سال جاری مجمع پژوهشگاه‌های ملی که به میزبانی پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران برگزار شد، با تشکر از اقدامات صورت گرفته توسط مجمع پژوهشگاه‌های ملی کشور در خصوص تدوین آیین‌نامه‌ی پسادکتری، وجود این آیین‌نامه را جهت ساماندهی امور در پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها ضروری دانست. وی با تأکید بر ضرورت اختصاص اعتباری ویژه جهت جذب محققان پسادکتری در بودجه‌ی پژوهشگاه‌ها تصریح کرد: باید زمینه‌ای فراهم شود که بتوان از بودجه‌ی دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی نیز در این زمینه استفاده کرد.

معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم با اشاره به ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی خاص پژوهشگاه‌ها، بر ضرورت ساماندهی فرایند جذب دانشجو در پژوهشگاه‌ها تأکید کرد و گفت: ساماندهی این حوزه نیازمند بحث جدی و مبسوطی است که در اولین فرصت صورت خواهد گرفت و منطقاً پژوهشگاه‌ها نباید در پذیرفتن دانشجوی دکتری همانند دانشگاه‌ها عمل کنند و باید بر حسب ضرورت و به صورت هدف‌مند نسبت به راه‌اندازی رشته‌هایی که در دانشگاه‌ها وجود ندارد، اقدام کنند. دبیر شورای عالی عتف در پایان با اشاره به ظرفیت‌های نهفته این شورا در جذب اعتبارات لازم برای پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و ضرورت بهره‌گیری از این امکان، نکاتی را مطرح کرد و مقرر شد، سازوکار دقیق این اقدام در جلسات آتی مجمع ملی پژوهشگاه‌ها بررسی شود. همچنین در این جلسه که با حضور رؤسای مجمع برگزار شد، پس از خیرمقدم دکتر نکومنش، رئیس پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی، دکتر حسین میرزائی (دبیر مجمع) گزارشی از اقدامات مجمع در قالب چهارکارگروه پسادکتری و دستیاری پژوهشی (با مسئولیت دکتر زهرا رنجبر، رئیس پژوهشگاه رنگ)، کارگروه بودجه و منابع انسانی (با مسئولیت دکتر نسرین نورشاهی، رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، کارگروه مأموریت‌گرایی و تشکیلات (با مسئولیت دکتر نکومنش، رئیس پژوهشگاه پلیمر و دکتر جعفری، رئیس پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله) و کارگروه تجاری سازی (با مسئولیت دکتر عشوری، رئیس سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران) و مشارکت تمام رؤسای پژوهشگاه‌ها که طی یک ماه گذشته جلسات متعددی داشته‌اند، ارائه کرد. در ادامه، دکتر رنجبر، مسئول کارگروه پسادکتری و دستیاری پژوهشی، پیش‌نویس آیین‌نامه‌ی پسادکتری را مطرح و پس از ارائه‌ی نقطه نظرات اعضا، مقرر شد این آیین‌نامه حداکثر تا پایان شهریورماه با همکاری دکتر شریفی، مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری پژوهشی معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، نهایی شده و توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شود.



نشست مشترک پژوهشگاه با صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری برگزار شد

روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۹ دکتر قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به همراه دکتر زهرا پارساپور (معاون کاربردی‌سازی و فرهنگی)، دکتر الهام ابراهیمی (مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی) و دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی (معاون مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی) ضمن بازدید از صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری، در ملاقات با دکتر محمد مهدوی (مشاور صندوق)، به معرفی ظرفیت‌های پژوهشگاه در حل چالش‌های اساسی جامعه و صنعت پرداختند.

در این نشست که به همت مدیریت نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی ترتیب داده شده بود، ابتدا دکتر قبادی ضمن اشاره به قدمت، حوزه تخصصی و کارنامه علمی و عملکرد پژوهشگاه در حل دغدغه‌ها و مسائل جامعه، پژوهشگاه را به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز پژوهشی منطقه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و مهم‌ترین قطب حل چالش‌های اجتماعی فرهنگی برشمرد. در ادامه، دکتر پارساپور به برخی حوزه‌های مورد علاقه و تخصص اعضای هیأت علمی اشاره و دکتر ابراهیمی مصادیق طرح‌ها و افراد دارای تخصص در این حوزه را بیان کرد. در ادامه دکتر میرشاه‌ولایتی به توان پژوهشگاه در کمک به تقویت بنیه نظری علوم اجتماعی محاسباتی اشاره داشت. دکتر مهدوی ضمن استقبال از همکاری با پژوهشگاه، حوزه‌های کاری صندوق را بیان کرده و اذعان داشت که تاکنون بیشتر کمک‌های این صندوق شامل حال شرکت‌هایی شده که در حوزه‌های فنی مهندسی فعال هستند. وی با تأکید بر اهمیت علوم انسانی، مهم‌ترین نقش پژوهشگاه در صندوق را به‌عنوان بازوی مشورتی بیان کرده و ابتکار خلق و مشارکت در رویدادهایی با مضمون اجتماعی فرهنگی را راهکار مؤثری برای همکاری پژوهشگاه با صندوق برشمرد. در پایان این جلسه، ضمن تعریف برخی حوزه‌های مورد علاقه دو طرف، قرار شد در ادامه، پژوهشگاه راه‌کار عملیاتی‌سازی پیشنهادها مطرح شده را ارائه کند.



نام دکتر ندوشن در جمع استادان پراستناد ISC در حوزه علوم انسانی



پایگاه آی.اس.سی نام استادان و پژوهشگران پراستناد در حوزه علوم انسانی را منتشر کرده است. بر اساس این خبر از جمع استادان پراستناد کشور که در پایگاه آی.اس.سی نام برده شده‌اند، نام دکتر محمدعلی سلمانی‌ندوشن از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز می‌درخشد.

دکتر ندوشن عضو هیأت علمی و دانشیار پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی است که در حوزه‌ی ادبیات و زبان‌های پایگاه آی.اس.سی به این موفقیت نائل شده است.



برگزاری جلسه‌ی مجمع رئیسان پژوهشگاه‌های کشور در پژوهشگاه

روز سه‌شنبه ۷ مردادماه ۱۳۹۹، جلسه‌ی مجمع رئیسان پژوهشگاه‌های ملی کشور با حضور دکتر رحیمی شهرباف، معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و مشارکت حضوری و مجازی رئیسان پژوهشگاه‌ها و مراکز و مؤسسات پژوهشی کشور در سالن اندیشه‌ی پژوهشگاه برگزار شد.

در این جلسه موضوعاتی مانند مأموریت‌گرایی و هدف‌مندی پژوهش‌ها در زمینه‌ی حل مسائل کشور، تأمین بودجه و منابع جهت اجرای طرح‌های پژوهشی، گسترش نقش پژوهشگاه‌ها در رفع چالش‌های مهم کشور، متناسب‌سازی شاخص‌های ترفیع و ارتقای اعضای هیأت علمی پژوهشی و رویکردهای تأمین نیروهای پژوهشی و ارتباط با دانشگاه‌ها از جمله موضوعاتی بود که مورد بررسی قرار گرفت.

پس از طرح دیدگاه‌ها و دغدغه‌های پژوهشگاه‌های مختلف در زمینه‌ی رفع مشکل و تسهیل فرایندهای جهت‌گیری برنامه‌ها به منظور ایفای مأموریت‌های پژوهشی؛ دکتر رحیمی با اشاره به پیوند تاریخی علم و جامعه در تمدن اسلامی، بازخوانی میراث علمی ایرانی-اسلامی را مورد تأکید قرار داد و به اولویت پژوهشگری در این سنت فرهنگی پرداخت. معاون پژوهش و فناوری وزیر عتف بر ضرورت ایجاد ارتباط روشن و پایدار میان آموزش و پژوهش، به امکان جذب پژوهشگران پسادکتری برای اجرای طرح‌های هدف‌مند پژوهشی اشاره کرد و از رئیسان پژوهشگاه‌ها خواست که در جهت تدوین آیین‌نامه‌ی مأموریت‌گرایی در این زمینه اقدام کنند.

در پایان این نشست، دکتر رحیمی و همراهان با بازدید از بخش‌های مختلف پژوهشگاه با دستاوردها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی آن آشنا شد و با پژوهشگران گفت‌وگو کرد.



نشست مجازی «هنر در بحران»

نشست بین‌المللی «هنر در بحران» به همت دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با حضور هنرمندان و محققان ایرانی و خارجی روز یکشنبه، ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به صورت مجازی برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر شکوه‌السادات حسینی، مدیر دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران، از هنرمندان و سخنرانان این نشست تشکر کرد و در خصوص دلایل برگزاری این نشست اشاره کرد: ایده‌ی اولیه‌ی این نشست با دیدن کارهایی از هنرمندان در دوران کرونا به ذهن من رسید. در این دوران هنرمندان دست به ابتکارهایی زدند که وجه اجتماعی هنر را بیشتر و آشکارتر نشان داد. به نظر می‌رسد از میان هنرهای مختلف، موسیقی توانسته این نقش را پررنگ‌تر ایفا کند؛ زبان مشترک جهانی و جنبه‌ی ارائه و اجرای موسیقی توانست با ماهیت دنیای مجازی و نیز ارتباط‌های با فاصله، هماهنگی بهتری پیدا کند با این نگاه به سراغ چند هنرمند در زمینه‌ی موسیقی رفتیم که در جاهای مختلف جهان زندگی می‌کنند تا از آنها بخواهیم که درباره‌ی انگیزه‌ها و دیدگاه‌شان نسبت به فعالیت‌های هنری در دوران بحران صحبت کنند.

دکتر حسینی در پایان توضیحات خود اضافه کرد: امروز در حد حوصله‌ی یک نشست مجازی قصد داریم در پنل اول پای سخن هنرمندان مهمان‌مان بنشینیم و از زبان‌شان تجربیات‌شان و دیدگاه‌هایشان را درباره‌ی هنری که به آن مشغول‌اند بشنویم و در پنل دوم، با نگاه‌هایی از منظر فلسفه به پدیده‌ی هنر و ارتباط آن با بحران آشنا شویم.

سپس دکتر روح‌اله حسینی، عضو هیأت علمی دانشکده‌ی مطالعات جهان دانشگاه تهران و مدیر کل دفتر جشنواره‌ها و امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدیریت جلسه را به عهده گرفت.

در پنل اول با عنوان «موسیقی در دوران کرونا» سه موزیسین شرکت کننده در نشست، ابتدا به معرفی فعالیت‌های خود پرداختند و سپس درباره‌ی کارهای شاخص خود در دوران قرنطینه توضیحاتی ارائه کردند.

سمیر، وسام و عدنان سه برادر از شهر رام‌الله، سه عودنوازی که پیام فلسطین را در قالب نت‌های موسیقی به گوش مردم جهان می‌نوازند و تجربه‌ی خود را در بحرانی ریشه‌دارتر به نمایش گذاشته‌اند. دوگانه‌ی جنگ در خیابان و امنیت/ ناامنی در خانه پدیده‌ای است که پیش از کرونا دهه‌ها در زندگی مردم فلسطین مشهود است که سمفونی آن را امثال برادران جبران می‌نوازند. عدنان به نمایندگی از برادران خود، در این نشست به تجربه‌ی کنسرت‌های مجازی در دوره‌ی بحران کرونا پرداخت.

آلدو سباستین چیکینی، ویولونیست ۳۲ ساله‌ی ایتالیایی ساکن میلان عضو ارکستر ملی ایتالیا با تمرین‌های عصرانه در بالکن خانه‌اش جریانی به نام «کنسرت بالکنی» راه انداخت که در فضای مجازی میلیون‌ها بار دیده شد و ایده‌ای شد برای دیگر هنرمندان که دست به ابتکارهای جالبی در این زمینه بزنند. او نیز در ادامه‌ی نشست از تجربه‌ی زیسته‌ی خود در این جریان سخن گفت.

بابک رجبی موزیسین ۳۸ ساله‌ی ایرانی مقیم فرانسه که چند سالی است به‌طور جدی درباره‌ی هنر کاربردی

مشغول فعالیت است، نخستین کسی بود که شعرهای سروده شده درباره‌ی کرونا را که عمدتاً طنزآمیز بود، در قالب ردیف‌های موسیقی ایرانی با عنوان کروناخوانی اجرا کرد. او محتوای آموزشی را در ساختاری سنتی، با رویکردی آموزشی ارائه داده و از یک تهدید جهانی برای آشنایی با فرهنگ بومی فرصتی ناب آفریده است. رجبی در این نشست به تفصیل درباره‌ی تاریخ مواجهه‌ی هنرمندان و شاعران در بحران‌های مختلف تاریخی سخن گفت و از تأثیر کرونا بر کار تخصصی او و تفاوت‌هایی که کرونا بر هنر او گذاشته به نکاتی اشاره کرد.



پنل دوم با عنوان «تحلیل انتقادی رویکرد هنر در بحران» با حضور نوید نادری، آیدین کیخایی، محمدمهدی اردبیلی و مزدک رجبی ادامه یافت.

نوید نادری، دکترای ادبیات (نظریه‌ی ادبی و مطالعات فرهنگی) از دانشگاه دوک در کارولینای شمالی که در حال حاضر بر تاریخ فیلولوژی و «ادبیات جهان» متمرکز است، در این نشست مفهوم «موسیقی جهان» و برخی ساختارهای تاریخی حاکم بر تولید موسیقایی در این فضای فرهنگی تبیین کرد، و به پاسخ‌گویی به این پرسش پرداخت که آیا بحران کرونا اساساً سبب بروز تفاوتی در شیوه‌ی تولید موسیقایی در فضای موسیقی جهان شده است یا خیر؟

آیدین کیخایی، دکترای اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی از دانشگاه یورک کانادا و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که در زمینه‌ی نظریه‌ی انتقادی (به‌ویژه آدورنو) فعالیت می‌کند، سخنان خود را درباره‌ی مسئله «حقیقت و کذب» هنر و وابستگی این مسئله به چگونگی مواجهه اثر هنری با صنعت (جهانی) فرهنگ/سرگرمی آغاز کرد و در نهایت استدلال کرد که پاندمی کرونا روابط اساسی در جهان امروز را تغییر نداده و به همین دلیل تعبیر «پساکرونا» تنها می‌تواند به شکلی کاملاً محدود و متعین مورد استفاده قرار گیرد (و نه در تعابیر عامی مثل جهان پساکرونا).

محمدمهدی اردبیلی، دکترای فلسفه‌ی غرب از دانشگاه تبریز و عضو هیأت علمی گروه فلسفه فرهنگ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با موضوع «امید به هنر» این پرسش را طرح کرد که آیا هنر می‌تواند در زمانه‌ی بحران کاری کند و چه کاری؟ او در این راستا بحث را بر ایده‌ی «رسالت هنر» پیش برد و در نهایت ارزیابی‌ای انتقادی از کارهای انجام‌شده ارائه داد.

مزدک رجبی، دکترای فلسفه‌ی نوافلاطونی و قرون وسطی از دانشگاه شهیدبهشتی در سال ۱۳۸۷، که هم اکنون در آستانه‌ی دفاع از رساله جهت اخذ درجه‌ی دکتری فلسفه‌ی هگل و فلسفه‌ی معاصر از کالج دومینیکن دانشگاه کارلتون شهر اتاوا کانادا و نیز عضو هیأت علمی گروه تاریخ و تمدن غرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است، در این نشست نیز به بررسی این موضوع پرداخت که در جهان ما که وضعیتی است که با مرگ متافیزیک، مرگ دین و مرگ هنر مواجهه است، هنر چه نسبتی با وضعیت ما دارد و در بحران‌هایی مانند بحران اخیر چه واکنشی از سوی به اصطلاح هنر ارائه می‌شود؟ «شتاب به‌مثابه کنش مرکزی و تعلیق نسبت‌مندی» مضمون مرکزی سخن رجبی برای پاسخ به این پرسش بود.

در پایان نشست، سخنرانان در پاسخ به پرسش‌های مدیر پنل و حاضران به بسط ایده‌های خود درباره‌ی «هنر در بحران» و نیز «بحران هنر» پرداختند.



Aldo Cicchini Roohollah Hoseini



نشست تخصصی «ادبیات تطبیقی در ایران؛ حال و آینده»

دویستمین جلسه‌ی گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، در راستای انجام یکی از کلان مسائل کارگروه ادبیات تطبیقی در خصوص «ادبیات تطبیقی در ایران؛ حال و آینده» با سخنرانی دکتر علی‌رضا انوشیروانی در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۳ به صورت مجازی برگزار شد.

در این جلسه، اعضای گروه عربی شورای بررسی متون و تنی چند از استادان متخصص حوزه‌ی ادبیات تطبیقی در ایران از جمله دکتر علیرضا انوشیروانی، دکتر خلیل پروینی، دکتر هادی نظری‌منظم، دکتر تورج زینی‌وند، دکتر صادق عسکری و دکتر حبیبی حضور داشتند.

در ابتدا دکتر عیسی متقی‌زاده، رئیس گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ضمن تشکر از دکتر انوشیروانی که دعوت گروه عربی شورای بررسی متون را پذیرفتند و خوش آمد به همه‌ی میهمانان گرامی و استادان محترم که در نشست تخصصی ادبیات تطبیقی حضور بهم رسانند، گفت: همان‌طور که استحضار دارید یک پرسش اساسی و بنیادی در حوزه‌ی علوم انسانی مطرح است و سال‌ها توجه صاحب‌نظران را جلب کرده و آن اثربخشی و کارایی و کارآمدی علوم انسانی است. از نظر معرفت‌شناسی علوم انسانی با دیگر علوم تفاوت‌های دارد علوم انسانی ذوابعاد است چند وجهی است. پاسخ به پرسش‌های این حوزه دشوار و پیچیده است. این تفاوت در روش‌شناسی علوم انسانی نیز وجود دارد. رشته‌ی زبان و ادبیات عربی حوزه‌های گسترده‌ای دارد از سبک‌شناسی و علوم بلاغی و علوم زبانی گرفته تا ادبیات معاصر و تاریخ ادبیات و نقد ادبی و ... یکی از این حوزه‌ها ادبیات تطبیقی است. و آن پرسش این‌جا هم مطرح است که ادبیات تطبیقی به چه کار می‌آید؟ این‌که یک شاعر ادبیات عربی را با یک شاعر ادبیات فارسی مقایسه کنیم چه کاربردی دارد؟ جناب‌عالی سال‌ها در این حوزه کار کردید، قلم زدید، مقاله نوشتید و تدریس کردید. در مقالات خود آسیب‌شناسی کردید. امروز علاقه‌مند هستیم راه‌کارهای برون‌رفت از این آسیب‌ها را تبیین بفرمایید. تا استادان و پژوهشگران ما دورنمای این رشته را راحت‌تر و دقیق‌تر بتوانند ترسیم کنند.

قبل از سخنرانی دکتر انوشیروانی، دکتر ابویسانی مقدمه‌ای پیرامون وضعیت ادبیات تطبیقی و تألیفات مختلف در این زمینه در رشته‌ی زبان و ادبیات عربی ارائه کرد که بخشی از آن در پی می‌آید:

آنچه در پی می‌آید به برخی فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی در حوزه‌ی زبان و ادبیات عربی در ایران اشاره دارد. شاید بتوان گفت، ورود به این حوزه به‌طور رسمی با نگارش کتاب «فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام» توسط محمد محمدی؛ مدیر وقت گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان آغاز شد که در سال ۱۳۲۳ ه.ش انتشار یافت و به بررسی تأثیر برخی جریان‌های مؤثر فارسی پهلوی بر ادبیات و تمدن عربی-اسلامی پرداخت. پس از آن کتاب «متنبی و سعدی و مأخذ مضامین سعدی در ادبیات عربی» اثر حسین‌علی محفوظ را می‌توان نام برد که در ۱۳۳۶ به چاپ رسید و تأثیرپذیری سعدی شیرازی از مضامین متنبی را تصویرگری کرد. «مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن» در سال ۱۳۴۶ به همت فارس ابراهیمی حریری به رشته‌ی تحریر در آمد که اطلاعات ارزشمندی را به خواننده ارائه کرد. ویکتور ال‌کک؛ نویسنده‌ی لبنانی در ۱۳۵۰ با کتاب «تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی» رابطه‌ی منوچهری را با ادبیات و میراث ادب عربی به تصویر کشید. «یادداشت‌ها و اندیشه‌ها»، «نه شرقی نه غربی، انسانی»، «از گذشته‌ی ادبی ایران» و دیگر آثار عبدالحسین زرین‌کوب، گام بلند دیگری در این حوزه بود. محمدرضا شفیعی کدکنی با تألیفات خود مانند «صور خیال در شعر فارسی» از تأثیر صور خیال عربی و فارسی در یکدیگر سخن گفت. جلال ستاری در «افسون شهرزاد» و «پیوند عشق میان شرق و غرب»، ریشه‌های هزارویک شب و مانند آن را میان شرق و غرب و ایران و عرب بررسی کرد. آذرتاش آذرنوش رابطه‌ی زبان و فرهنگ ایران و عرب را در «راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی» و «چالش میان فارسی و عربی»، گفتمان‌کاوی کرد. و دیگران و دیگرانی مانند خسرو فرشیدورد، جعفر سبحانی، فاطمه‌ی صنعتی‌نیا، نظام‌الدین نوری، محمد دامادی، امیر محمود انوار، و بهاء‌الدین خرمشاهی نیز آثار ارزشمندی در این زمینه از خود به جای گذاشتند که هرکدام قابل تقدیر و احترام است.

در سال‌های اخیر اما، در این حوزه، تلاش‌های ویژه‌ای از جانب گروه‌های زبان و ادبیات عربی کشور صورت گرفته که با راه‌اندازی مجله‌ها و نشریه‌های متعدد، نقش قابل‌توجهی در ارتقاء و پیشرفت جایگاه ادبیات تطبیقی ایفا نمود و در کنار مقاله‌های متعدد و متنوع منتشر شده در آنها، تألیف‌ها و ترجمه‌های ارزشمندی



نیز توسط استادان زبان و ادبیات عربی انتشار یافته است. در این میان البته، نباید از نقش و جایگاه دو نهاد تأثیرگذار دیگر؛ یعنی «بخش عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی»، و «انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی» غافل شد که به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲ تشکیل شدند و روح تازه‌ای در فعالیت‌های یاد شده دمیدند. این دو نهاد علاوه بر تلاش‌های متعدد و پیگیر خود، دو مجله نیز راه‌اندازی کردند که بخشی از مقالاتشان با رویکرد ادبیات تطبیقی منتشر می‌شود. بعد از این مقدمه، سخنرانی دکتر علی‌رضا انوشیروانی آغاز شد که گزارش آن به شرح ذیل است:

سخنرانی دکتر علی‌رضا انوشیروانی (نگاهی به وضعیت امروز و آینده‌ی ادبیات تطبیقی در ایران)



دکتر علی‌رضا انوشیروانی با تشکر از ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و ریاست گروه عربی شورای بررسی متون، به‌عنوان متولیان برگزاری این نشست، به ارائه‌ی سخنرانی خود پرداخت. وی در مقدمه‌ی صحبت خود گفت که ادبیات تطبیقی در ایران امروز وضعیت مناسبی ندارد و در بحران به سر می‌برد. بحران به این معنا که هنوز تعریف دقیقی از دانش ادبیات تطبیقی، نظریه‌ها و روش تحقیق و شاخه‌های تخصصی آن نداریم و از امکانات اولیه لازم برخوردار نیستیم. وی اشاره کرد؛ برای برنامه‌ریزی آینده‌ی ادبیات تطبیقی در ایران لازم است نگاهی به گذشته داشته باشیم و یک ارزیابی انتقادی داشته باشیم؛ فقط در این صورت می‌توانیم ضعف‌های خود را شناسایی کنیم و برای رفع آنها کمر همت ببندیم. در غیر این صورت امیدی به گسترش علمی ادبیات تطبیقی در ایران نیست. بخشی از سخنان وی در زیر آمده است:

نگاهی گذرا به گذشته‌ی مطالعات ادبی در ایران بیانگر این نکته است که ما هیچ‌گاه رشته‌ای آکادمیک با نام ادبیات تطبیقی نداشته‌ایم. کارهای ارزشمندی هم که شده است از سر ذوق و استعداد و علاقه‌ی شخصی بوده و هیچ‌گاه ساختار علمی نظام‌مند و مستمری نداشته است. مرحوم دکتر فاطمه سیاح که از او به‌عنوان اولین استاد ادبیات تطبیقی در ایران نام می‌بریم دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی ادبیات فرانسه بود و رساله‌ی این بانوی فرزانه درباره‌ی آناتول فرانس (۱۸۴۴-۱۹۲۴) نویسنده و شاعر فرانسوی بود. لذا همواره در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی با چالش‌های زیادی روبه‌رو بودهایم که همه بر آن اشراف داریم. اجازه بدهید به اهم این چالش‌ها در گذشته اشاره‌ای بکنم تا بعد به راه‌کارها برسیم. بدون چراغ گذشته نمی‌توان راه آینده را دید. گرایش ادبیات تطبیقی از نیمه‌ی دوم دهه‌ی هشتاد شمسی در برخی از دانشگاه‌ها آغاز شد. این تلاش قابل تقدیر بود ولی چون با مشورت و همکاری گروهی همراه نبود خود به چالشی تبدیل شد. تعریفی دقیق و به روز از ادبیات تطبیقی نداشته‌ایم و امکانات اولیه همچون نیروی انسانی متخصص و متون درسی لازم را در اختیار نداشته‌ایم. این گرایش با شتاب‌زدگی و هیجانی آغاز شد و مشکلات آن بعد نمایان شد. آیا گرایش ادبیات



تطبیقی در ادبیات فارسی قرار بود عملکردی مانند مثلاً گرایش ادبیات عرفانی یا ادبیات معاصر داشته باشد؟ یعنی متخصص تربیت کند؟ این کار با گنجانیدن چند واحد درسی که عمدتاً مدرس متخصص و متون تخصصی برای آن نداشتیم در بیشتر دانشگاه‌ها میسر نبود. نقشه‌ی راه را در اختیار نداشتیم و مسیر درست ریل‌گذاری نشده بود. با آزمون و خطا جلو می‌رفتیم.

اصولاً ادبیات تطبیقی با نظریه و نقد ادبی همگرایی دارد و ادبیات تطبیقی‌ای که با رنه ولک آغاز شد، با نظریه و نقد شروع شد و تا سال‌ها تدریس دروس نظریه و نقد ادبی بر عهده‌ی استادان ادبیات تطبیقی بود و تمام گروه‌های ادبیات دیگر تا چند دهه برای تدریس دروس نظریه و نقد ادبی از استادان ادبیات تطبیقی استفاده می‌کردند. من شخصاً محصول این دوران هستم و چنین است که به نظریه و نقد در قلمرو ادبیات تطبیقی بیشتر علاقه‌مندم. ما چنین استفاده‌ای از استادان ادبیات تطبیقی نکردیم چون استادان ما برای این کار تربیت نشده بودند.

از طرف دیگر، باید توجه کنیم که ادبیات تطبیقی تعریف واحدی ندارد یعنی نظریه واحدی ندارد و همیشه تغییرات و چرخش‌هایی داشته است و پارادایم‌های مختلفی را از ابتدا تاکنون طی کرده است که ورود به آن بحث امروز ما نیست. اما بدون تردید ادبیات تطبیقی را باید با مشورت و همکاری استادان ادبیات ملی و بیگانه تدریس کرد. ادبیات تطبیقی تفاوتش با ادبیات ملی در همین نکته است. ادبیات تطبیقی کاری جمعی است. ادبیات تطبیقی یعنی تعامل با ادبیات و فرهنگ سایر ملل و سایر رشته‌های هنری و علوم انسانی. ما در ایران این ارتباط را برقرار نکردیم و خود را به تشابهات سطحی بین ادبیات فارسی و عربی و گاه نامرتبط محدود کردیم و به ادبیات سایر ملل توجهی نکردیم. شرح این ماجرا را در مقاله‌ی «ناسامانگی ادبیات تطبیقی در ایران» آورده‌ام. ما

هنوز مسئله دانستن چند زبان را در ادبیات تطبیقی حل نکرده‌ایم. ادبیات تطبیقی ماهیتاً مثل پلی است که جزایر مختلف را به همدیگر وصل می‌کند. ادبیات تطبیقی باید ادبیات و فرهنگ ملل مختلف را به همدیگر وصل می‌کند و بستر تعاملات فرهنگی و ادبی را فراهم آورد. ما هنوز از توانمندی‌های موجود خودمان درست استفاده نکرده‌ایم.

ما به دنبال راه اندازی رشته‌ی ادبیات تطبیقی نبوده‌ایم و برای آن هم برنامه ریزی نکرده‌ایم و به نظر نمی‌رسد تمایل و اراده‌ای هم وجود داشته باشد. هیچ ایرادی ندارد برای شروع کار ما رشته‌ی ادبیات تطبیقی را از نظر مدیریت در گروه زبان و ادبیات فارسی قرار دهیم ولی باید از نظر علمی و نظری برای آن استقلال قائل شویم و نیروی انسانی مورد نیاز را تربیت کنیم. بدیهی است با تعداد اندکی متخصص نمی‌شود یک رشته علمی را راه‌اندازی کرد. اگرچه ما شاهد فعالیت‌های پراکنده خوبی در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی بوده‌ایم ولی این فعالیت‌ها هیچ‌کدام به سرانجام آکادمیک مشخصی نرسیده‌اند.

به راستی متولی رشته‌ی ادبیات تطبیقی کیست؟ کدام گروه و چه افرادی مسئولیت این رشته را بر عهده دارند؟

گروه زبان و ادبیات عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی
با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی
برگزار می‌کند:

نشست تخصصی:

ادبیات تطبیقی در ایران؛ حال و آینده

سخنران:
دکتر علیرضا انوشیروانی
(استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه شیراز)

دبیر علمی نشست:
دکتر حسین ابویسانی

زمان: پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۰ تا ۱۳

به صورت مجازی

شهریور ۱۳۹۹



متأسفانه هنوز نمی‌دانیم ادبیات تطبیقی مانند هر رشته‌ی دیگری زیرشاخه‌های خود را دارد و با رشته‌های دیگر ارتباط دارد. در حال حاضر در رشته‌های ادبیات بیگانه یک یا دو درس اختیاری ادبیات تطبیقی داریم که این به هیچ وجه کارگشا نیست، و از طرف دیگر مدرسان این درس هم بعضاً متخصص ادبیات تطبیقی نیستند. از این رو است که بسیاری از مقالات و پایان‌نامه‌های نوشته‌شده در گرایش ادبیات تطبیقی مشکلات فراوانی دارند. سطحی‌نگری و تقلیل ادبیات تطبیقی به کشف شباهت‌های ظاهری و بدون در نظر گرفتن زمینه و بافت بسیار به چشم می‌خورد.

به‌طور تقریبی هر سال به بیش از ۲۰۰ دانشجوی در گرایش ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های دولتی و پیام نور و آزاد پذیرش می‌دهیم. علاوه بر این بیش از ۱۰ مجله تخصصی در حوزه ادبیات تطبیقی داریم که همه تقریباً در یک حوزه‌ی خاص یعنی تأثیر و تأثر و توارد فعالیت می‌کنند. این درحالی است که مثلاً در کشور هند سه یا چهار مجله‌ی تخصصی و در ایالات متحده بیش از پنج مجله‌ی تخصصی ادبیات تطبیقی وجود ندارد، درحالی‌که ادبیات تطبیقی در این کشورها مستقل است و تا مقطع دکتری ادامه دارد و استاد متخصص تربیت می‌کند. دو دانشگاه در ترکیه رشته‌ی ادبیات تطبیقی دارند و مدرک دکتری تخصصی می‌دهند. ما در ادبیات تطبیقی به انسداد و بن‌بست رسیده‌ایم؛ گواه این مدعا، درد دل و نارضایتی دانشجویان گرایش ادبیات تطبیقی است.

حال برای برون‌رفت از این مشکلات و حل چالش‌ها چه باید کرد؟ اول باید متولی این رشته را مشخص کنیم که قطعاً یک نفر و یا یک گروه نیست باید برنامه‌ریزی آموزشی و علمی درستی صورت گیرد و از تمامی رشته‌های مرتبط استفاده شود. نباید در برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی شتاب‌زده عمل کنیم. باید بتوانیم از طریق ادبیات تطبیقی ادبیات و فرهنگ خودمان را به دنیا بشناسانیم. نکته‌ی دیگر این‌که باید استادان متخصص این رشته را تربیت کنیم. در کوتاه مدت می‌توانیم دوره‌های بازآموزی بگذاریم تا استادان متخصص این حوزه تربیت شوند. از مجوز دادن‌های فله‌ای خودداری کنیم. نباید دانشگاه‌هایی که استاد متخصص و امکانات علمی لازم را ندارند مجوز راه اندازی گرایش ادبیات تطبیقی بگیرند. مجلات فعلی ایران در حوزه ادبیات تطبیقی هم باید تخصصی شوند و هر کدام به شاخه‌ای خاص از پژوهش‌های ادبیات تطبیقی اختصاص یابند. اما اساسی‌ترین راه‌حل برنامه‌ریزی درسی علمی و به‌روز است.

در پایان پیشنهاد می‌کنم که یک دانشگاه در ایران که دارای استاد و امکانات آموزشی و پژوهشی لازم است انتخاب شود و در «رشته» ادبیات تطبیقی دانشجوی ارشد و دکتری بپذیرد و به صورت مجازی از استادان متخصص سایر دانشگاه‌ها استفاده کند. گرایش ادبیات تطبیقی هم می‌تواند با بازنگری به راه خود ادامه دهد. باز هم می‌گوییم که گسترش و تقویت رشته‌ی ادبیات تطبیقی در گرو عزم و همکاری علمی رشته‌های مختلف است. ادبیات تطبیقی یعنی آموختن از یکدیگر.

در پایان دکتر انوشیروانی اظهار امیدواری کرد که این‌گونه جلسات مجازی به صورت مرتب ادامه یابد و در هر جلسه یکی از استادان ادبیات تطبیقی نظرها‌های خود را مطرح کند یا یک موضوع خاص به صورت میزگرد مورد بررسی قرار گیرد.

در پایان، دکتر متقی‌زاده، ضمن جمع‌بندی چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران، تأکید کرد که باید از راه‌کارهای ارائه شده توسط دکتر انوشیروانی استفاده شود: تعیین متولی ادبیات تطبیقی، دوری جستن از کارهای انفرادی و توجه به فعالیت‌های جمعی، توسعه‌ی ادبیات تطبیقی در ایران با تأسیس رشته‌ی ادبیات تطبیقی به همراه یک برنامه‌ی آموزشی متنوع، تربیت استادان متخصص و توانا در حوزه ادبیات تطبیقی. دکتر متقی‌زاده راه‌کارهای پیشنهادی دکتر انوشیروانی را برای برون‌رفت از انسداد به وجود آمده در حوزه ادبیات تطبیقی را مؤکد کردند.

نظرات و پرسش‌های حاضران در جلسه

در بخش دیگر جلسه، حضار شرکت‌کننده در این جلسه نظرات و یا سؤالات خود را مطرح کردند که در ادامه می‌آید:

دکتر محمد خاقانی (استاد گروه عربی دانشگاه اصفهان)

ابتدا دکتر محمد خاقانی اصفهانی، ضمن اعلام تجربه‌ی همکاری گروه عربی دانشگاه اصفهان با یکی از دانشگاه‌های لبنان در خصوص ادبیات تطبیقی، بیان داشت که گروه عربی دانشگاه اصفهان، اولین گروه عربی



کشور است که قرارداد راه‌اندازی دوره مشترک زبان عربی با یک کشور خارجی (لبنان) در دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری دارد. وی اذعان کرد که پس از طرح و بررسی چالش‌های موجود در چگونگی برگزاری این دوره‌های تحصیلی مشترک، گروه عربی اصفهان به این نتیجه رسید که راه‌اندازی رشته‌ی ادبیات تطبیقی به منظور تحقق اهداف این دوره‌های مشترک ضرورت دارد و برنامه‌ی درسی آن هم مکتوب شده است که این امر نیازمند پیگیری مدیر کنونی گروه عربی دانشگاه اصفهان است. نکته‌ی دیگری که دکتر خاقانی مطرح کرد، طرح نشان مرجعیت در زبان عربی بود که در این طرح ۲۰ گروه تخصصی از جمله گروه ادبیات تطبیقی وجود دارد؛ گروه ادبیات تطبیقی خوشبختانه از بقیه‌ی گروه‌ها بسیار فعال‌تر است و به زودی سرآمد پژوهشی این گروه مشخص خواهد شد و نشان مرجعیت تقدیم‌شان خواهد شد. وی هم‌چنین به سخنرانی دو سال پیش دکتر انوشیروانی در دانشگاه اصفهان اشاره کرد که در آن استادان و دانشجویان رشته‌های مختلف مانند ادبیات فارسی، ادبیات انگلیسی، ادبیات فرانسه، و رشته‌های هنری حضور داشتند.

دکتر هادی نظری منظم (دانشیار گروه عربی دانشگاه تربیت مدرس)

وی ابتدا از همکاری و زحمات دکتر انوشیروانی برای راه‌اندازی نشریه ادبیات تطبیقی فرهنگستان قدردانی کرد که از طریق تألیف و ترجمه راه را برای طرح نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی گشود. وی سپس در تکمیل سخنان دکتر انوشیروانی دو پیشنهاد برای برون‌رفت از وضعیت نابسامان ادبیات تطبیقی در ایران مطرح کردند، اول این که باید علاوه بر تأسیس رشته‌ی ادبیات تطبیقی در ایران، انجمن ادبیات تطبیقی نیز تأسیس شود. پیشنهاد دیگر این که باید به فارغ‌التحصیلان رشته‌ی ادبیات تطبیقی نیز اندیشه شود که قرار است آینده‌ی شغلی این دانشجویان کجا باشد؟ آیا با نهادهایی مثل بنیاد ایران‌شناسی یا غیره، هماهنگی برای اشتغال دانشجویان تطبیقی شده است یا خیر؟ او هم‌چنین با اشاره به مقاله دکتر انوشیروانی در مورد نابسامانی اوضاع ادبیات تطبیقی و اعتقادش به خطای تطبیق‌گران عرب در توجه به وام‌واژه‌ها به عنوان یکی از عرصه‌های تطبیق‌گری، اظهار داشت: مبحث وام‌واژه‌ها را می‌توان در ذیل مباحث مطالعات ترجمه‌ی ادبیات تطبیقی قرار دهیم. اگر وام‌واژه‌ها در متون ادبی مثل شعر و داستان به کار رفته‌اند می‌توانند در ادبیات تطبیقی بررسی شوند. نکته دیگر اینکه، رویکرد غالب ادبیات تطبیقی در ایران در گذشته از زمان مرحوم فاطمه سیاح تا اوایل انقلاب، رویکرد فارسی-غربی و به‌ویژه فارسی-فرانسوی بوده است، اما با این حال باز هم رشته‌ی ادبیات تطبیقی در ایران تأسیس نشده است. شاید دلیل بی‌توجهی مسئولان ما به این رشته در این سخن دکتر حسام‌الخطیب است که می‌گوید: ادبیات تطبیقی ماهیتی فرهنگی و صرفاً علمی دارد و در پی سیاست‌ورزی و جانب‌داری‌های سیاسی نیست لذا چندان مورد توجه مادی و معنوی مسئولان قرار نگرفته است. پاسخ دکتر انوشیروانی: طه ندا در مورد گنجاندن بحث وام‌واژه‌ها در ذیل ادبیات تطبیقی اشتباه کرده و باعث بدفهمی شده است. ندا زبان‌شناسی تطبیقی را با ادبیات تطبیقی خلط کرده است. بحث ترجمه و ادبیات تطبیقی هم مفصل است که آن هم متأسفانه در ایران بدفهمیده شده است و باید در نشست دیگری بدان پرداخت.

دکتر حجت رسولی (استاد گروه عربی دانشگاه شهید بهشتی)

وی با تأیید گفته‌های دکتر انوشیروانی به چند نکته در این باره اشاره کرد. نکته‌ی اول این که ما باید شرایط موجود و ضعف خود را بپذیریم و اگر قرار است نقد کنیم اول خودمان را نقد کنیم تا بدانیم کجای کار هستیم. ما واقعاً روحیه‌ی کار جمعی نداریم و علت آن این است که ما به‌طور کلی در حوزه‌ی فرهنگ، مشکل یا مسئله و در نهایت طرحی کلان برای انجام کار جمعی نداریم و راه برون‌رفت را پیدا نکرده‌ایم. متأسفانه نگاه ما در این حوزه‌ها به نظریات غرب است و لذا کمتر اندیشه می‌کنیم. وضعیت فعلی ادبیات تطبیقی هم تابع مشکلات جامعه بزرگ ما در مشرق زمین است. یکی از راه‌کارهای برون‌رفت از مشکلات ادبیات تطبیقی در ایران این است که ما باید به گذشته‌ی ادبیات عربی و ادبیات فارسی رجوع کنیم و ببینیم این ادبیات‌ها چه مسیری را طی کرده است، اندیشمندان این ادبیات‌ها چه اندیشه‌هایی داشته‌اند و چه تولیداتی داشته‌اند. نکته‌ی دیگر این که ما در فعالیت‌های دانشگاهی دچار آفت بزرگی هستیم، این که متأسفانه شیفته‌ی مکاتب و نظریات جدیدی هستیم و سعی می‌کنیم این مکاتب یا نظریات را بدون فهم کامل، بر روی آثار ادبی مختلف اجرا کنیم و متأسفانه در ادبیات تطبیقی هم بدون تخصص به این حوزه ورود می‌کنیم غافل از اینکه، کسی که قرار



است در این حوزه وارد شود باید ابتدا در یک رشته یا حوزه تخصص کافی کسب نماید و سپس وارد ادبیات تطبیقی شود. دکتر رسولی در پایان پرسیدند که آیا ادبیات تطبیقی یک دانش است یا یک روش؟ هرچند بیشتر تمایل دارم که بگویم ادبیات تطبیقی یک روش است اما اطمینان کامل ندارم.

پاسخ دکتر انوشیروانی: سؤال بسیار خوبی است. امیدوارم بتوانم در این فرصت کوتاه به آن پاسخ بدهم. اجازه بدهید ابتدا قدری در مورد این واژه «تطبیقی» توضیح بدهم. امر «تطبیق» به قدمت خود بشر است و تازگی ندارد. ما در زندگی روزمره همه چیز را با هم می‌سنجیم و مقایسه می‌کنیم. دانش‌های دیگری هم داریم مانند اقتصاد تطبیقی، آموزش و پرورش تطبیقی، فلسفه‌ی تطبیقی و آناتومی تطبیقی که واژه «تطبیقی» در همه‌ی آنها به کار رفته است و همان امر تطبیق و مقایسه از آن مراد می‌شود. ما می‌توانیم دو شاعر یا نویسنده ملی را هم با هم مقایسه کنیم. می‌توانیم حافظ را هم با مولوی مقایسه کنیم یا تطبیق دهیم. این کار هیچ ایرادی ندارد و بسیار هم انجام شده است. دو نویسنده از دو فرهنگ مختلف را هم می‌توانیم با هم مقایسه کنیم. ولی این «ادبیات تطبیقی» نیست. ادبیات تطبیقی به عنوان یک رشته‌ی آکادمیک دارای چارچوب نظری مشخصی است که پوست در فصل سوم کتاب درآمدی بر ادبیات تطبیقی آن را توضیح داده است. برخی از دوستان می‌گویند که ما از قرن‌ها پیش در فلان ادبیات یا فرهنگ «ادبیات تطبیقی» داشته‌ایم و شاهد مثال می‌آورند که فلان پژوهشگر در گذشته شعر فلان شاعر را با شعر فلان شاعر مقایسه کرده است. این دوستان کاملاً درست می‌گویند. ما تطبیق شاعران و نویسندگان را از گذشته‌ی دور داشته‌ایم ولی هر «تطبیقی» ادبیات «تطبیقی» نیست. از همین جاست که لفظ «تطبیقی» در ادبیات تطبیقی در دسرساز شده است و برخی چنین می‌پندارند که هر تطبیقی «ادبیات تطبیقی» است. من در یک سخنرانی ده سال پیش در دانشگاه علامه طباطبایی گفتم ادبیات تطبیقی «تطبیقی» نیست. وقتی من از «ادبیات تطبیقی» به‌عنوان دانشی نوپا صحبت می‌کنم مرادم یک رشته‌ی دانشگاهی است که امروز در بیش از دویست دانشگاه معتبر دنیا در شرق و غرب دایر است و مدرک دکتری می‌دهد؛ نظریه‌پرداز دارد و ده‌ها انجمن ملی و یک انجمن بین‌المللی معتبر (ICLA) با حدود پنج هزار عضو از سراسر دنیا دارد. ادبیات تطبیقی هدفش «تطبیق» نیست؛ از تطبیق نهایتاً به مثابه ابزار و وسیله استفاده می‌کند. در «ادبیات تطبیقی» هدف پی بردن به ارتباطات بین ادبیات ملل مختلف است و این‌که چگونه این ارتباطات به غنای ادبیات ملی و تعاملات فرهنگی کمک کرده است و مهم‌تر این‌که این فرهنگ‌ها از یکدیگر چه آموخته‌اند و چگونه آن را جذب و از آن خود ساخته‌اند. در ادبیات تطبیقی بحث مهم همین از آن خودسازی و خلاقیت است که متأسفانه مورد توجه ما قرار نگرفته است. تفاوت ادبیات تطبیقی با سایر دانش‌های تطبیقی در همین نکته‌ی ظریف و در عین حال پیچیده است. اگر به این نکته توجه کنیم آن وقت پذیرفتن این‌که ادبیات تطبیقی یک رشته یا دیسپلین آکادمیک است، آسان می‌شود. بسیاری از پژوهش‌های ما صرفاً «تطبیقی» است و نه «ادبیات تطبیقی». حال که این نکته را توضیح دادم این را هم اضافه کنم که ادبیات تطبیقی می‌تواند به‌مثابه‌ی یک رویکرد در نقد ادبی هم به کار گرفته شود. ما نقد تطبیقی هم داریم. این‌که ما از ادبیات تطبیقی به‌مثابه‌ی رویکردی در نقد استفاده کنیم، تناقضی با این‌که ادبیات تطبیقی مجموعه‌ای از دانش بشری باشد ندارد. مسلماً ادبیات تطبیقی به‌عنوان یک رویکرد کاربرد محدودتری دارد ولی به‌مثابه‌ی یک دانش حوزه‌ی بسیار گسترده‌تری با نظریه‌ها و روش‌های تحقیق مشخص دارد که توضیح آن مجال دیگری می‌طلبد.

دکتر فرامرز میرزایی (استاد گروه عربی دانشگاه تربی مدرس)

بنیست «ادبیات تطبیقی» که دکتر انوشیروانی گفتند، منحصر به ایران نیست، بلکه در اروپا و آمریکا هم، این بن‌بستی رخ داد. مقاله «ادبیات تطبیقی: روش‌ها و معضلات» از «مانوئلا موارثو»، این را نشان می‌دهد. «ایتامبل» آینده ادبیات تطبیقی را تاریک، «روزنمیر» آن را تحقیقات حاشیه‌ای می‌داند و «پرلوف» آن را «رشته‌ای که مردم را برای آینده بدون شغل آموزش می‌دهد» می‌نامد. رنه ولک هم آن را در اصطلاح عنوان، روش و هدف غائی مشکل بلکه بحران زده می‌داند. فرانسوا یوست خوشبینانه، راه نجات آینده ادبیات تطبیقی را تبدیل آن به یکی از رویکردهای نقد ادبی دانست (چشم‌انداز ادبیات تطبیقی، ترجمه دکتر انوشیروانی) این چشم‌انداز روشن نیست زیرا آن را تبدیل به ابزاری برای نقد ادبی می‌کند. این مشکل ناشی از ذات ادبیات تطبیقی است، زیرا دانشی تعریف نشده و بیحد مرز شده است که همه‌ی دانش‌های بشری را دربر می‌گیرد و این یعنی هیچ. در ایران هم از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۹۱ بیش از ۷۰۰ مقاله چاپ شده است که ۷۵ درصد آن فقط از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ نوشته شده است و شگفت آن‌که ۶۵ درصد این مقالات بررسی مضامین مشترک است. یک سونامی کور از چاپ



مقالات تکراری و مبتذل به نام ادبیات تطبیقی. نتیجه اینکه: بن‌بستی ادبیات تطبیقی طبیعی است، زیرا در اروپا و آمریکا هم همین‌گونه بوده است. علت آن هم تعریف‌نشده‌گی و بی‌حدومرزی آن است که چهارچوب‌های یک دانش بشری را ندارد. حداکثر می‌تواند یک روش یا ابزار پژوهشی مؤثر برای تحقیقات بینارشته‌ای باشد. تلاش برای ایجاد رشته‌ی ادبیات تطبیقی به شکل درست نشدنی است. در ایران نیز همان تجربه تکرار شده است، با این تفاوت که سرعت آن به خاطر توسعه‌ی غیرهدفمند دانشگاه‌ها، خیلی زیاد بود. ضمن اینکه مطابقت‌گران ایرانی غالباً روش اجرای آن را هم رعایت نکرده‌اند.

پاسخ دکتر انوشیروانی: بخشی از پاسخ را در سؤال قبلی توضیح دادم و چون وقت کم است سخن را کوتاه می‌کنم. با جناب دکتر میرزایی موافقم که ادبیات تطبیقی در آمریکا و اروپا هم با بحران روبه‌رو بوده است. کجا روبه‌رو نبوده است؟ من اصولاً بحران را پدیده‌ای منفی نمی‌دانم اگر باعث شود ما به راه کار و برون‌رفت از بحران بیندیشیم و چاره‌اندیشی کنیم. از این منظر بحران می‌تواند منشأ پیشرفت و تحول باشد. رنه ولک حدود هفتاد سال پیش ایراداتی بر مکتب اثبات‌گرایی فرانسوی گرفت و نظریه جدیدی ارائه داد تا آن بحران ادبی را حل کند. گزارش برنهایمر، ادبیات تطبیقی در عصر چند فرهنگی (۱۹۹۵) سومین گزارش انجمن ادبیات تطبیقی امریکاست. بعد در سال ۲۰۰۴ گزارش هاون ساوسی و آخرین آن هم گزارش ۲۰۱۷ اورسولا هیس است. این گزارشات با هم متفاوت است چون در برهه‌های زمانی مختلف نوشته شده است. فعلاً بحث من تحلیل این گزارش‌ها و مقالات نیست و نمی‌شود اصولاً گفته‌ای را بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی و فرهنگی و تاریخی آن درست تفسیر کرد. زمینه‌زدایی باعث بدفهمی مفاهیم می‌شود. دکتر میرزایی آمار خوبی ارائه دادند که تأیید سخنان من در تولید مقالات کم‌مایه و بی‌مایه است که موجب بحران شده است. این را هم خلاصه بگویم که ادبیات تطبیقی ذات ثابتی ندارد. ادبیات تطبیقی هم مانند هر علم دیگری در تغییر و تحول بوده و همواره توانسته است خود را با یافته‌های جدید علمی همراه سازد. این خودانتقادی نقطه‌ی قوت ادبیات تطبیقی است. حال اگر ما به همان تواردهای ادبی سطحی بسنده کرده‌ایم، اشکال را باید در جای دیگری جست. این را هم اضافه کنم که «بحران» ادبیات تطبیقی در اروپا یا آمریکا با «بحران» ادبیات تطبیقی در ایران قابل مقایسه نیست. برای مقایسه حداقلی از تشابه لازم است. این مقالات مورد اشاره‌ی دکتر میرزایی را خوانده‌ام. نظرات دیگری هم وجود دارد. در فرصتی دیگر بیشتر توضیح خواهم داد.

دکتر خلیل پروینی (استاد گروه عربی دانشگاه تربیت مدرس)

دکتر خلیل پروینی با اشاره به اهمیت و پیچیدگی ادبیات تطبیقی گفت: علت اهمیت ادبیات تطبیقی، اهمیت ادبیات است زیرا ادبیات در همه عرصه‌های معرفتی وجود دارد و هیچ دانش و معرفتی چه در حوزه‌ی علوم انسانی و چه در حوزه‌ی علوم پایه و علوم اجتماعی از ادبیات و هنر مستغنی نیست. علت پیچیدگی ادبیات تطبیقی، ارتباطش با تمامی عرصه‌های معرفتی است و دلیل انسداد ادبیات تطبیقی هم گستردگی بی‌حدومرزی آن است. وی برای برون‌رفت از مشکلات حوزه‌ی ادبیات تطبیقی گفت: ما باید رویکرد و هدف خود را مشخص کنیم تا بدانیم آیا همه‌ی عرصه‌های ادبیات تطبیقی را می‌توان به صورت علمی بررسی کرد یا خیر؟ مطمئناً خیر و برای این منظور نیاز به متخصصان زیادی است. و به‌طور کلی اگر هدف، رویکرد، نیاز و امکانات علمی خود را نشناسیم، ادبیات تطبیقی را نخواهیم شناخت و شاید اظهار ناامیدی از وضعیت فعلی ادبیات تطبیقی به دلیل همین عدم تبیین رویکرد، هدف و فلسفه‌ی ادبیات تطبیقی باشد. اگر ادبیات تطبیقی را دانشی مثل نقد ادبی، زبان‌شناسی بدانیم پس ادبیات تطبیقی روش بررسی ادبیات است، ادبیاتی که با ادبیات، هنرها، علوم انسانی و سایر عرصه‌های معرفتی رابطه دارد. اگر پذیرفتیم که ادبیات تطبیقی یک دانش پس موضوع آن ادبیات است و اگر موضوع آن ادبیات باشد، باید بپذیریم که ادبیات تابع بوم زیست هر کشور است، لذا تمام نظریات مهم ادبیات تطبیقی که به صورت مکتب و مدرسه تعریف شده است، تابع بوم زیست صاحبان آن مکاتب هستند. در این اوضاع و احوال که نظریات ادبیات تطبیقی مانند نظریات نقد ادبی تابع بوم زیست‌شان هستند چرا ما نباید در ایران با این غنای فرهنگی از ادبیات تطبیقی، تعریف و رویکرد مشخصی تابع نیازها و اهداف خود ارائه کنیم؟ تا دانشجویان ما بهره‌ی بیشتری از ادبیات تطبیقی ببرند. بنابراین دانشجویان این رشته اگر رویکرد مناسبی از ادبیات تطبیقی درک کنند، می‌توانند وارد عرصه‌های شغلی مناسب در این رشته شوند. دکتر پروینی با اشاره به مقاله‌ی دکتر انوشیروانی در نقد مقالات ادبیات تطبیقی خود گفت: شما در آن مقاله اشاره کرده‌اید، اسطوره‌شناسی تطبیقی هیچ ارتباطی با ادبیات تطبیقی ندارد درحالی‌که این نظر صحیح نیست



چرا که اسطوره‌ها و نمادها و سمبل‌های ادبی در کانون ادبیات است و جزو پیکره‌ی ادبی است لذا بررسی تطبیقی این‌ها حتماً در قلمرو ادبیات تطبیقی قرار دارد و حتی بسیاری از پژوهشگران و متخصصان حوزه‌ی ادبیات تطبیقی در ایران از جمله دکتر نامور مطلق بدان اشاره داشته‌اند.

پاسخ دکتر انوشیروانی: من با آن بخش از سخنان دکتر پروینی موافقم که ادبیات تطبیقی همان ادبیات است. این را البته من نگفته‌ام دیگران قبلاً گفته‌اند و من هم با آن موافقم. ولی از نظر من دلیل انسداد ادبیات تطبیقی گستردگی بی‌حد و حصر آن نیست. من در مقاله‌ام در مورد دلیل انسداد ادبیات تطبیقی در «ایران» نوشته‌ام که آن را فقط به شباهت‌های سطحی و قالب خاصی محدود ساخته‌ام. متأسفانه عمدتاً در پی تولید مقاله هستیم و نه تولید دانش. این را بزرگان علم و ادب هم گفته‌اند و من هم تأکید می‌کنم. دکتر میرزایی هم به آن اشاره کردند. اگر به دانش ادبیات تطبیقی علاقه داشتیم، به سایر حوزه‌ها مانند بین‌رشته‌ای هم اعتنا می‌کردیم. آن‌گاه متوجه می‌شدیم ادبیات تطبیقی تا چه حد می‌تواند به نیازهای جامعه، نوآفرینی و خلاقیت ادبی دانشجویان ما کمک کند. دلایل خودم را هم در مقاله‌ام مستند کرده‌ام. صدها بار گفته‌ام ادبیات تطبیقی پایان انزوای علوم انسانی است، اگر درست و علمی عمل کنیم. این‌که ادبیات تطبیقی روش است یا دانش در بخش قبلی توضیح دادم؛ البته بررسی ماهیت ادبیات تطبیقی ربطی به بحث امروز من ندارد. قبلاً هم گفته‌ام هیچ نظریه‌ای فصل الخطاب نیست و راه برای نقد و اظهار نظر باز است. من به نقد اعتقاد راسخ دارم. نقد سازنده و مخرب هم نداریم. نقد یا علمی است یا اصلاً نام نقد بر آن نمی‌توان گذاشت. مدح و ذم که نقد نیست. نقد اصولی دارد و لازمه‌ی کار علمی است. از یادداشت یا نقد دوست عزیزم دکتر پروینی استقبال می‌کنم و حتماً به آن جواب خواهم داد چون به عنوان کهنه دانشجوی ادبیات تطبیقی می‌گویم که اسطوره‌شناسی تطبیقی با ادبیات تطبیقی یکی نیست و زیرشاخه‌ای از آن نیست. این‌که ما از اسطوره در ادبیات تطبیقی استفاده می‌کنیم نکته‌ای علمی و قابل قبول است ولی این‌که اسطوره‌شناسی تطبیقی همان ادبیات تطبیقی است فرض غلطی است. لذا با شما دوست عزیز مخالفم وقتی در مقاله‌تان نتیجه می‌گیرید که مجیب‌المصری اسطوره‌شناسی تطبیقی کار کرده پس پدر ادبیات تطبیقی اسلامی است. البته نکات دیگری هم هست که در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

نظرات پایانی و تکمیلی دکتر انوشیروانی

دکتر انوشیروانی در جمع‌بندی نظرات مطرح‌شده در این جلسه گفت: ناامیدی من در مورد انسداد ادبیات تطبیقی در ایران، از سر استیصال است؛ چراکه تاکنون برخلاف پیگیری‌های چنددهه‌ساله من برای تأسیس رشته‌ی ادبیات تطبیقی، هیچ مسئولی پیگیری درستی نکرده است. وی در ادامه ضمن تشکر از نظرات استادان، گفت: نقد باید مبنای علمی داشته باشد و مبتنی بر مبنای نظری باشد. نقد ادبی و نظریه‌ها، منبعث از زمان و مکان خاصی است و هیچ نظریه‌ای فصل الخطاب نیست، بلکه قابل نقد نیز است. اگرچه در سطح جهانی بحران‌هایی در ادبیات تطبیقی داریم اما این بحران‌ها را نشانه قوت می‌بینم. دکتر انوشیروانی پیشنهاد کردند که این نظرات می‌بایست در چندین جلسه دیگر با حضور همین استادان و استادان دیگر شرح و بسط داده شوند و بعداً در قالب یک کتاب چاپ شوند. متأسفانه چنین جلساتی بسیار اندک هستند و پیگیری نمی‌شوند و پس از مدتی فراموش می‌شوند. ما به میزگردهای بسیاری در این حوزه نیاز داریم. من به مجیب‌المصری ایرادهایی دارم، زیرا اسطوره‌شناسی تطبیقی، در ذیل ادبیات تطبیقی جای نمی‌گیرد. دکتر پروینی در نقد مقاله این‌جانب نقدهای خود را بنویسند و من نیز جواب خواهم داد، نقد هیچ ایرادی ندارد، حتی در بی‌رحمانه‌ترین شکل‌اش از آن استقبال می‌کنم و بی‌پرده پاسخ مکتوب خواهم داد. در مورد این‌که ادبیات تطبیقی، روش است یا دانش؟! نظرات مختلفی وجود دارد و نمی‌شود با نظر یک فرد گفت که ادبیات تطبیقی روش است و دانش نیست یا بالعکس.

در پایان این جلسه، دکتر متقی‌زاده اعلام کردند که گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی آمادگی دارد که این موضوع را در ماه‌های آینده با حضور دکتر انوشیروانی و سایر استادان حوزه‌ی ادبیات تطبیقی از جمله دکتر نامور مطلق و... ادامه دهد و پس از برگزاری این سلسله‌نشست‌ها، کتاب یا کتابچه‌ای تحت عنوان «سلسله نشست‌های ادبیات تطبیقی در ایران، حال و آینده»، به چاپ برساند.

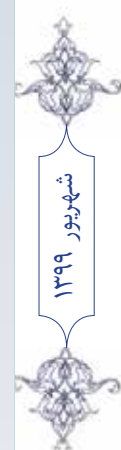




مصیبت درگذشت همکار گرامی مان علیرضا جمالی را
خدمت همکاران عزیز و خانواده‌ی محترم ایشان تسلیت عرض می‌کنیم.

روحش شاد

به‌همت مدیریت فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌مناسبت درگذشت همکار گرامی مان علیرضا جمالی و مصادف با ایام سوگواری حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام، مراسم گرامی‌داشت یاد و خاطره‌ی ایشان، روز شنبه مورخ ۱۴ شهریورماه ۱۳۹۹، به‌صورت مجازی برگزار شد. این مراسم با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید و قرائت زیارت عاشورا توسط محمدرضا صابر، مداح اهل‌بیت آغاز شد. پس از آن عباس بوریور از همکاران مرحوم به بازگویی خاطرات و شخصیت ایشان پرداخت. در ادامه ریاست پژوهشگاه، دکتر قبادی ضمن عرض تسلیت و دلجویی از خانواده‌ی آن مرحوم، از خداوند متعال برای زنده‌یاد جمالی طلب مغفرت و رحمت کردند. در پایان مقرر شد، ریاست پژوهشگاه و همچنین هیأتی متشکل از مدیریت فرهنگی و معاونت اداری، مالی دیداری با خانواده مرحوم داشته باشند.



إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
سرکار خانم دکتر ترکمنی آذر

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

انالله و انا الیه راجعون
سرکار خانم دکتر سروندی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
سرکار خانم طاهره امینی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
جناب آقای قاسم اسلامی

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

انالله و انا الیه راجعون
جناب آقای اسماعیل سحرخیز

مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

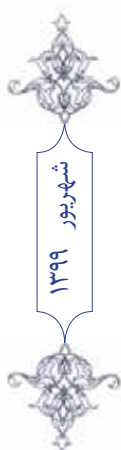
إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
سرکار خانم سمیه اجلی

مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

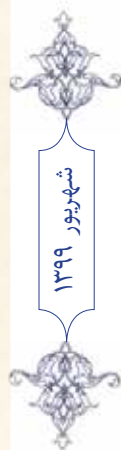
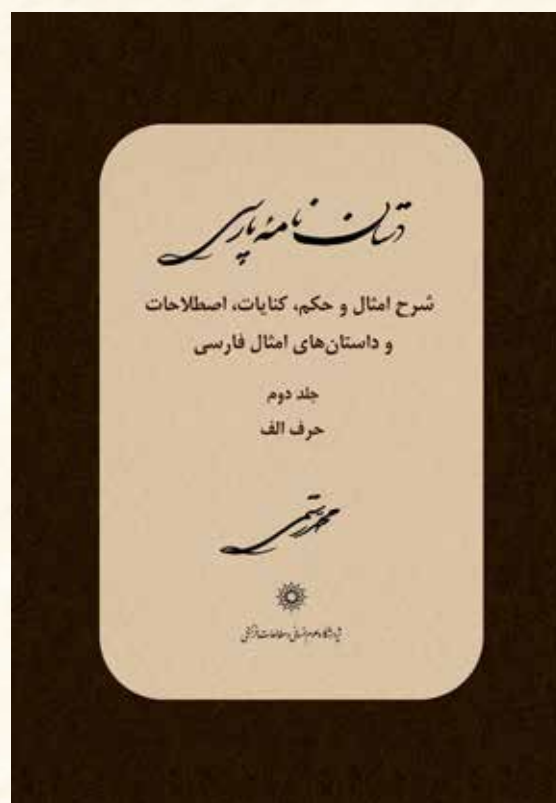
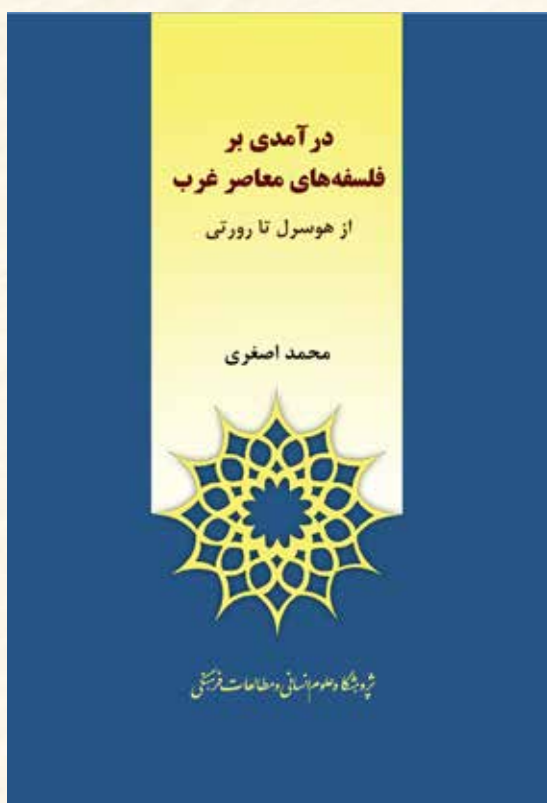
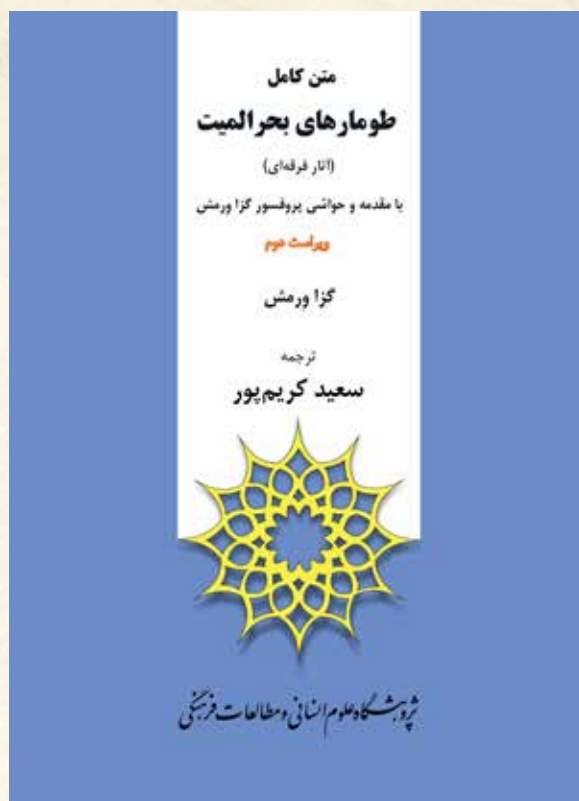
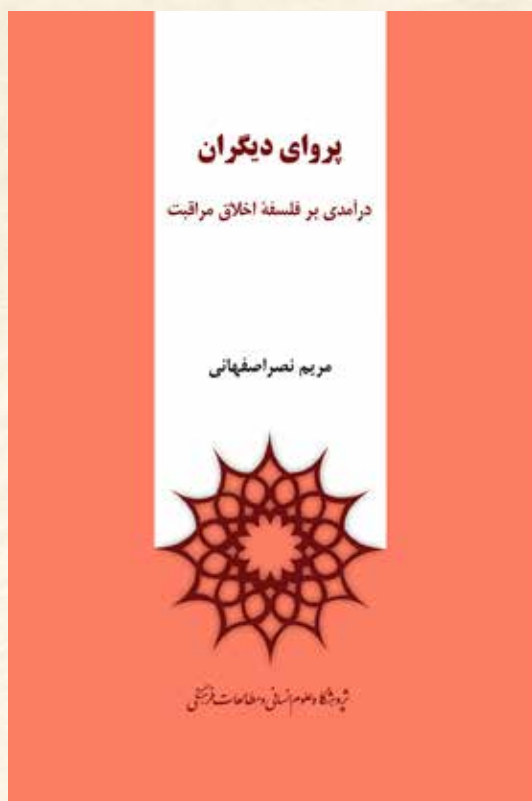
انالله و انا الیه راجعون
سرکار خانم دکتر براتلو

مصیبت درگذشت برادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

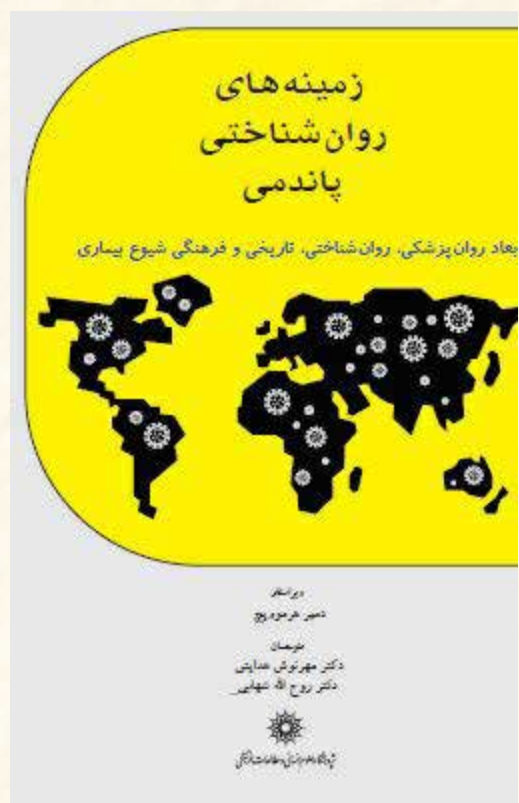
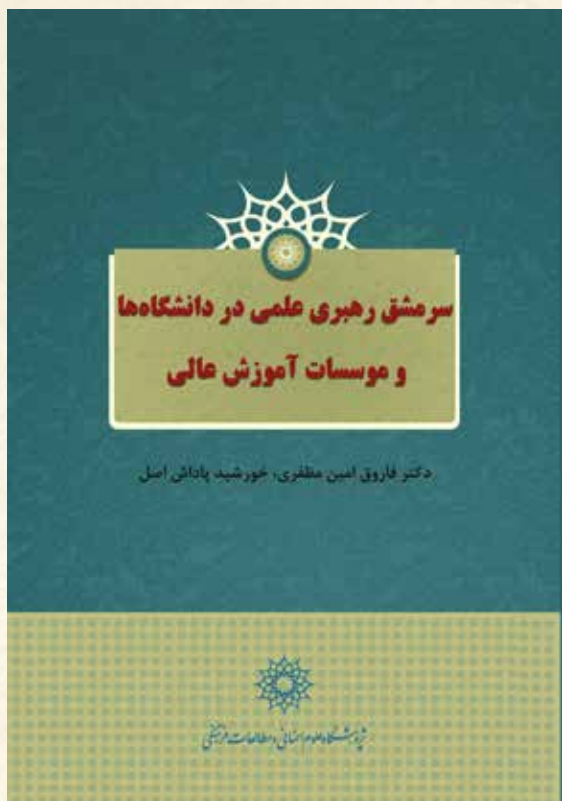
روابط عمومی



تازه‌های نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تازه‌های نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



شهریور ۱۳۹۹





ISC

همایش علمی

بحران کرونا چالش‌ها و فلسفه سیاست‌های اجتماع غرب

تاریخ برگزاری: دی ماه ۱۳۹۹

فراخوان مقاله

مهلت ارسال چکیده و مقالات
۱۵ آبان ماه ۱۳۹۹
مهلت ارسال اصل مقالات
۲۰ آذرماه ۱۳۹۹

نشست ها و پنل‌های تخصصی

از نیمه مهرماه تا پایان آبان ماه

محورهای اصلی و تخصصی همایش

- بحران کرونا و نقد فلسفه سیاسی-اجتماعی غرب
- چالش‌های فکری سنت و مدرنیته در عبور از بحران کرونا
- بحران تمدن غربی در مواجهه با کرونا
- مناسبات اجتماعی هویت ملی کشورها در مواجهه با کرونا
- کرونا و تفاوت کشورها در حکمرانی سیاسی
- کارآمدی دولت‌ها و نهادهای سیاسی در مواجهه با بحران کرونا
- سبک زندگی غربی و بحران کرونا
- بررسی میزان نقش نهادهای سیاسی و اجتماعی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اسلامی در بحران کرونا
- چاپ مقالات برتر در فصلنامه‌های:
 - علمی پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر
 - علمی پژوهشی قدرت نرم
 - علمی ترویجی سیاست‌گذاری

مکان: بزرگراه کردستان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | دبیرخانه کانون بسیج اساتید، پژوهشگاه اندیشه سیاسی، اتاق ۲

وبگاه: www.ihcs.ac.ir/basijap

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۶۱۰۲۹۳

ایمیل: bap@ihcs.ac.ir

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah